





ویژه‌نامه

علامه شیخ محمد کرمی

سال دوازدهم اسفند ماه ۹۷

شماره ۱۳۹

مدیر مسئول: سید محمد جواد شوشتری  
 سر دبیر: معصومه صبور  
 مدیر اجرایی: محمد حاتمی  
 دبیر تحریریه: مریم جویدراری

مدیر هنری: علیرضا عبادی  
 دبیر عکس: علی چاشنی‌گیر  
 عکس: محمد آهنگر، علی محمدی  
 مناصب: زاده و محمد محسنی  
 ویراستار: مهدیه موحدی‌فر

همکاران این شماره:  
 سمیه دولت‌جانی، احمد نبیان

و با تشکر از:  
 حجت‌الاسلام و المسلمین سید محسن شفیعی  
 حجت‌الاسلام و المسلمین ناصر کرمی  
 حجت‌الاسلام و المسلمین جمعه دسومی  
 سید علیرضا علوی  
 محمد امین صالحی‌نژاد  
 الهام راکی  
 سیما محسنی  
 زهرا ایزدخواستی

این شماره از رایحه  
 خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به سفارش  
 سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان  
 منتشر شده است.

## نگاهی به خاندان و نسب علامه شیخ محمد کرمی

خاندان شیخ محمد کرمی از خاندان‌های با سابقه و نامدار است که در حوزه علمیه و فرهنگ اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این خاندان با تکیه بر علم و اخلاق، سهم بسزایی در پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی داشته است.

### ۱. علامه شیخ ذریه‌نامه المیزان

علامه شیخ محمد کرمی از بزرگان علم و اخلاق است که در حوزه علمیه و فرهنگ اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این خاندان با تکیه بر علم و اخلاق، سهم بسزایی در پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی داشته است.

### ۲. علامه شیخ ذریه‌نامه المیزان

علامه شیخ محمد کرمی از بزرگان علم و اخلاق است که در حوزه علمیه و فرهنگ اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این خاندان با تکیه بر علم و اخلاق، سهم بسزایی در پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی داشته است.

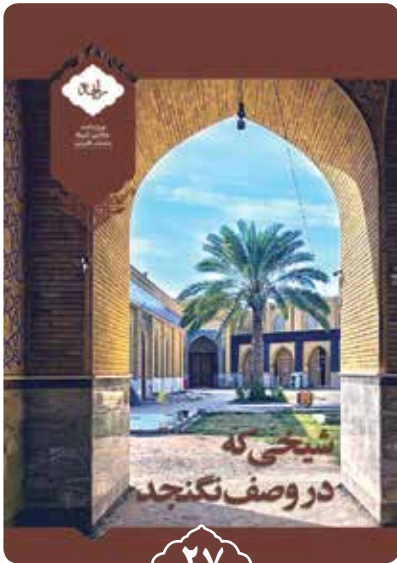
### ۳. علامه شیخ ذریه‌نامه المیزان

علامه شیخ محمد کرمی از بزرگان علم و اخلاق است که در حوزه علمیه و فرهنگ اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این خاندان با تکیه بر علم و اخلاق، سهم بسزایی در پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی داشته است.

### ۴. علامه شیخ ذریه‌نامه المیزان

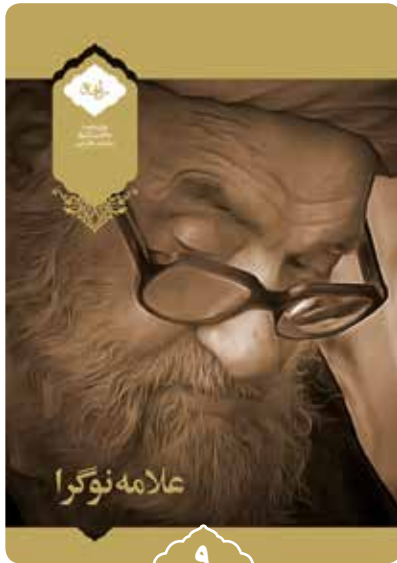
علامه شیخ محمد کرمی از بزرگان علم و اخلاق است که در حوزه علمیه و فرهنگ اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. این خاندان با تکیه بر علم و اخلاق، سهم بسزایی در پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی داشته است.

### شیخی که در وصف ننگد



۲۷

### تلاقی مبارک



۹



۳۴



۲۸



۵۸



۷۸



۲۰

موقوفه‌ای برای سلامت

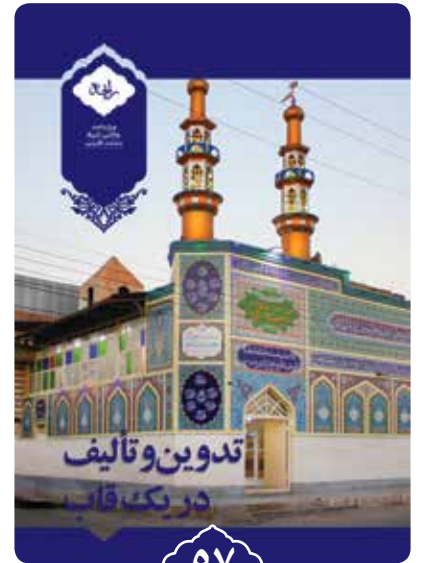
تدوین و تالیف در یک قاب



۱۶



۷۷



۵۷

نیم‌نگاهی به زندگی علامه:

# فقیهی از دیار عالمان

۱۳۲۲ ه. ش

تألیف کتاب  
«الحیة الروحیه»  
ومهاجرت از  
نجف اشرف  
به قم مقدسه

کسب علم  
در مرحله سطح  
(کفایه آخوند خراسانی  
ومکاسب شیخ  
انصاری)  
وحکمت و فلسفه  
در محضر شیخ  
مرتضی طالقانی

۱۳۱۸ ه. ش

کسب علم  
در مقدمات تحصیل  
در رشته‌های اصول،  
فقه، تفسیر، تاریخ  
وادبیات عرب

۱۳۰۰ ه. ش

تولد علامه شیخ محمد  
کرمی حویزی  
از نوادگان شیخ  
نصرالله کرمی حویزی  
در شهر نجف

۱۳۲۱ ه. ش

۱۳۱۲ ه. ش

۱۳۵۸ ه. ش

ساخت  
مسجد النبی  
در منطقه  
آخر اسفالت اهواز  
و آغاز سلسله جلسات  
تفسیر قرآن  
در ماه رمضان

حضور علامه کرمی  
در تدوین قانون اساسی  
جمهوری اسلامی

فوت آیت الله خوئی  
و تألیف  
«خلاصه الاحکام  
فیما یتلی به المکلف  
من مسائل الحلال و  
الحرام»  
از سوی علامه کرمی که  
به عنوان  
رساله عملی ایشان  
در دوزبان فارسی  
و عربی ارائه شد

۱۳۸۱ ه. ش

فوت علامه  
محمد کرمی و برگزاری  
مراسم باشکوه تشییع  
و خاکسپاری ایشان

بهره‌برداری  
فاز نهایی  
بیمارستان وقفی  
علامه کرمی

۱۳۵۵ ه. ش

۱۳۷۱ ه. ش

۱۳۸۲ ه. ش

# علامه شیخ محمد کرمی

ش. ۱۳۴۷ هـ

فوت شیخ محمد طه،  
پدر علامه  
شیخ محمد کرمی  
و استقرار ایشان  
در اهواز

ش. ۱۳۲۸ هـ

دریافت  
اجازه نامه اجتهاد  
علامه کرمی  
از آیات عظام بروجردی  
و والده محترمشان

ش. ۱۳۲۳ هـ

آغاز چاپ مقالات  
علامه کرمی  
به زبان عربی  
در مجلاتی از جمله  
العرفان لبنان

ش. ۱۳۲۴ هـ

ورود آیت الله بروجردی  
به قم و کسب علم  
علامه کرمی  
در محضر ایشان

ش. ۱۳۴۷ هـ

تأسیس حوزه علمیه  
در اهواز  
و آغاز تلاش‌های دینی  
برای آموزش جوانان  
منطقه

چاپ جلد اول  
کتاب  
«القول الجامع فی  
تحریر فروع الشرائع»

ش. ۱۳۴۸ هـ

## سخن نخست

فاضل وارسته و علامه جلیل‌القدر محمد کرمی حویزی (۱۳۰۰-۱۳۸۱ ه.ش) از مصادیق بارز عالمان ربانی است که با تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش در زمینه‌های مختلف معرفت دینی به ویژه تفسیر، علوم قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام میراثی عظیم و سرشار از گوهرهای ناب علمی و دقایق و ظرایف بی‌نظیر معرفتی را رقم زده است. آیت‌الله محمد کرمی علاوه بر نگارش تفسیر کتاب‌الله المنیر با برگزاری جلسات درس تفسیر در حوزه علمیه خود و پرورش شاگردانی اندیشمند، صاحب نظر و برجسته، خدمتی بزرگ به جامعه اسلامی و علمی نموده‌اند. جلساتی که سالیان سال ادامه یافت و همیشه شاهد حضور پرشور مخاطبانی خاص بوده است. بر اندیشمندان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه واجب است تا تلاش این بزرگان را ارج نهند و ضمن بهره‌گیری از میراث علمی آنان، در بسط و تبیین آن برای ارتقای سطح دانش دینی و قرآنی کوشا باشند. در این راستا از حسن تقدیر، چنان مقدر شد که رایحه، نشریه تخصصی خیرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در سال یازدهم ویژه‌نامه‌ای با عنوان علامه جلیل‌القدر آیت‌الله محمد کرمی حویزی منتشر کند.

این ویژه‌نامه به بررسی ابعاد مختلفی از زندگی این پیر فرزانه می‌پردازد که از دوران جوانی اهل قلم و صاحب تألیف بوده و تا پایان عمر پر برکتشان بالغ بر ۵۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف علوم قرآنی، مفاهیم دینی و علوم اجتماعی و ادبی به رشته تحریر درآورده‌اند.

این شماره از نشریه رایحه در چهار پرونده با عناوینی همچون «علامه نوگرا»، «شیخی که در وصف نگنجد»، «تدوین و تألیف در یک قاب» و «موقوفه‌ای برای سلامت» تدوین شده و به چاپ رسیده است.

از مهم‌ترین اهداف این نشریه این است که کتب این محقق دینی را هدف پژوهش‌های نوین قرار دهد که متأسفانه چندان در میان محققان این عرصه شناخته شده نیستند

و ترجمه نشدن آثار ایشان به زبان فارسی به مهجوریتش افزوده است. مورد مذاقه قرار دادن و شناساندن شخصیت والای این علامه زاهد و نتایج تحقیقات و تألیفات‌شان روشنگر بسیاری از مغفقات دینی جامعه امروز بشر است. نگاه عقلانی به دین از رویکردهای اصلی علامه‌ای است که به آن پرداخته‌ایم و پاسخ بسیاری از پرسش‌های جامعه‌شناسی و دین‌شناختی است و تبیینی زیبا و مؤثر بر هنجارها و ناهنجارهای اجتماعی، دینی و اخلاقی دارد.

آثار علامه محمد کرمی سرشار از نکته‌های بدیع و دیدگاه‌های جدید است که هم با ارج نهادن بر تألیفات گذشتگان و بیان رأی آنها باعث ماندگاری این میراث عظیم اولیا الله می‌شود و هم با بحث‌ها و نظرات و دیدگاه‌های نوینی که از جانب خود بیان می‌کنند اصلی که به آن معتقدند را روشن می‌سازند.

کاربردی بودن دین در شریان اصلی جامعه و سهل‌الوصول بودن مفاهیم این برنامه الهی، اصلی بنیادی همراه با تعقل است که علامه گرانسنگ شیخ محمد کرمی حویزی در هشتاد و یک سال عمر پر برکت‌شان تلاش و کوششی داشتند تا بدان نایل شوند.

استان خوزستان علمای بسیاری را در دامان خود پرورانده است و مجموعه معاونت فرهنگی سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان در تلاش است با تدوین و انتشار زندگی‌نامه این علمای بزرگ، به معرفی هر چه بیشتر این عزیزان به نسل جوان گامی مؤثر بردارد.

امید است قلم این مجتهد و اصولی بر زمین نماند و همچون ایشان فضایی در راستای تحقیق و پژوهش پا به عرصه نهاده و این راه پرفراز و نشیب را روشن تر گردانند.

الحمد لله علی کل حال

سید علیرضا علوی

تراجم

ویژہ نامہ  
علامہ شیخ  
محمد کریمی

علامہ نوگرا

شیخ محمد کرمی

# علامه‌ای از فقه و وقف

علامه شیخ محمد کرمی حویزی فرزند شیخ محمدطه از نوادگان شیخ نصرالله کرمی حویزی، از خاندان اهل فضیلت بودند که در شهر نجف متولد شدند. از فهم و ذکاوت و استعداد قابل توجهی برخوردار بوده که با تلاش قابل توجهی که داشت مراحل مقدمات و سطوح را در نجف اشرف فراگرفت. علامه شیخ محمد کرمی، با توجه به اینکه آبا و اجدادشان به نجف اشرف مهاجرت کرده بودند، در این شهر و در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به دنیا آمدند.

شیخ محمدطه، پدر علامه شیخ محمد کرمی فرزند شیخ نصرالله حویزی کرمی بود. همسر ایشان بانوی بزرگوار، دختر شیخ مامقانی بودند. شیخ محمد کرمی زمانی در نجف به دنیا آمدند که این شهر، پناه و مأوی علما و حکیمان بود. بسیاری از علما و حکیمان در این شهر به تحصیل علوم می‌پرداختند به همین دلیل علامه شیخ محمد کرمی دوران نوجوانی خود را در این شهر سپری کردند. از جمله مشخصه‌های بارز علامه شیخ محمد کرمی استفاده دقیق از زمان بوده است، به طوری که بسیاری از طلاب این مشخصه را در ایشان می‌دیدند. همچنین ایشان از جایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار بودند تا اینکه در ابتدای جوانی از نجف به شهر قم مهاجرت کردند. در شهر قم نیز از حضور فقهای آن دوره از جمله

آیات عظام سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، سید محمدتقی خوانساری، سید صدرالدین صدر و سیدحسین طباطبایی برخوردار بودند. تألیفات علامه شیخ محمد کرمی در دهه سوم عمر شریفشان آغاز شده بود که با محوریت مسائل اخلاقی و تربیتی و همچنین سرودن اشعار در این زمینه بود. از جمله دروس حوزوی که ایشان فرا گرفته بودند می‌توان به اصول، فقه، تفسیر، تاریخ و ادبیات عرب اشاره کرد. این عالم جلیل‌القدر در نجف به تحصیل علوم دینی پرداختند و موفق به کسب رتبه و درجات علمی و دینی والایی شدند. بعد از مدتی، تصمیم گرفتند به استان خوزستان و برای دیدن پدر بیایند. علامه شیخ محمد کرمی خود می‌گوید در مناسبت‌هایی خاص، اشعاری سرودم و علاقه‌مند



**اندیشه و تفکر م این بود که زمان و وقتم صرف تحقیق و پژوهش و کسب علم باشد اما شیوه اجتماعی نجف با قم کاملاً متفاوت بود**

و دل‌باخته تألیف کتبی در باره گذشته بودم. در خصوص حضور ایشان در شهر اهواز یک نکته قابل اشاره این‌که در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی و بعد از فوت پدر بزرگوارشان شیخ محمدطه که در اهواز سکونت داشتند، مردم خوزستان به خدمت وی رفته و از ایشان درخواست کردند به منظور رسیدگی به امور اجتماعی و تربیتی آن سامان اقدام نمایند و در اهواز حضور یابند. بعد از آن بود که ایشان به اهواز آمدند.

اقامت در قم و ادامه تحصیل در حوزه علمیه علامه شیخ محمد کرمی در باره دلایل انتخاب قم به عنوان مکانی برای تحصیل، گفته بودند اندیشه و تفکر م این بود که زمان و وقتم صرف تحقیق و پژوهش و کسب علم باشد اما شیوه اجتماعی نجف





**عامل هجرتم  
از نجف اشرف  
به قم گزینش  
«عزلت» برای  
کسب علم  
بود که این امر  
محقق گردید  
و در نتیجه  
تمام تلاش‌م را  
در این زمینه  
معمول داشتم  
تا به کسب  
مدارج علمی  
دست یابم**

البته در خلال اقامتم در این شهر مذهبی و علمی بعضی از رجال با فضیلت برای دیدارم آمده و با من ملاقات نمودند اما این دیدارها هرگز زیاد نبود و من بهترین فرصت را به دست آوردم تا به کسب دانش و حتی فراگرفتن زبان فارسی بپردازم. آنانی که از اندیشمندان و رجال دینی به دیدارم آمده بودند عالم جلیل‌القدر مرحوم «سید صدرالدین صدر» و علامه «کوه کمره‌ای» که مرا از نجف اشرف می‌شناخت و سایر علما کم و بیش گاهی برای خوش آمدی نزد من می‌آمدند و مرا مورد محبت قرار می‌دادند. عامل هجرتم از نجف اشرف به قم گزینش «عزلت» برای کسب علم بود که این امر محقق گردید و در نتیجه تمام تلاش‌م را در این زمینه معمول داشتم تا به کسب مدارج علمی دست یابم.

علمی بالایی دست یابم. لذا گزینش حوزه علمیه قم بسیار تأثیرگذار بود و بهترین انتخاب بود که همین امر باعث موفقیت‌هایم شد. گزینش شهر قم و استمرار در کسب علوم مختلف به دور از هر گونه مشکلات، آرزوی دیرینه علامه کرمی بود. مردی بزرگ با اندیشه‌ای بزرگ‌تر که تنها به قصد کسب علوم مختلف به سرزمینی آمده که زبان آن رانمی دانست. می‌نویسد: «قم را بر همه شهرهای دیگر ایران و عراق ترجیح دادم با این وجود زبان فارسی رانمی دانستم. با این وصف، قم جایگاه کسب علوم دینی بود. دانشمندان بزرگی در این شهر به تدریس مشغول بودند و من مشکلاتی که در نجف اشرف داشتم، در این سرزمین نداشتم. پس با همه همت و تلاش به تحصیل پرداختم و اتافی در حوزه علمیه فیضیه برایم اختصاص دادند.

با قم کاملاً متفاوت بود زیرا تا زمانی که در نجف بودم، حضور در مراسم اجتماعی، بسیار وقت‌گیر و طاقت‌فرسا بود. از سویی دیگر استقرار حکومت عثمانی در عراق و مزاحمت‌هایی که مأمورین دولتی برای علما ایجاد می‌کردند و نیز وجود افراد شرور، زمینه زندگی سالم و آرام را کاملاً از میان برده بود. لذا من از اوضاع دینی مردم این سرزمین آگاهی داشتم و در مورد اهواز هم اطلاع اجمالی داشتم. در ایران نیز مراکز علمی مهمی در قم و اصفهان و خراسان فعال بود. نخست می‌خواستیم به بروجرد بروم، زیرا حضرت آیت‌الله بروجردی در این شهر مذهبی بودند و در آنجا اقامت داشتند. سرانجام قم را برگزیدم و به آنجا رفتم تا در عزلت به کسب علم بپردازم و همه تلاش و همت خود را در این زمینه صرف نمایم تا از این راه به مدارج

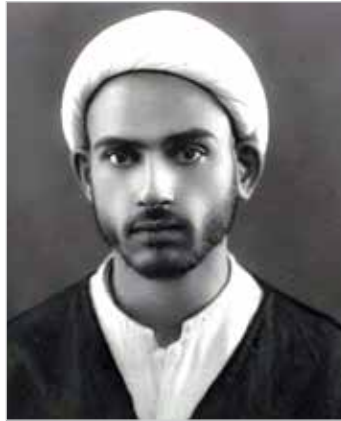
دیدگاه

«أَمْرُهُمْ شُورَى»

خداوند متعال در قرآن کریم بارها به جایگاه مشورت اشاره کرده است که از جمله آنها سوره مبارکه «شوری» پس از بیان مسئله ایمان و نماز، مشورت را مطرح کرده است. این خود دلیل بر اهمیت موضوع است که مؤمنان باید در کارهایشان با یکدیگر مشاوره کنند. و اینکه این سوره در مکه نازل شده و حکومت اسلامی در آنجا تشکیل نشده بود، استفاده می‌شود که لزوم مشاوره مخصوص حکومت و اداره مملکت نیست و همه امور اعم از فردی، اجتماعی، حکومتی و... را در بر می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های بارز علامه شیخ محمد کرمی توجه به حضور مشاورین و متخصصین در امور مختلف بود. ایشان برای پرداخت به موضوعات مختلف از افراد متخصص در آن موضوع مشورت می‌گرفتند. مانند مسائل اقتصادی، اداری یا فتاوی که مربوط به مسائل پزشکی می‌شد. به طور نمونه احمد شاکری مشاور ایشان در مسائل اداری بوده است. در ساخت بیمارستان وقفی نیز دکتر حسن ساکی امین و مشاور علامه شیخ محمد کرمی بودند.

در ابتدا علامه شیخ محمد کرمی تصمیم بر این داشتند درمانگاهی خیریه احداث کنند و بعد از مشورت با دکتر ساکی و اطلاعات بیشتری که در امور درمان با توجه به مشورت ایشان به دست آوردند پیشنهاد احداث بیمارستان را از سوی حسن ساکی قبول کردند و این نمونه‌ای بارز از اعتماد به مشورت و مفید و کارگشا بودن آن است که بیمارستان به یکی از جمله مجهزترین و بزرگترین بیمارستانهای شهر اهواز تبدیل شده است.



قم را برای تحصیل علوم حوزوی و دینی در جوانی انتخاب کرده بودند.

اساتید علامه شیخ محمد کرمی

بحث خارج بالاترین درس علمی اسلامی است که از آنجا به مرحله اجتهاد می‌رسیدند. علامه کرمی نیز از محضر بزرگانی بهره‌مند شد، همچون آیات عظام کوه‌کمره‌ای، سید محمد تقی خوانساری، سید صدرالدین صدر، سید حسین بروجردی. علامه کرمی بیشترین بهره‌های علمی را از عالم بزرگوار کوه‌کمره‌ای دریافت نمودند که آن اندیشمند اسلامی درباره اجتهاد و رسیدن به مرحله بلوغ در مورد ایشان بیان داشت. ایشان از پدر بزرگوارشان نیز کسب علم کردند و استفاده شایانی بردند.

همزمان با آموزش علمی به تدریس هم اشتغال داشتند و شب‌ها تا پاسی از شب به مطالعه و مذاقه می‌پرداخت تا اینکه توانست در همه علوم دینی و خارج و فقه و اصول و تفسیر کلام و ادب و شعر و تاریخ زبانزد خاص و عام گردد.

بازگشت به اهواز و ترک قم

انگیزه و عواملی باعث شدند تا علامه شیخ محمد کرمی علی‌رغم همه دلبستگی‌ای که به قم داشتند، به اهواز برگردد. در پی درگذشت پدرشان، علامه شیخ محمدطه کرمی در ششم محرم سال ۱۳۸۸ هجری قمری، (۱۳۴۷ شمسی) بزرگان و علمای اهواز و عامه مردم، از علامه شیخ محمد کرمی خواستار شدند که در اهواز بمانند و به ارشاد مردم بپردازد. علامه نیز اجابت کردند. طلاب نیز از هر سوبه سوبیشان سرازیر شدند.

آیتالله بهبهانی، نیز بیش از هر کس دیگری در

شیخ محمدطه کرمی حویزی، پدر شیخ محمد از جایگاه مذهبی و علمی خاصی در کسب و ترویج علوم دینی برخوردار بودند و همین امر باعث شد شیخ محمد کرمی نیز در کسب علوم دینی و حوزوی اهتمام خاصی داشته باشد.

در شکل‌گیری شخصیت علامه شیخ محمد سه عامل اصلی؛ مرکزی که رشد یافتند، پشتکاری که داشتند و بستر مناسبی که در خانواده بوده، تأثیرگذار بودند و این امر بر کسی پوشیده نیست که پشتکار علامه نسبت به دو مورد دیگر، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

علامه شیخ محمد کرمی تألیفات متعددی با موضوعات مختلف حوزوی و اجتماعی داشته‌اند که غالب بر هشتاد جلد است.

شیخ محمد کرمی بعد از اینکه به اهواز و قم بازگشتند اقدامات مذهبی و علمی در این دو شهر انجام دادند. علامه شیخ محمد کرمی اقداماتی در زمینه توسعه فضاهای مذهبی و اجتماعی از جمله ساخت مسجد، حسینیه، حوزه علمیه و حتی مراکز درمانی در شهرهای اهواز و سوسنگرد داشتند. این مهم نشئت گرفته از روحیه مردم‌داری و با مردم بودن خاندان حویزی دارد که ایشان نیز به مانند گذشتگان و نیاکان خود ادامه‌دهنده راه بوده است. همچنین علامه تمایل به تحقیق درباره گذشتگان داشته‌اند و اشعار و مطالبی را در این زمینه از خود به یادگار گذاشته‌اند.

علامه شیخ محمد کرمی از طبع ادبی و شعری برخوردار بودند و مضمون اغلب اشعار ایشان در خصوص مسائل اجتماعی بوده است.

یک نکته مهم اینکه علامه شیخ محمد کرمی گرچه در شهر نجف متولد شده بودند و پایه‌های تحصیل حوزوی را در آنجا گذرانده بود، اما شهر



علامه شیخ  
محمد کرمی  
از طبع ادبی  
و شعری  
برخوردار بودند  
و مضمون اغلب  
اشعار ایشان  
در خصوص  
مسائل  
اجتماعی بوده  
است

دیدگاه

## علامه کرمی در قم

علامه محمد کرمی ۲۸ سال در قم ماندگار بود. قبل از اینکه به قم برود معمم شده بود. دو سال بعد از اینکه در قم ماندگار شد ازدواج کرد. دروس حجت کوه کمره‌ای را فرا گرفت.

آن زمان آیت‌الله کوه کمره‌ای در حوزه علمیه فیضیه به تدریس دروس حوزوی می‌پرداخت که بعدها اقدام به ساخت حوزه علمیه کرد. در خلال بیست و هشت سالی که در قم سکونت داشت توانست کتاب‌هایی را بنویسد و بعدها با بضاعت مالی کمی که داشت آنها را به چاپ برساند که مورد رغبت هم حوزه علمیه و هم غیرحوزوی‌ها واقع شد. کتبی از جمله «القول الجامع» و «التقريب الى حواشی و التهذيب» را تألیف نمود که چندین بار تجدید چاپ شدند.

کتاب «الوشاح» نیز چندین بار تجدید چاپ شد. کتب دیگری از جمله «طريق الوصول» در چهار جلد و کتاب «بحوث و آراء» در شش جلد به چاپ رسیدند که در کتاب اخیر به ردّ شبهات مصری‌ها درباره نهج البلاغه پرداخته شده است. همچنین تألیفات دیگری از جمله مکاسب، اتحاف الطالب، معالم و کفایه را تألیف نمود. کتاب القول الجامع در ده جلد تألیف شده بود که خوشبختانه به دست اهلس رسید. همچنین سه کتاب فقهی داشت که آنها نیز تألیف شدند و به عنوان رساله عملیه چاپ شدند.

گرچه کتاب شعری نداشت ولی در کتبی که تألیف شده چندین بیت شعر آمده است. همچنین حدود ۱۰۰ مقاله به زبان عربی به چاپ رسیده که اغلب در مجلات نجف و کشورهای عربی بوده است.



است که تفسیرش را داده‌اند و با توجه به مسائل اجتماعی و اخلاقی بوده که در آن آیه نیاز به پرداخت بیشتری دارد.

علامه محمد کرمی معتقد بودند نزول این کتاب مقدس به علت مسائل اخلاقی و اجتماعی است و اصل هدف آن بیان این مسائل اخلاقی و روابط و معاشرت است.

این کتاب تفسیر که با نام تفسیر المنیر شناخته شده است نیز در فصل آخر خود که در جلد هشتم قرار دارد فصلی با عنوان «عقود من حیاتی» را جای داده است که این فصل به زندگی خود علامه محمد کرمی از زبان خودشان می‌پردازد و شرح حالی را از دوران کودکی، تحصیل، فقهت و مرجعیت بیان می‌کنند. از فعالیت‌های خود در زمینه وقفیات و حوزه علمیه نیز مطالبی را نگاشته است.

علامه محمد کرمی در ارتباط با علم اصول، کتابی دارند به نام «القول المسدد فی اصول محمد» که شیوه نگارش آن به تحفه‌المحمدیه شباهت دارد. ایشان تأکید می‌کردند که کتاب باید به طور کامل حفظ شود.

کتاب دیگر علم اصول، «کفایه‌الاصول» شرح «کفایه» خراسانی که شرح آن بسیار مشکل است در چهار جلد صورت گرفته است.

کتاب «الهدایة فی تلخیص الکفایة» را همچنین علامه محمد کرمی در سه جلد به طلاب تدریس می‌کردند و تلخیصی از کفایه است که شرح و بسط داده شده و کتاب گرانقدری در زمینه اصول است.

کتاب «جواب السائل عن المحتوا الرسائل» که الرسائل مربوط به شیخ انصاری است و کتابی قطور و پر محتوا در این زمینه نوشته‌اند.

مورد ماندن علامه فقیه شیخ محمد کرمی اصرار می‌کردند و دیگر علما اهواز به همین ترتیب اصرار زیادی داشتند.

### تأیید مرجعیت آیت‌الله شیخ محمد کرمی

علامه شیخ محمد کرمی از بزرگانی تأیید مرجعیت داشتند، همچون آیت‌الله خویی و سید کوه کمره‌ای. آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله آقای شیخ محمدرضا آل یاسین و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و کالت داشتند.

### نمایندگی مردم استان خوزستان در تدوین

#### قانون اساسی جمهوری اسلامی

در سال ۱۳۵۸ شمسی آیت‌الله شیخ محمد کرمی از سوی مردم خوزستان به عنوان نماینده استان به دعوت امام خمینی (ره) برای تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی شرکت داشتند و همه تلاش و هم‌خویشی را برای تدوین مواد قانون کامل و جامع به کار بردند. حضور ایشان که به مدت چندین ماه ادامه یافت، هم‌زمان با حضور و تدریس در مراکز علمیه بود.

### تفسیر المنیر

علامه محمد کرمی تفسیر قرآنی تألیف کرده‌اند که در هشت جلد تنظیم شده است. در مقدمه این تفسیر ذکر کرده‌اند که تفسیر نوشته شده با توجه به مسائل اجتماعی و اخلاقی است و محتوای اصلی آن به سمت روابط اجتماع و اخلاق میل و گرایش دارد. قرآن کریم در این کتاب به صورت ترتیبی و مفصل تفسیر شده است. البته شایان ذکر است در میان تفسیر ترتیبی آیات قرآن مقالاتی به رشته تحریر در آورده‌اند که مربوط به آیه‌ای



### علامه محمد

#### کرمی در ارتباط

#### با علم اصول،

#### کتابی دارند

#### به نام «القول

#### المسدد فی

#### اصول محمد»

#### که شیوه

#### نگارش آن به

#### تحفه‌المحمدیه

#### شباهت دارد.

#### ایشان تأکید

#### می‌کردند که

#### کتاب باید به

#### طور کامل حفظ

#### شود



علامه کرمی و نهج البلاغه

## نوگرایی در واکاوی نهج البلاغه

علامه شیخ محمد کرمی در بحث تألیفاتشان بسیار دقیق عمل می‌کردند و شیوه خاصی را در تألیف و نقد و بررسی مطالب داشتند که با ظرافت بسیاری در نگارش همراه بود. ایشان در تألیف کتبشان همیشه بر نوگرایی و تسلط به مطالب و موضوع از جانب نویسنده تأکید داشتند، و منشی را در این زمینه مطرح می‌کردند که یک مولف باید در تألیفات خود، نقد و نظری واضح و کامل داشته باشد.

یکی از آثار برجسته و زبانزد علامه فرهیخته شیخ محمد کرمی شرحی است که بر کتاب نهج البلاغه سید رضی داشته‌اند. بیانی شیوا و همراه با دقیق و تحقیق دارد که این گنجینه ارزشمند را مورد بررسی قرار می‌دهد. این اثر خلاق از شیخ رضی که سخنان گهربار امیر مؤمنان (ع) است را برای مخاطب به شرحی زیبا و پرداختی نو از ابعاد مختلف و نگاهی مبتکرانه تبدیل می‌کند. سید رضی این کتاب را بر اساس ذوق ادبی خویش و با معیار قرار دادن بلاغت آنها گردآوری نموده است. این کتاب به اذعان بسیاری پس از قرآن زیباترین و برترین تجلی بلاغت است. نهج البلاغه در دوره‌های بعدی بیشتر به جهت مباحث گسترده توحیدی، اجتماعی، اخلاقی، تاریخی و سیاسی آن مورد توجه قرار گرفت. تاکنون بسیاری از عالمان شیعه و سنی این کتاب را شرح نموده‌اند که علامه بزرگوار شیخ محمد کرمی در این باره تألیفی داشته‌اند. علامه شیخ

کرمی در حقیقت در حب و دوستی حضرت علی علیه‌السلام ذوب گردیده و همه وجود فکری و اندیشه‌ش در شرح این کتاب سپری شد. در کتاب پرنهای «تفسیر کتاب‌الله المنیر» می‌گوید: «و بعد از تلاش‌ها که انجام داده‌ام تعلق به امام همام حضرت علی علیه‌السلام و ورثه بعد از او در روح و جسم و قلب من نبوغ و عظمت او را شناختم. البته باید اضافه کنم من در سن نوجوانی و قبل از نبوغ، کتاب نهج البلاغه را با همه علاقه و دقت نظر و تعمق در مفاهیم آن فرا گرفتم و چه شب‌های طولانی که در مطالعه نهج البلاغه سپری نمودم و بعد از آن بارها و بارها کتاب نهج البلاغه را با تمام اندیشه و وجودم آموختم و ارزش حضرت علی (ع) را یافتم و ابعاد عظمتش را فرا گرفتم و فضیلت‌ها و مناقب آن امام همام را دریافتم.

**مطالعه و مداقه کتاب نهج البلاغه**  
علامه شیخ کرمی دو شرح بر نهج البلاغه منعقد

کردند: شرح ترتیبی؛ کتاب را بر حسب ترتیب و توالی موضوعات را مورد شرح قرار می‌دهد. شرح موضوعی؛ گردآوری همه خطبه‌ها با موارد مربوط به حکمت و نگارش موارد مختلف کلمات و جملات در جایگاه خودش و بدون شک تفسیر و بازنگری در موضوعات مختلف خطبه‌ها، شایسته بررسی و اولویت در نگارش و تدوین موضوعات کتاب نهج البلاغه است. بدون شک برخی از علما اعلام ما از قبیل علامه شیخ محمد تقی شوشتری به شرح و تفسیر کتاب نهج البلاغه به نام «نهج الصباغه» چهارده جلد را با نگارش بسیار زیبا و اثربخش مورد پژوهش قرار داده است و همین‌طور دیگر افراد به این مهم پرداختند. با این وجود علامه شیخ کرمی شرحی بر نهج البلاغه به نام «بحوث و آراء» در شش جلد مورد نگارش قرار داده است.

**علامه شیخ کرمی و بیان نهج البلاغه**  
در کتاب‌هایی که علامه شیخ کرمی درباره نهج البلاغه مورد بررسی و بحث قرار می‌دهد می‌نگارد: «در جلد اول کتابم و شرحی که بر نهج البلاغه نمودم در حضرت علی (ع) صفات و ویژگی‌های خیر مطلق و سجایای انسان کامل یافته‌ام. البته هرگز نتوانسته‌ام ویژگی‌های

- علامه شیخ کرمی دو شرح بر نهج البلاغه منعقد کردند: شرح ترتیبی؛ کتاب را بر حسب ترتیب و توالی موضوعات را مورد شرح قرار می‌دهد. شرح موضوعی؛ گردآوری همه خطبه‌ها با موارد مربوط به حکمت و نگارش موارد مختلف کلمات و جملات در جایگاه خودش

دیدگاه

## مفدا میراث خاندان حویزی

علامه جلیل القدر و عالم وارسته شیخ محمد کرمی علاقه وافری به ثبت تاریخ گذشتگان و حفظ میراث داشتند.

خاندان حویزی تمایل به ثبت نیاکان خود داشتند. شیخ علی، برادر شیخ محمد تألیفاتی داشتند در قالب شش جلد که در صدد بودند به چاپ برسانند ولی به دنبال بمباران شهر سوسنگرد از سوی نیروهای بعثی دست‌نوشته‌های این کتاب به همراه دیگر تألیفاتشان از بین رفت. اینگونه شد که کل کتابخانه شیخ علی در آتش سوخت.

در این کتابخانه نوشته‌های به جا مانده از خاندان حویزی و مردم استان خوزستان نگهداری می‌شد که حتی یک برگ از یک کتاب در امان نمانده بود. علامه محمد کرمی کتب مجزایی که به اشعار ایشان اختصاص یافته باشد، نداشتند. شیخ نصرالله فرزند علامه سعی کرده بود با جمع‌آوری ابیات شعر و قصائد ایشان، کتاب مستقلی در این زمینه به چاپ برساند که به دلیل اینکه برخی قصائد ایشان کامل نبودند این امر محقق نشد. چنانچه این کتاب در حال حاضر به مرحله چاپ برسد حدود چهار جلد خواهد شد که در قالب موضوعات متعدد و مختلفی هست.

از لحاظ نسخه کتابی و تألیفات، مرحوم شیخ محمد کرمی حدود پنجاه نسخه تألیف داشته‌اند. ایشان در فقه، کتاب «القول الجامع فی تحریر فروع الشرائع» را در ۱۰ جلد تألیف کرده است. بعدها تفسیری از ایشان تحت عنوان «تفسیر المنیر» در هشت جلد به چاپ رسید.



اسلامی را تمیز نموده است شرح و مورد پژوهش قرار داده‌ام. در بخش دوم تاریخ مردمان و دخل و تصرف و زورگویی و انحراف و آزمون‌های الهی در مورد آزمون‌های الهی در مورد کسانی که اهداف شخص در پی داشتند گفت‌وگو نمودم. دوم بیان علوم ادبی مشتق از زبان عربی: در زبان عربی به عنوان مفردات و ترکیب آن‌ها به علم لغات برمی‌گردد که در آن باید کارایی و کارشناسی و معانی و تدبیر و ضرورت امر و بهره‌گیری از اساتید و انسان‌های آگاه و متبحر و در عین حال استاد با تمام معانی آنها بهره گرفت. در مورد ترکیب لغات عربی، گاهی موارد درست و گاهی غلط بکار می‌رود و گاهی در آن انحراف باشد، لیکن در بخش دوم باید علم کلام و معانی و بیان همراه با سبک علمی که ارزش و بها و وزن خاصی به این علم بخشد بهره برد. سوم؛ شک در مورد نهج‌البلاغه و رد این شک‌ها: برای ما که اهل علم هستیم باید نهج‌البلاغه را نیک بدانیم و حقیقت آن را بازباییم و از بیان شبهات و شک‌ها دور باشیم زیرا شبهات همانند سرابی است برای یک تشنه که تصور کند آب است. هر چند که ما دوست نداریم تا بعضی کتاب‌ها که در این زمینه نوشته شده بازگویم و ما آن‌ها را از جهت گوناگون رد کرده‌ایم.

حضرت علی (ع) را به صورتی کامل بیان کنم و فضیلت‌هایش را مورد نگارش قرار دهم و جلال و عظمت حضرت علی (ع) کتاب نهج‌البلاغه‌اش را کاملاً مورد پژوهش قرار دهم زیرا فضیلت‌ها و عقانیت امیرالمؤمنین (ع) آن قدر بیشمار است که من فقط بخشی از فضائل عقلایی و آن بلاغت و فصاحتی که در کتاب به کار رفته را بیان کنم، لیکن مواردی که مورد بحث و تحقیق و پژوهش قرار داده‌ام عبارتند از: نهج‌البلاغه و توحید و تحصیل عقاید، نهج‌البلاغه و تعریف آن برای اسلام، نهج‌البلاغه در موضوعات مواعظ و وعظ آن‌ها، نهج‌البلاغه درباره علوم و فنون، نهج‌البلاغه در نقد و رد آن، نهج‌البلاغه در سیاست و اداره امور مردم، نهج‌البلاغه در حکم و امثال، نهج‌البلاغه در جهاد.

علامه شیخ محمد کرمی در ادامه بحث نهج‌البلاغه می‌نویسد: تعریف آن دو قسمت است: اول بکارگیری زبان زمان به عنوان گوینده رویدادها و حوادثی که در فرآیند اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یا گروهی تاریخ را به نام زبان برای اهداف شخصی به کار برده‌اند. در بخش اول کتاب رویدادها، تعریف نگردید و آن رویدادها را ضبط و ثبت کرد و معانی در نسل‌ها به گونه‌ای که رخ داده و در آن حق و حقیقت

شیخ ناصر کرمی

## حق بزرگان پایمال نشود

علامه معاصر، شیخ محمد کرمی به احترام اساتیدی که داشتند رساله ندادند. ایشان بعد از فوت آیت‌الله خوئی در سال ۱۴۱۳ قمری رساله دادند. قبول نداشتند در زمان حیات بزرگان رساله‌ای داشته باشند و می‌گفتند اینکه هر کسی به درجه اجتهاد برسد و اقدام به ارائه رساله کند، درست نیست. نباید حق بزرگان پایمال شود. رساله‌های موجود کافی هستند. ایشان قبول نمی‌کردند و می‌گفتند اگر من شرعاً احساس مسئولیت نمی‌کردم، اصلاً به سمت رساله نمی‌رفتم. اینها بخشی از گفت و گوی تحریریه رایحه با فرزند علامه شیخ محمد کرمی، شیخ ناصر است که درباره خصوصیات بارز علامه اظهار کردند.

### ● ابتدا اشاره‌ای در خصوص زندگی علامه شیخ محمد کرمی داشته باشید.

علامه شیخ محمد کرمی متولد نجف اشرف بودند. به تاریخ خرداد ۱۳۰۰ شمسی. مرحوم شیخ محمدطه پدر شیخ محمد کرمی نیز متولد نجف اشرف بودند. مادر ایشان دختر شیخ ابوالقاسم مامقانی بوده که جد بزرگوارش، شیخ محمدحسن مقامانی، صاحب کتب فقهی معروف در شرح مکاسب شیخ و شرایع الاسلام محقق حلی بوده است. ایشان مقدمات تحصیل را تا ۱۸ سالگی در نجف گذراند. پدر مرحوم علامه شیخ محمد کرمی اساتید نخبه‌ای برای تدریس شیخ محمد در نظر گرفتند. در سن ۱۲ سالگی نیز اقدام به فراگیری ادبیات عرب در نجف کردند.

در شهر نجف رسم بود در مسائل اجتماعی مشارکت همگانی باشد. در این میان علامه شیخ محمد کرمی معتقد بودند چنانچه در خدمت پدر باشم باید وقت بیشتری را برای خدمت به مراجعین قرار دهم و این چیزی نیست که من دنبالش هستم. تا اینکه در سن ۲۱ سالگی و پس از این مرحله سطح (کفایه) مرحوم آخوند و مکاسب شیخ انصاری) را در حوزه سپری کردند و خدمت شیخ مرتضی

طالقانی از علمای بنام نجف درس حکمت و فلسفه را به پایان رساند. اینها همگی قبل از ۲۱ سالگی علامه شیخ محمد کرمی بوده است. ایشان در سن ۲۱ سالگی و با هدف بهره‌مندی بیشتر از وقت برای تحصیل علم، تصمیم گرفتند به قم مهاجرت کنند. این زمانی بود که سید بزرگوار آقای بروجردی به قم تشریف نیاورده بودند. سه سال پس از اقامت شیخ محمد کرمی در شهر قم، آیت‌الله بروجردی از بروجرد به قم آمدند. پدرم برای تحصیل نزد ایشان رفتند و شاگرد ایشان شدند. آیات عظام محمد حجت، سید صدرالدین صدر و سید محمدتقی خوانساری از جمله اساتید پدرم، علامه شیخ محمد کرمی بودند. این سه علامه بزرگوار قبل از ورود آیت‌الله بروجردی به قم، حوزه علمیه قم را اداره می‌کردند که پس از حضور آیت‌الله بروجردی در قم و از باب تواضع و فروتنی، زعامت حوزه علمیه را به این علامه بزرگوار تسلیم کردند.

علامه شیخ محمد کرمی نیز تا ۲۸ سالگی مشغول خدمت و تحصیل درس در حضور آیت‌الله بروجردی بودند. یک نکته اینکه ایشان از ۱۸ تا ۵۰ سالگی در قم مشغول تحصیل بودند و پس از آن بود که به خوزستان بازگشتند.

### ● در خصوص بازگشت شیخ محمد کرمی به خوزستان توضیحی بفرمائید.

در فروردین سال ۱۳۴۷ شمسی جد بزرگوارمان شیخ محمدطه به رحمت خدا رفتند. بعد از این رخداد مردم خوزستان خدمت پدر و به قم رفتند و از ایشان درخواست کردند به اهواز بیایند.

ششم محرم ۱۳۸۷ قمری، ایشان وارد اهواز شدند. اولین اقدامی که در این میان کردند ساخت حوزه علمیه فعلی آیت‌الله کرمی در سال ۱۳۸۸ قمری بوده است. ایشان از سال ۱۳۴۷ شمسی تا وفاتشان که بهمن‌ماه ۱۳۸۱ شمسی بود، در این حوزه مشغول بحث و تدریس بودند.

### ● در خصوص فعالیت علامه شیخ محمد کرمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره‌ای بفرمائید.

مرحوم پدرم همیشه اعتقاد داشتند که وارد مسائل سیاسی نشوند و بیشتر درگیر تحصیل علوم و تدریس در حوزه بودند تا اینکه امام راحل پس از پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به علامه، نامه‌ای نوشتند مبنی بر اینکه برای تدوین قانون اساسی از شما درخواست می‌کنم مشارکت داشته باشید.

امام خطاب به ایشان فرموده بودند شما تشریف بیاورید تا مجلس خالی از حضور فقها نباشد. همچنین حضرت امام در این راستا مسوده‌ای برای آیات عظام دستغیب و صدوقی نوشته بودند. ایشان هم شرعاً قبول کردند. چند ماهی مذاکرات مجلس برگزار شد و آیات عظام در این باره به بحث و شور نشستند.

### ● علامه شیخ محمد کرمی چه وقتی را به تدریس اختصاص می‌دادند؟

جلسات تدریس ایشان هر روز از ساعت ۷ شروع می‌شد، این در حالی است که ایشان هر روز از ساعت ۳ بامداد در حوزه حضور پیدا می‌کردند. از ساعت ۷ تا ۱۱ نیز تدریس در حوزه با حضور طلاب برگزار می‌شد. ساعت ۱۱ تا ۱۲ استراحت می‌کردند.

ساعت ۱۲ تا ۴ بعدازظهر نیز رسیدگی به مراجعات مردمی و اقامه نماز اختصاص داشت. ساعت ۴ بعدازظهر تا مغرب و هنگام اقامه نماز



### شیخ ناصر

کرمی:

#### مرحوم پدرم

#### همیشه اعتقاد

#### داشتند که وارد

#### مسائل سیاسی

#### نشوند و بیشتر

#### درگیر تحصیل

#### علوم و تدریس

#### در حوزه بودند

#### تا اینکه امام

#### راحل پس

#### از پیروزی

#### انقلاب اسلامی

#### خطاب به

#### علامه، نامه‌ای

#### نوشتند مبنی

#### بر اینکه برای

#### تدوین قانون

#### اساسی از شما

#### درخواست

#### می‌کنم

#### مشارکت

#### داشته باشید

جلسات تدریس برگزار می‌شد.

● جایگاه علمی علامه شیخ محمد کرمی  
را در چه سطحی می‌دانید.

در خصوص تألیفات علامه شیخ محمد کرمی باید عرض کنم ایشان در ۱۲ سالگی مسلط به ادبیات عرب بودند. پدرشان هم ادیب بودند و در کتاب «شعراء الغری» که در خصوص شعرای نجف تألیف شده است، به اشعار شیخ محمد کرمی اشاره‌ای شده است. در جلد نهم این کتاب حدود هشتاد صفحه در خصوص اشعار شیخ محمد اشاره شده است. علامه شیخ محمد در مکتب تربیتی پدرشان رشد یافته بودند. مرحوم شیخ علی، عموی بنده این چنین نقل کرده‌اند که وقتی علامه شیخ محمد کرمی از پدر اجازه اجتهاد خواستند حدود ۴۰ روز فقط به مقوله ادبیات عرب توجه می‌کردند و در این راستا ممارست و تحصیل می‌کرد. این مهم بیانگر این بوده که بحث ادبیات عرب تا چه حد برای آنها مهم و قابل توجه است و به آن عنایت می‌کردند. زیرا یکی از شرایط اجتهاد در حوزه فقه شیعه همان تسلط بر ادبیات عرب است. تأکید بر این مقوله تا این حد بوده که افراد صرف اینکه چیزی را حفظ کرده باشند، نبوده، بلکه باید واقعاً متوجه شوند و خودشان صاحب رأی باشند. زیرا ادبیات عرب سرشار از کلمات متشابه، مجمل و بیان بوده است. همچنین بیان احادیث اهل بیت (ع) و آیات قرآن کریم نیاز اصلی به ادبیات عرب دارد و اینکه افراد باید مسلط به این باشند. ایشان هم به ادبیات عرب عنایت ویژه‌ای داشتند. به معنای واقعی در ادبیات عرب حجت بود و ادبیات عرب ایشان به حد اعلا رسیده بود.

علامه شیخ محمد کرمی در سن ۲۲ سالگی اولین کتاب خود به نام «الحیة الروحیه» را با موضوع اجتماعی و تربیتی تألیف کرده بودند که در چهار جلد به چاپ رسید. ایشان نقل می‌کنند زمانی که کتاب به چاپ رسید و پول، پول بود، پدرم برای تشویق بنده ده هزار تومان به من پول دادند که هم خانه خریدم و هم ازدواج کردم.

کتاب بعدی مرحوم پدرم، «نتائج الفکر فی شرح الباب الحادی عشر» با موضوع عقاید در ۴ جلد چاپ شده است. در این باره باید گفت فقیهی به نام الفاضل المقداد السیوری در قرن





در ابتدا باید بگوییم مرحوم پدرم و همچنین مرحوم جدم در نجف به دنیا آمده بودند و در آن شهر به تحصیل علم پرداخته بودند و در قم و در محضر بزرگان دینی نیز به تحصیل علوم می‌پرداختند. همین امر در پرورش شخصیتی این دو بزرگوار تأثیرگذار بوده است اما باید پذیرفت این دو نفر اصالتاً اهل شهر حویزه هستند و خاندان ما به عنوان حویزی معروف بوده است. زمانی که مسئله صدور شناسنامه مطرح شد، جدمان پیشنهاد داد فامیل ما به عنوان جد بزرگوارمان شیخ کرم‌الله به کرمی نامگذاری شود. شیخ کرم‌الله در زمان خود، زعیم حوزه علمیه شهر بودند. شیخ کرم‌الله جد نهم شیخ محمد بودند که جدمان به احترام شیخ کرم‌الله، کرمی را به عنوان فامیل ثبت کرد. البته در تراجم خاندان رجال ما به نام خاندان حویزی ثبت شده است. این بزرگواران در فصل تحصیل به نجف می‌رفتند و در زمان فراغت به حویزه می‌آمدند و به کشاورزی می‌پرداختند

منتشر می‌شد که علامه از سن ۲۳ سالگی شروع به نوشتن مقالات می‌کردند. این رویه ادامه یافت تا زمانی که ایشان به اهواز آمدند. بعد از آن تنها برای مجلات قم و نجف مقاله می‌نوشتند. همه مقالات ایشان نیز به زبان عربی به چاپ رسیده است.

#### ● آیا ایشان تألیفاتی به زبان غیرعربی داشته‌اند؟

خیر. فقط رساله عملی ایشان بود که برای مخاطبان غیرعرب تألیف شده بود. یک مقاله نیز در جواب آقای منتظری از ایشان به زبان فارسی به چاپ رسیده است که در خصوص فدک منتشر شده بود که پدرم در رد این نظریه یک مقاله را به زبان فارسی نوشته‌اند.

#### ● ایشان در شهرهای قم و نجف تحصیل علم داشته‌اند، درباره جایگاه این دو شهر توضیحی بفرمایید.

نهم کتابی تألیف کرده بود که مرحوم پدرم آن کتاب را در چهار جلد شرح کردند. کل کتاب هفتاد صفحه بود که پدرم آن را در چهار جلد و در حدود چندین صد صفحه شرح کرده است. ایشان همچنین کتاب «کفایة الأصول» را در چهار جلد شرح کرده است و به عنوان «طریق الوصول الی تحقیق کفایه الاصول» تألیف کرده است که بعدها این شرح چهار جلدی را در کتاب دیگری مختصر تحت عنوان «الهدایه من تلخیص الکفایه» در ۳ جلد تألیف کرده است.

#### ● آیا ایشان در زمینه‌های دیگر نیز تألیفاتی داشته‌اند؟

بله. ایشان در زمینه تألیف مقالات دستی محوریت مقالات نیز موضوعات روز و بعضی موضوعات نیز علمی و ادبی بوده است. حدود ۵۰ مقاله در مجله العرفان در لبنان به چاپ رسیده است. این مجله در شهر صیدا لبنان



شیخ ناصر  
کرمی:  
پدرم در  
زمینه تألیف  
مقالات دستی  
داشته‌اند  
که اغلب در  
لبنان به چاپ  
می‌رسیدند.  
محوریت  
مقالات نیز  
موضوعات  
روز و بعضی  
موضوعات نیز  
علمی و ادبی  
بوده است





- شیخ ناصر کرمی: مرحوم پدرم به احترام اساتیدی که داشتند رساله ندادند. مرحوم آیت‌الله خوئی در سال ۱۴۱۳ قمری فوت شدند. پدر من بعد از فوت ایشان رساله دادند. چون قبول نداشتند در زمان حیات بزرگان رساله‌ای داشته باشند و می‌گفتند اینکه هر کسی به درجه اجتهاد برسد و اقدام به دادن رساله نکند، درست نیست. نباید حق بزرگان پایمال شود

خودبر تربینی شود. مرحوم پدرم می‌گفت نگاه نکن پدرت که بوده است و تو درصدد باشی که خود را برتر بدانی. کسب علم و تحصیل فضیلت است ولی برتری فرد نسبت به فرد دیگر نیست. مرحوم پدرم این طرز فکر را به ما تلقین می‌کردند.

● **مرحوم شیخ محمد کرمی تا چه حد پاسخگوی سؤالات شرعی و مراجعات مردمی بودند؟**

مرحوم پدرم رساله داشتند و در اختیار مردم قرار داده بودند ولی باز هم می‌دیدیم مردم برای بیان مسائل خود به ایشان مراجعه می‌کردند. حتی شده بود ساعت ۲ بامداد نیز مردم برای این مسئله مراجعه می‌کردند.

● **علامه شیخ محمد کرمی در چه سالی به درجه اجتهاد رسیده بودند؟**

ایشان در سن ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد رسیدند. از چند نفر درجه اجتهاد دریافت کرده بودند از جمله مرحوم حجت، آیت‌الله بروجردی و چند عالم دیگر. آیت‌الله سید بهبهانی که شرف منطقه ما (هواز) می‌باشد در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسیدند. اینها همگی در این سن به اجتهاد رسیده‌اند. البته شیخ محمد پدرم از من خواستند که اینکه به دست چه کسی اولین بار به درجه اجتهاد رسیده‌اند را جایی مطرح نکنم.

● **درباره رساله شیخ علامه محمد کرمی اشاره‌ای بفرمایید و اینکه در چه سالی بوده است؟**

ایشان به احترام اساتیدی که داشتند رساله ندادند. مرحوم آیت‌الله خوئی در سال ۱۴۱۳ قمری فوت شدند. پدر من بعد از فوت ایشان رساله دادند. چون قبول نداشتند در زمان حیات بزرگان رساله‌ای داشته باشند و می‌گفتند اینکه هر کسی به درجه اجتهاد برسد و اقدام به دادن رساله نکند، درست نیست. نباید حق بزرگان پایمال شود. رساله‌های موجود کافی هستند و قبول نمی‌کردند و می‌گفتند اگر من شرعاً احساس مسئولیت نمی‌کردم، اصلاً به سمت رساله نمی‌رفتم.

«محسن هل اتاک المسیء». من نیز در پاسخ به این حرکت دست ایشان را بوسه زدم والا در شأن من نیست که دست کسی را بوسه بزنم.»

● **به نظر شما ارتباط اجتماعی و صمیمی علامه با مردم نشئت گرفته از چه بوده است؟**

این حرکت کاملاً صحیح و بجا بوده است. مرحوم پدرم سیرت اهل بیت (ع) را تبعیت می‌کردند به همین دلیل ارتباط نزدیکی با مردم داشتند. بزرگان در نجف نیز همین رویه را داشتند. البته بسیاری از علما و بزرگان ارتباط نزدیکی با مردم داشته‌اند ولی شاهد هستیم در سال‌های اخیر این رویه تغییر کرده است. من به چشم خود دیدم بزرگان در سال‌های پیش در شهرهای قم و نجف از جمله امام راحل، مرحوم آیت‌الله شریعت‌مداری و آیت‌الله گلپایگانی ارتباط نزدیکی با مردم داشتند که قطع نشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به وقوع تروریهایی که صورت می‌گرفت بحث حفظ امنیت مطرح شد و ما دیدیم روابط بسیاری از علما محدود شد. اما مرحوم پدرم این بحث را قبول نداشتند و می‌گفتند ما با مردم زندگی می‌کنیم و رسالت ما برای مردم است. نباید در طبقه ویژه‌ای باشیم و از مردم جدا شویم. مرحوم پدرم رویه بزرگان از جمله پدرش و مرحوم آیت‌الله خوئی را در پیش گرفته بود و مصداق بارز سیره اهل بیت (ع) بود. در این ارتباط می‌توان به سیره سلمان فارسی اشاره‌ای کرد که ایشان با توجه به اینکه والی مدائن بودند بدون ملازم و همراه در سطح شهر تردد می‌کرد تا اینکه یک بار یکی از اهالی شهر بدون اینکه بداند وی چه کسی می‌باشد درخواست کرد سلمان بارش را برایش جابجا کند. سلمان نیز بار را بر سر گذاشت و به سمت مقصد راهی شد تا اینکه مردم این صحنه را دیدند و به آن شخص گفتند چه می‌کنی؟ چرا امیر مدائن بار بر سر گذاشته و در سطح شهر تردد می‌کند. سلمان در پاسخ گفت من تفاوتی با شما ندارم و فقط اینکه مسئولیت من نسبت به شما بیشتر است. من از لحاظ بشریت با شما یکسان هستم اما مسئولیت من نسبت به شما بیشتر است. باید این را پذیرفت اگر فردی با تحصیل علم به کسب درجاتی نائل می‌شود نباید دچار



که همین امر باعث شد همگی متولد نجف باشند و شناسنامه آنها صادره از نجف باشد.

● **علامه شیخ کرمی چه مشخصه اجتماعی داشتند؟**

در پاسخ به این سؤال باید گفت ایشان به خود و خاندانشان اعتزاز داشتند. البته نمی‌توان یک مشخصه را به عنوان بارزه اصلی در این زمینه پررنگ کرد. یادم می‌آید یک بار از ایشان پرسیدم احترام به بزرگان و علما و اساتید شما به چه صورت بوده است؟ که ایشان پاسخ دادند: «در خصوص دست‌بوسی و احترام به بزرگان فقط متوجه پدر می‌باشد. البته یک بار من دست آیت‌الله بروجردی را بوسه زدم.» پرسیدم چرا؟ ایشان در پاسخ گفتند «یک بار سر کلاس آیت‌الله بروجردی ایشان در تدریس اشتباهی داشتند که من به ایشان یادآوری کردم و گله کردم. ایشان وسط درس از منبر پایین آمدند و به من بوسه زدند و خطاب به من گفتند یا



# نگاهی به خاندان و نسب علامه شیخ محمد کرمی

خاندان کرمی از خاندان‌های اصیل و قدیمی خوزستان هستند که به علم و ادب و خوشنامی معروف هستند. گرچه اوایل قرن یازده هجری قمری به نجف اشرف مهاجرت کردند، اما بعدها علامه محمد کرمی به خوزستان بازگشت. در این مجال نگاهی خواهیم داشت به برخی از بزرگان خاندان کرمی حویزی.

## ۱. علامه شیخ کرم‌الله المویزی

عالمی اندیشمند و بزرگوار که احفاد و خاندانش به وی مشهور و معروف شدند. از علمای باتقوا بود. «علامه سید عبدالله جزایری» در اجازه کبیر این گونه از او یاد می‌کند: «اندیشمندی عظیم‌الشان، صادق و صالح و متقی و بزرگ علما شیخ الاسلام و مرجع مردم زمان در تبیین احکام حلال و حرام، سالیان سال با او همنشین بودم و آنچه از او آموختم و بدان اذعان می‌کنم جزء خیر و اندیشمندی و تقوا از او چیز دیگری ندیدم». در سال ۱۱۵۴ هجری قمری در شهر خرم‌آباد لرستان دار فانی را وداع گفت و پیکر مطهرش به هویزه منتقل و نزد عمویش شیخ حسن به خاک سپرده شد.

## ۵. علامه شیخ فرج‌الله المویزی

علامه فاضل و جلیل‌القدر شیخ فرج‌الله بن شیخ محمد بن‌الشیخ درویش، اندیشمندی والا، محقق زبردست و از مشاهیر و علما مراجع تقلید جهان تشیع و در عین حال شاعری دوراندیش و توانا بود که در خاندان کرمی حویزی پرورش یافته بود. این عالم وارسته تألیفات و منصفاتی در حوزه‌های متعدد دینی بدین شرح داشته است: کتاب الرجال، کتابی با موضوع فن کلام، کتاب المرقعه، کتاب الصفوه در اصول، کتاب الغایه در منطق، تذکره‌العنوان، شرح تشریح‌الأفلاک، تفسیر قرآن مجید، کتابی با موضوع تاریخ، کتابی با موضوع ریاضیات و دیوان شعری بزرگ.

### ۲. شیخ عبدالله بن شیخ کرمانه

شیخ عبدالله بن شیخ «کرم الله» اندیشمندی از خاندان «کرمی» که آوازه و شهرتش در نجف اشرف و هویزه و دیگر حوزه‌های علمیه درخشید. علامه جزایری در اجازه کبیر می‌نویسد: «علامه شیخ عبدالله بن شیخ کرم الله، اندیشمندی فاضل، متقی جامع علوم دینی و عقلی و فتاوی اسلامی و نخبه‌ای از پژوهشگران دانش‌های اسلامی بود که در این راه در ژرفای علوم دینی غوطه‌ور گردید و به تحقیق می‌پرداخت و طالبان اندیشه علوم دینی در نجف اشرف و حوزه علمیه عظیم هویزه نزد او تلمذ می‌نمودند.» شیخ عبدالله قبل از سال ۱۱۵۴ ه. ق به رحمت ایزدی پیوست.

### ۳. شیخ عبدالمجید المویزی

درباره این اندیشمند بزرگوار در کتاب ماضی النجف و حاضرها چنین آمده: «عالمی بزرگ، اندیشمندی عظیم الشان سلطان علماء برهان فقها مجتهد زمان خویش بود که بسیاری از طالبان دانش‌های اسلامی نزد او در حوزه‌های نجف اشرف و هویزه به تحصیل علوم پرداختند. از لحاظ خلق و اخلاق اسلامی بی‌نظیر و بی‌مانند بود. بسیاری از بزرگان و دانش‌های اسلامی در همه زمینه‌ها آموزش علمی داد. یکی از نوابغ تاریخ خاندان کرمی بود که زبیده تاریخ حوزه‌های علمیه بود. کمتر کسی در زمان حیاتش به درجه علمی او می‌رسید. در سال ۱۰۸۸ هجری قمری دارفانی را وداع گفت.

### ۴. شیخ ابراهیم المویزی

علامه محبوبی در کتاب «ماضی نجف و حاضرها» درباره زندگی و آثار علوم دینی شیخ ابراهیم کرمی چنین می‌نگارد: «شیخ ابراهیم کرمی فقیه فاضل و عالمی اندیشمند و شاعری نامدار بود و نزد علما عظام هویزه و نجف اشرف به تحصیل علوم مختلف دینی و فلسفی - اسلامی و احکام و کتب قدیمه و جدید اسلامی پرداخت. تعالی و بالندگی او به حدی رسید که سید عبدالله الموسوی الجزایری در کتاب اجازه کبیر از او به عنوان دانشمند اسلامی چهارگانه نجف اشرف و حوزه علمیه هویزه یاد می‌کند. شیخ ابراهیم کرمی در سال ۱۱۹۷ هجری قمری دارفانی را وداع نمود.

### ۶. علامه شیخ ابوالحسن محمد المویزی

در کتاب «ماضی النجف و حاضرها» درباره علامه شیخ محمد چنین آمده است: «وی شیخ ابوالحسن محمد بن شیخ درویش، محقق توانا، عالمی اندیشمند مرجع کافه مردم نجف و مرجع علمای بزرگ هویزه بود و بسیاری از محققین علمی و طالبان دانش علم نزد او تلمذ و مطالب فراوانی را درباره علم اهل بیت از او فرا گرفته بودند. مرجع مشکلات مردم نجف و نیز هویزه بود و مشکلات مردم را حل و فصل می‌نمود. در سال ۱۱۲۹ هجری قمری رساله‌ای در توحید تألیف و تصنیف نمود. عمری پر برکت در تحقیق و تفحص و برطرف کردن مشکلات دینی مردم سپری نمود.»

### ۷. علامه آیت الله الشیخ نصرالله المویزی

شیخ نصرالله بن خلف بن المرحوم شیخ حسین ابن الشیخ نصرالله ابن الشیخ عباس بن الشیخ محمد بن الشیخ کرم الله ابن الشیخ محمد حسن بن الشیخ حبیب ابن الشیخ فرج الله ابن الشیخ محمد ابن الشیخ درویش ابن الشیخ حسین بن الشیخ جمال الدین ابن الشیخ اکبر الحویزی. وی عالمی عظیم الشان، اندیشمندی فروتن، انسانی فقیه و اهل علم که در همه علوم دینی دست تظاول داشت. مدرسی پر آوازه بود و بسیاری از طلاب را به درجه علمی بالایی رساند و او شخصیتی والا و فقیه بی‌مانند بود. در «ماضی النجف و حاضرها» موارد زیادی از او نگارش و تدوین گردیده است.

### ۸. شیخ محمدطه کرمی المویزی

مرجع دینی نجف اشرف و هویزه، آیت الله شیخ محمدطه کرمی در نجف اشرف در سال ۱۳۱۷ هجری قمری دیده به جهان گشود. نخست نزد علمای نامدار و بزرگان نجف اشرف سالیان سال به تحصیل پرداخت و دوران زیادی در حجره‌ای نشست و آنگاه به تدریس علوم مختلف دینی پرداخت و سپس به ایران آمد و بین اهواز و سوسنگرد و هویزه و بیستان که در آن شهرها یاران و طرفداران تشیع علوی زیاد بودند، به ارشاد و تدریس مبادرت ورزید. در سال ۱۳۸۸ هجری قمری در اهواز و در سن ۷۱ سالگی دارفانی را وداع گفت. در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیخ محمدطه

## زعیم علم و عمل

شهرستان حویزه یکی از شهرهای خوزستان در غرب این استان است. اکثر ساکنین این شهر از طوایف عرب بوده و به زبان عربی سخن می‌گویند. این شهر قدمت زیادی دارد که این بطوطه در مورد آن در کتابش می‌نویسد. زمانی در این شهر حوزه علمیه بزرگی بود که قریب به چهار صد مجتهد داشت و از اندلس و نجف در آن درس می‌خواندند.

همچنین این امر قابل ذکر است که این خاندان بنام و اهل زهد با علمای اهل زهد و پارسایی از بلاد فارس وصلت کرده‌اند و همسر آیت‌الله محمد طه کرمی حویزی صبیبه آیت‌الله شیخ ابوالقاسم مامقانی از علمای بزرگ علوم دینی بود که در آموزش و تربیت فرزند علامه‌شان بسیار تاثیر گذار بودند و فرزندشان علامه محمد کرمی در ابتدا قرآن و ادبیات عرب و عجم را نزد ایشان فرا گرفت و پس از تلمذ در محضر پدر بزرگوارشان و مادر عالمه خویش به فراگیری و تحصیل دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت. یکی از نمادهای فرهنگی شاخص شهر حویزه علمای عالی‌قدر و تاثیر گذار در مکتب تشیع هستند که نسلهای بعد از آنها نیز زبانزد حوزه‌های علمیه نجف و قم هستند و این شهر کوچک با کیفیتی کم نظیر از نظر علمی در جغرافیا و گستره تشیع به چشم می‌خورد که از جمله علمای اهل حویزه می‌توان به آیت‌الله محمدطه کرمی حویزی، فرزندش محمد کرمی حویزی و جدش عبدالحسین حویزی مفسر نور الثقلین اشاره کرد.

خاندان کرمی حویزی از خاندان‌های اصیل و قدیمی خوزستان هستند که به علم و ادب و خوشنامی معروف هستند. این خاندان اصالتاً اهل حویزه خوزستان هستند که برای طلب و فراگیری علوم حوزوی راهی نجف شده بودند.

دیدگاه

### علامه شیخ محمد کرمی از زبان فرزند

با مطالعه و تدقیق و تحقیق درباره تاریخ بشریت، در خواهیم یافت که مدیون انسان‌های از خود گذشته‌ای هستیم که همه سختی‌های زندگی را به جان خریدند، خود و وقتشان را وقف و صرف خدمت به جامعه بشریت و سعادت انسان‌ها کرده‌اند. اگر انسان بخواهد عظمت یک جامعه را بداند و دریابد، لازم است تاریخ زندگی بزرگمردان آن جامعه را مورد مطالعه قرار دهد تا به این مهم نایل گردد. بزرگمرد روایت ما شخصی است که با تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا و مشقت‌های غیر قابل تحمل، همه وقت خود را مصروف خدمت به دین و شروع مقدس نمود تا با

افراد برجسته خاندان حویزی، شیخ محمدطه کرمی حویزی است که مردمان آن دیار، ارادتی وصف‌ناپذیر به وی داشتند. بسیاری از مردمان آن سامان به شیخ محمدطه قسم خورده و عرض ادبی مخلصانه به وی داشتند. به محضرش حضور می‌یافتند و همه راهنمایی‌های این عالم بزرگوار را مصداق حجت تمامی می‌دانستند که باید و شاید جاری و ساری می‌شد.

شیخ محمدطه کرمی متولد رجب ۱۳۱۷ قمری در نجف بودند. شیخ نصرالله پدر شیخ محمدطه، اندیشمندی فروتن، انسانی فقیه و اهل علم که در همه علوم دینی دست تظاول داشت. مدرسی پرآوازه بود و بسیاری از طلاب را به درجه علمی بالایی رساند و او شخصیتی والا و فقیه‌ی بی‌مانند بود. شیخ محمدطه از فقهای زمان و شاگرد شیخ محمدحسین اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی بودند پدر ایشان به المقدس الحویزی معروف بودند که اسمشان شیخ نصرالله بود و مردم به ایشان لقب مقدس داده بودند. شیخ نصرالله، پدر شیخ محمدطه شاگرد شیخ آخوند صاحب کتاب کفایة الاصول بود که شیخ نصرالله با توجه به احترامی که به شیخ محمدطه استاد وی در فقه داشت، اسم فرزندش را محمدطه انتخاب کرده بود. شیخ محمدطه بیست و پنج سال شاگرد آیت‌الله شیخ محمدحسن اصفهانی بود. شیخ محمدطه در ۲۵ سالگی اجازه اجتهاد داشتند. ایشان نیز از لحاظ لغات و ادبیات عرب استاد بنامی بودند. علامه محمد کرمی در جلد چهارم کتاب الحیاء الروحیه، اشاره‌ای به جایگاه پدرشان دارند که بیانگر رتبه والای شیخ محمدطه می‌باشد. از

- ❦
- شیخ محمدطه
- از فقهای زمان
- و شاگرد شیخ
- محمدحسین
- اصفهانی و
- سید ابوالحسن
- اصفهانی بودند
- پدر ایشان
- به المقدس
- الحویزی
- معروف بودند
- که اسمشان
- شیخ نصرالله
- بود و مردم به
- ایشان لقب
- مقدس داده
- بودند

تبیین احکام و اصول و فروع و تبیین معارف و معالم اسلامی بتوانند به نوبه خود انسان را به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون بدارد. همانا معظم له مثال حقی از حدیث شریف نبوی (ص) هستند که فرمودند: «عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ» معظم له مرجع عالیقدر جهان تشیع آیت‌الله العظمی علامه کرمی قدس سره هستند.

شیخ ناصر کرمی فرزند آیت‌الله محمد کرمی، دیدگاهی درباره پدر بزرگوارشان داشته‌اند. شمه‌ای از این بیانات به این صورت آمده است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» قلم‌فرسایی درباره زندگی مردان پرآوازه، آنانی که مجد و عظمت برای امت‌های خویش آفریده‌اند نیازمند آگاهی و تسلط فراوان و دانش در پژوهش و اندیشه‌گری است. زیرا هر کدام از این مردان برگزیده ویژگی‌های منحصر به فرد خود

دیدگاه

## شیخی از دیار مقاومت

شیخ علی کرمی، برادر شیخ محمد در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی در نجف متولد شد. پدرش، شیخ محمدطه، به تربیت و تعلیم فرزندانش همت گماشت و با تلاش فراوان نسبت به پرورش علمی فرزندانش اقدام کرد. شیخ علی پس از پایان مراحل مقدماتی و دروس سطح، در مباحث اجتهادی علمای بزرگ و فقهای دوران حوزه علمیه نجف شرکت کرد. آیات عظام (سید عبدالهادی حسینی شیرازی، سید محسن طباطبایی حکیم، شیخ حسین حلی غروی و سید ابوالقاسم موسوی خویی) اساتیدی بودند که شیخ علی از حضورشان بهره‌مند شد. با وجود تألیفات علمی و اجتهادی فراوانی داشت اما بعد عرفانی و شیوه زاهدانه زندگی وی سبب شد اقدامی در راستای چاپ آثار خویش نکند. این عالم بزرگوار مقاومت دلیرانه‌ای در جنگ تحمیلی عراق و سازماندهی عشایر قهرمان منطقه داشت و در سخت‌ترین روزها هواز را ترک نکرد. شیخ علی در سن ۸۳ سالگی دارفانی را وداع گفت و در حوزه علمیه برادرش به خاک سپرده شد.



قمری در اهواز و در سن ۷۱ سالگی دارفانی را وداع گفت. در نجف اشرف با تشریفات بزرگ به خاک سپرده شد. شیخ محمدطه کرمی کتاب‌های متعددی را تألیف و تصنیف نمود و دیوان شعری بزرگ به یادگار گذاشت. درباره علت مسافرت آیت‌الله العظمی شیخ محمدطه الکریمی به خوزستان، اینکه وجود یاران و مقلدین او در بستان، حویزه، سوسنگرد و اهواز و اصرار فراوان مردم بود و از طرفی باید در نجف اشرف وقت زیادی با علما صرف می‌کرد و در خوزستان وقت حضرتش صرف تدریس و مطالعه می‌شد و لذا مردم دشت آزادگان لحظه‌ای برای دیدار او از دست نمی‌دادند و طرفداران زیادی در خوزستان داشتند. شیخ محمدطه کرمی دو فرزند پسر شیخ محمد و شیخ علی داشتند که این دو ادامه‌دهنده راه پدر بودند و در کسب علم و مقامات فقهی و پرهیز سرآمد روزگار بودند.

هم‌عصران ایشان می‌توان به آیات عظام خوئی و امام خمینی (ره) اشاره کرد. مرجع دینی نجف اشرف و حویزه، آیت‌الله شیخ محمدطه کرمی از سن کودکی به تحصیل علوم دینی و اسلامی و عقلی و فلسفی نزد علما نامدار نجف اشرف به تحصیل پرداخت. علامه محبوبی در کتاب «ماضی النجف و حاضرها» درباره عظمت، تقوا، نبوغ ذاتی، زعامت دینی و آثار علمی شیخ محمدطه کرمی مطالبی بس فراوان یاد کرد و بسیاری از مطالب را تحریر و نگارش نمود و یادآور گردید، نخست او نزد علما نامدار و بزرگان نجف اشرف سالیان سال به تحصیل پرداخت و دوران زیادی در حجره‌های نشست و آنگاه به تدریس علوم مختلف دینی پرداخت و سپس به ایران مسافرت نمود و بین اهواز و سوسنگرد و حویزه و بستان که در آن شهرها یاران و طرفداران تشیع علوی زیاد بودند، به ارشاد و تدریس مبادرت ورزید. در سال ۱۳۸۸ هجری

شیخ محمدطه  
کرمی دو فرزند  
پسر شیخ  
محمد و شیخ  
علی داشتند  
که این دو  
ادامه‌دهنده راه  
پدر بودند و در  
کسب علم و  
مقامات فقهی  
و پرهیز سرآمد  
روزگار بودند

کوشش‌های فراوانی برای اعاده فرهنگ اسلام محمدی (ص) به مسلمین، تحمل رنج‌ها و دردهای بس زیادی مبذول کرد تا اخلاق جامعه و مردم مسلمان و اعاده تفکر و اندیشه اسلام‌گرایی به وجود آورد و بدینسان به عنوان رجلی مسئولیت‌پذیر برای خیر و صلاح امت اسلامی فداکاری نمود. طبیعی است که بعد از درگذشت او آثاری بدیع و بی‌بدیل از خود به جای گذاشته باشد که هرگز فراموش نمی‌شود و فراموش نخواهد شد.

پس درود بر پدرم علامه شیخ محمد کرمی که او زنده یا مرده باشد و روزی که همراه صدیقین با کارنامه‌ای درخشان در پیشگاه خداوند حاضر گردد که چگونه در راه دین خدا از بذل جان و تحمل رنج فراوان دریغ ننموده و خداوند او را از زنده کنندگان تاریخ اسلام راستین قرار داده است.

را دارد و بدون شک مرحوم پدرم شیخ محمد کرمی از این قاعده مستثنی نبوده؛ زیرا او یکی از مردان بزرگی بود که در راه دین و آئین خدا از هرگونه جهد و تلاش در راه توسعه دانش احاد امت اسلامی دریغ نورزیده و از هر آنچه علم و دانش آموخت صرف امت کرد.

افراد جامعه اسلامی را به سوی راه درست هدایت و راهنمایی نمود و از آنچه در رهبری و راهنمایی مردم در راه خدا و رضای او نیاز می‌شد دریغ نکرد، از هرگونه فداکاری کوتاهی ننمود و آنچه پیامبر (ص) و ائمه اطهار سلام‌الله علیهم از رنج و محنت متحمل شدند، فداکاری‌های بس فراوانی داشت، لذا با همه فداکاری‌ها برای اسلام و مسلمین راه هدایت را هموارتر نمود و اسلام را با همه زیبایی‌هایش آراست و در راه هدایتگری برای مردم فراهم کرد و از هر گامی و کوششی در این راستا دریغ نورزید. بدیهی است

محبت الاسلام دسومی اذعان کرد

## جلساتی که کتاب شدند

شخصیت علمی علامه شیخ کرمی، به گونه‌ای بود که علمای بزرگ دین اسلام کتب معظم له را دارای بار علمی فراوان و پر محتوی خوانده‌اند. از خصوصیات بارز این بزرگوار اینکه ایشان از کوچک‌ترین فرصتی برای کسب علم و تألیف استفاده می‌نمودند. شاهد بر این مقوله، که ایشان تا آخرین لحظات عمر شریفشان مشغول تدریس و تألیف بوده و تألیفات گرانبهایی از خود به جای گذاشتند که تعدادی از آثار معظم له بدست خلف صالح و فرزند بزرگوارشان شیخ ناصر کرمی دام‌مجده تجدید چاپ شده‌اند. اینها بخشهایی از گفت و گویی است که تحریریه نشر به رایحه با حجت الاسلام جمعه دسومی، از شاگردان علامه و مدیر فعلی حوزه علمیه علامه کرمی در اهواز، درباره جایگاه علامه کرمی انجام داده است.

● در ابتدا درباره فعالیت‌هایی که علامه شیخ محمد کرمی داشته‌اند، توضیحی بفرمایید.

آیت‌الله شیخ محمد کرمی در سال ۱۳۵۵ شمسی اقدام به ساخت مسجدی در منطقه آخر آسفالت اهواز کردند که یکی از اقدامات تاثیرگذار ایشان در منطقه بود و باعث شد بسیاری از جوانان منطقه جذب فعالیت‌های مذهبی شوند. در این مسجد حلقات متعددی با موضوعات اجتماعی تشکیل می‌شد که شاهد حضور پررنگ جوانان بودیم. همچنین در این مسجد و به مدت چندین سال سخنرانی و سلسله جلسات منظمی در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شد که هم در زمینه‌های مذهبی و هم اجتماعی و اخلاقی بودند. خیلی از افرادی که در حوزه علمیه مرحوم کرمی درس طلبگی آموختند نیز در همین مسجد حضور داشتند و می‌توان گفت زمینه علاقمندی به علوم دینی در این مکان برای آنها فراهم شد و شخصیت فرهیخته و متقی خود علامه شیخ محمد کرمی در این امر بی‌تاثیر نبود و امروزه این شاگردان

در جایگاه‌های متعدد علمی و عالی کشوری مسئولیت دارند.

از نکات بارز زندگانی مرحوم آیت‌الله شیخ کرمی اینکه ایشان برای تدوین قانون اساسی به عنوان نماینده مردم خوزستان با دعوت حضرت امام خمینی (ره) حضور یافتند. چند ماهی نیز حضور موثری بر روند قانون‌گذاری در جلسات مرتبط با این مهم حضور داشتند. همچنین اقدام به برگزاری جلسات آموزشی نیز در قم نمودند.

ساخت حوزه علمیه آیت‌الله کرمی یکی از دیگر دستاوردهای حضور این شخصیت والا در شهرستان اهواز بوده است. حدود ۱۳۰ طلبه در کلاس‌های درس این حوزه حضور پیدا می‌کردند.

در خصوص تألیفات علامه باید گفت ایشان در موضوعات متعددی دست به قلم برده بودند. علامه شیخ محمد کرمی در شرح کلام، اصول، فقه و... تألیفات متعددی داشته‌اند که بارزترین کتب ایشان در خصوص اخلاق و تربیت بوده است بنام «الفضائل والردائل» که الهام گرفته



از سیره رفتاری ائمه اطهار می‌باشد. ایشان در تدریس و توجه به زمان حساسیت قابل توجهی داشتند و نکته بارزی که در این زمینه مشهود بوده، اینکه سر وقت در کلاس‌های درس حضور می‌یافتند.

● محوریت تألیفات علامه شیخ کرمی شامل چه مواردی بوده است؟

ایشان همیشه در حال تدریس و تألیف بودند. در نیمه‌های شب به ادای فرائض می‌پرداختند. نکته جالب توجه اینکه همزمان هم تدریس می‌کردند و هم تألیف کتب داشتند. در خصوص کتاب «الشرائع» که یک کتاب شرح ده جلدی می‌باشد، اینکه تدریس کتاب یک سال طول کشید که همزمان تألیف آن صورت گرفت و یکی از افراد مرید علامه کتاب را ماشین‌نویسی می‌کرد.

● ایشان از چه آیات عظامی، اجازه‌نامه دریافت کرده بودند؟

در خصوص اجازه‌نامه‌هایی که علامه شیخ محمد کرمی داشته‌اند می‌توان به آیت‌الله



از نکات بارز  
زندگانی  
مرحوم آیت‌الله

شیخ کرمی  
اینکه ایشان  
برای تدوین  
قانون اساسی  
به عنوان  
نماینده مردم  
خوزستان  
با دعوت  
حضرت امام  
خمینی (ره)  
حضور یافتند

کتاب «الحيات الروحيه» را تأليف کردند. جلد اول درباره خلفای بعد از پیامبر (ص) بوده است. جلد دوم درباره سیره حضرت علی (ع)، جلد سوم مقالاتی است که علیه ملحدین از ایشان تأليف شده است. جلد چهارم کتاب نیز درباره شخصیت پدرشان شیخ محمدطه اختصاص یافته است.

«عواطف نائره» قصیده‌ایست در علم اخلاق و سیره بشر.

«التقريب الى حواشي التهذيب» این کتاب شامل تعلیقات ارزشمندی در علم منطق بر کتاب حاشیه ملاعبدالله است که چندین بار چاپ شده و اخیراً توسط جامعه مدرسین تجدید چاپ شده است.

«النفحات المحمدية في مهمات المسائل المنطقية»: کتابی است در علم منطق، برای طلاب مقدمات چاپ شده که مطالب کتب درسی را به صورت ساده به ذهن طلاب قابل هضم مسایل دروس منطق تأليف نموده است. «التحفة المحمدية بكلیات القواعد النحوية» در علم نحو است و چندبار چاپ شده و مورد رغبت مبتدیان است. این کتاب از سوی علامه در یک هفته تدوین و چاپ شده است.

«الوشاح علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح» در علوم معانی و بیان و بدیع و از جمله کتب ارزشمند این عالم برجسته می‌باشد. علامه روزها را در کتابخانه حضرت معصومه (س) صرف نموده که تأليف کتاب الوشاح علی شرح المفتاح در علم بلاغت و بیان تأليف شد. این کتاب مورد تجلیل و تمجید علمای این فن قرار گرفته و چندین بار نیز تجدید چاپ شده است.

«اسنی المغانم فی شرح المعالم»

بهترین شرحی است که بر معالم‌الاصول نوشته شیخ حسن فرزند شهید ثانی، صورت گرفته است. این اثر به زبان عربی و در واقع مقدمه کتاب گران سنگ معالم‌الدین و ملاذ المجتهدین است که مؤلف آن را برای عرضه فقه استدلالی نگاشته است. این مقدمه مشتمل



ارتباط نزدیکی داشتند. علامه نیز با مردم مرتبط بودند. مثلاً به عیادت بیماران می‌رفتند و از نزدیک جویای احوال آنها می‌شدند. البته بسیاری از اقدامات ایشان به دور از چشم دیگران بود.

زندگی ساده‌ای داشتند. در ساخت بیمارستان، خود شخصاً مشارکت داشتند و در کنار مردم در ساخت بیمارستان تلاش داشتند. زندگی علامه کاملاً ساده و به دور از تکلف بود. زمانی که رساله ایشان به چاپ رسید می‌گفتند کسی حق ندارد برای من تبلیغ کند. ایشان معتقد بودند هر شخصی که سؤالی در زمینه مسائل شرعی دارد مستقیم از من بپرسد. حتی شده بود که سؤالات مکتوبی که برای ایشان می‌آمد را خود شخصاً پاسخ می‌دادند و در صندوق پست قرار می‌دادند.

● **اشاره‌ای به تألیفات علامه داشته باشید؟**  
«الحيات الروحيه»: در چهار جلد که در نقض شبهات وارد شده بر مجموعه نهج‌البلاغه جمع‌آوری شده است. علامه در سن ۲۳ سالگی

بروجردی اشاره کرد که این مسئله بیانگر اشرف ایشان به مسائل مذهبی و دینی بوده است.

● **اشاره‌ای به جلسات تفسیر علامه شیخ کرمی داشته باشید. گویا جلسات تفسیر قرآن علامه ایشان با استقبال روبرو می‌شد.**  
بله، زمانی که مسجد النبی در منطقه آخراصفالت اهواز ساخته شد، جلسات تفسیر قرآن در مسجد آغاز شد که به مدت دو سال ادامه یافت و من در آن جلسات تفسیر حضور داشتم. حدود چندین نفر از جوانان آن منطقه به صورت ثابت در دوره تفسیر علامه حضور داشتیم تا اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم بر این شد که این جلسات در حوزه علمیه ادامه یابد و با حضور پرشور همراه بوده است.

● **چه مشخصه بارزی در زندگی علامه شیخ محمد کرمی مشهود بود.**  
در این میان باید گفت بسیاری از مردم با علامه



### ایشان همیشه

### در حال تدریس

### و تألیف بودند.

### در نیمه‌های

### شب‌به

### ادای فرایض

### می پرداختند.

### نکته‌جالب

### توجه‌اینکه

### همزمان

### هم تدریس

### می کردند و هم

### تألیف کتب

### داشتند





بر مطالبی در باب اصول و قواعد کلی استنباط است و بعدها به صورت کتابی مستقل با نام معالم‌الاصول به چاپ رسید.

«الهدایه فی تلخیص و توضیح مطالب الکفایه» مؤلف در این کتاب توضیح و شرح مطالب کفایت‌الاصول را که از جمله کتاب‌های ارزشمندی بوده و در اصول فقه به چاپ رسیده در سه جلد تألیف نموده است.

«طریق الوصول الی تحقیق کفایه‌الاصول» این کتاب از شروح بسیار مرغوب آخوند ملامحمد محمدکاظم خراسانی متوفی ۱۳۲۹ قمری است. حاوی یک دوره درس اصول فقه آخوند خراسانی از تربیت‌شدگان مکتب اصولی شیخ مرتضی انصاری است. کتاب کفایت‌الاصول در بردارنده نظریات و بیان ابداعی است که به طور موجز تألیف شده است. شروح و تألیفات و تحریرات بسیار شیوا و شرح مطالبی توسط معظم در چهار جلد به چاپ رسیده است که دو بار تجدید چاپ شده است.

«جواب‌السائل عن محتوی الرسائل» کتابی است در اصول فقه شیعه از شیخ مرتضی انصاری معروف به شیخ اعظم در کنار کفایه آخوند خراسانی از مهم‌ترین کتاب‌های اصول فقه شیعه می‌باشد که معظم‌له شرحی مفصل بر این کتاب نفیس را در دسترس طلاب علوم دینی قرار داده است.

«القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع» کتاب شرایع‌الاسلام فی مسائل‌الحلال و الحرام مشهور به شرایع از آثار فقهی امامیه تألیف ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن هذلی معروف به

محقق حلی یا محقق اول متوفی ۶۷۶ قمری بوده است. این کتاب از زمان تألیف همواره در کانون توجه فقها و از جمله متون درسی حوزه علمیه بوده است که پژوهش‌های فراوانی پیرامون شرایع صورت گرفته است. بیش از صد شرح و حاشیه بر کتاب شرایع‌الاسلام نوشته شده است که از میان آن می‌توان به آیت‌الله العظمی محمد کرمی اشاره کرد. کتاب نفیس «القول جامع» در ده جلد به چاپ رسیده است. جلد اول این کتاب در سال ۱۳۹۰ قمری چاپ شده است.

«تلخیص الدروس شرعیه» کتاب الدروس شرعیه فی فقه‌الامامیه تألیف شهید اول با شرح مختصری توسط علامه کرمی در چهار جلد تألیف شده است که فقط دو جلد آن به چاپ رسیده است.

«خلاصه الاحکام فیما یتلی به‌المکلف من مسائل‌الحلال و الحرام» این اثر گران بها رساله عملی علامه کرمی می‌باشد که بعد از فوت آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی با درخواست و خواهش جمعی از عارفان تألیف شده است. این رساله عملی در واقع از موفق‌ترین رساله‌ها می‌باشد به دلیل اینکه معظم‌له با درایت و معرفت از اهل زمان خود شناخت داشته است و می‌دانستند که مخاطبان و مقلدینی در استان خوزستان و سایر نقاط کشور هستند.

لذا این رساله را به دو لغت فارسی و عربی چاپ نموده تا مورد استفاده هر چه بیشتر قرار گیرد. نکته جالب و مورد ذکر در سیره اخلاقی ایشان

اینکه تواضع داشتند که حتی در رساله احکام بعد از نام خود القابی را به عنوان خادم شرع یادداشت می‌کردند.

«نتایج الفکر فی شرح‌الباب‌الحادی عشر» کتاب نفیسی در علم کلام و اثبات صانع و نبوت و امامت به طور مبسوط در چهار جلد به چاپ رسیده است. بعد از وفات معظم‌له توسط شیخ ناصر کرمی تجدید چاپ شده است.

«حسن‌الایتر فی شرح‌الباب‌الحادی عشر» از کتاب‌های کلامی و آموزشی در حوزه‌های علمیه شیعه اثر علامه حلی در اثبات اصول عقاید شیعه می‌باشد که این کتاب به عنوان عقاید تدریس گردید و دو بار به چاپ رسیده است.

«حل‌الطلاسم فی شرح‌الغیه بن مالک» از جمله معتبرترین و کهن‌ترین متون ادبیات عربی، کتاب الغیه بن مالک است که اصول ادبیات عرب را در نحو و اندک علم صرف در قالب هزار بیت شعر به زبان عربی با وزنی شایسته به نظم درآورده است. معظم‌له شرح مفصلی بر این کتاب به رشته تحریر درآورده است و مورد استفاده طلاب قرار گرفته است.

«تحاف‌الطالب فی حل‌عقد‌المکاسب» کتاب‌المکاسب نام کامل کتاب فقهی نوشته شیخ انصاری از علمای شیعه است.

این کتاب از متون آموزشی حوزه علمیه است که شروح و حواشی بسیار با ارزشی در شرح کتاب مذکور و تدریس چندین دوره در حوزه مبارک می‌باشد. لذا در تألیف کتب تطهیری و سیره پیامبران و امامان و در علم اخلاق و نقد و بررسی دیگر مقالات اثر گرانبهای از خود به جای گذاشته است.

«کتاب تفسیر قرآن به نام التفسیر لکتاب‌الله المنیر» مؤلف پس از مقدمه کوتاهی در آغاز تفسیر به تبیین قرآن پرداخته است.

بعدها نیز علامه بزرگوار، کتابی چهار جلدی با عنوان «علی فی مسیره‌الاجیال» را با محوریت زندگی امام علی (ع) تألیف نمودند.

کتاب «القول الجامع» در ده جلد با محوریت درس خارج، تدریس این کتاب حدود هشت سال به طول کشید که بسیاری از فارغ‌التحصیلان حوزه گرچه درسشان به پایان رسیده بود ولی در جلسات این کتاب حضور پیدامی‌کردند.



### مقام معظم

رهبری:

مادر خانه

باقرآن

آشناست،

بچه‌های خود

را به دور خود

جمع می‌کند

و برای آن‌ها

قرآن می‌خواند



سوره

ویژه‌نامه  
علامه شیخ  
محمد کرمی

# شیخی که در وصف نگنجد



● در ابتدا اشاره‌ای به جایگاه علمی و تألیفات آیت‌الله کرمی داشته باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم  
خوشآمد عرض میکنم خدمت شما حاضران و مهمانان محترم. مصاحبه ما پیرامون مرحوم آیت‌الله علامه محمد کرمی هست. ایشان از مفاخر استان ما و شخصیت‌های ممتازی بودند که در عمر خود به چشم دیدیم. در یک جمله خلاصه کنیم مرحوم شیخ محمد کرمی، انسانی بودند که فراتر از زمان و مکان خودشان بودند. حالاتشان، عقایدشان، عملکردشان، شجاعت

آیت‌الله شفیعی تأکید کرد

## شخصیتی فراتر از زمان و مکان

ایشان از مفاخر استان ما و شخصیت‌های ممتازی بودند که در عمر خود به چشم دیدیم. در یک جمله مرحوم شیخ محمد کرمی، انسانی بودند که فراتر از زمان و مکان خودشان بودند. اینها بخشی از گفت و گوی تحریریه نشریه رایحه با آیت‌الله سید علی شفیعی است که با محوریت جایگاه علمی و دینی آیت‌الله شیخ محمد کرمی، انجام داده است. در این گفت‌وگو آیت‌الله شفیعی درباره بارزترین ویژگیهای این عالم جلیل‌القدر به ایراد سخن پرداخت.

## بی‌اعتنا به آداب و سنن قبلی

نکته مهم درباره علامه این‌که اختصار در لباس داشتند. عمامه کوچکی داشتند. دلیل این امر نیز بی‌اعتنایی به آداب و سنن قبلی بوده است. ایشان در خیابان فردوسی ساکن بودند. برنامه‌شان به این صورت بود که یک تشک یک نفره کوچک ابری داشتند و کنارش یک بالش بود. ساعت ۱۱ قبل از ظهر می‌خوابید. همان جایی که الآن به خاک سپرده شده‌اند، خواب قیلوله یک ساعتی داشتند. ساعت ۱۲ نماز ظهر و عصر را می‌خواندند و بعد از آن به سمت خانه راهی می‌شدند. ناهار می‌خورد و ساعت ۲ به حوزة برمی‌گشت و کارش را از سر می‌گرفت.

علامه شیخ محمد کرمی وقتی از قم به اهواز آمد مسجدی ساخت در منطقه آخراصفالت اهواز به نام مسجدالنبی و آنجا نماز مغرب و عشاء می‌خواند.

مردم مخصوصاً عشایر آنجا جمع می‌شدند و با ایشان نماز می‌خواندند. دو ساعت به غروب مانده می‌رفت و آنجا می‌نشست و پاسخگوی مراجعات مردمی بود.

از دیگر ویژگی‌ها علامه این‌که مطلقاً غیبت کسی را نمی‌کردند. مجلس ایشان همیشه با عوام‌الناس در مسجدالنبی برگزار می‌شد و برخی اوقات با حضور اهل علم نیز برگزار می‌شد که همیشه مجالس ایشان این‌گونه برگزار می‌شد که در حوزة علمیه نجف روال این‌گونه بود، علما و بزرگان این‌گونه بودند و...

اگر کسی هم می‌خواست غیبت کند به صراحت می‌گفت بحث را عوض کند و ادامه ندهد.

مطاع بین مردم و با فقه و فهم کامل در مسائل استدلالی و در مسائل اعتقادی بودند. پدر ایشان مرحوم شیخ محمدطه از فارغالتحصیلان مکتب نجف اشرف بودند و آمده بودند چند سال آخر عمرشان را در اهواز ساکن بودند. بسیار منزوی، گوشه‌گیر، متدین، اهل مطالعه بودند. دو فرزند ایشان بزرگتری شیخ محمد و کوچکتری شیخ علی و اولاد دیگر هم داشتند. شیخ محمد ساکن قم بود. شیخ علی اینجا پیش پدر بودند.

مرحوم شیخ محمد را اولین باری که با ایشان آشنا شدم یک کتابی نوشته بود به نام الحیاه الروحیه که چند جلد بود. در آن کتاب بحثی کرده بود با یکی از علمای رجال که برای من آن بحث جالب بود و ایشان را از آن وقت و از آن بحث شناختم اما رؤیت نکرده بودم. تا وقتی که پدرشان شیخ محمدطه از دنیا رفت، ایشان آمدند اهواز و جای پدر خود را گرفتند و در اهواز ماندند. تلمذ ایشان در قم یکی خدمت آیت‌الله بروجردی بود و یکی آیت‌الله العظمی سید محمد حجت و این دو را از خود ایشان شنیدم که خدمت این دو شخصیت علمی درس خواندند.

ایشان درس مرحوم حجت را بر درس مرحوم آقای بروجردی ترجیح میداد. شیخ محمد به خود من می‌فرمود آقای بروجردی درسش طولانی بود، کر و فر زیاد داشت. برخلاف آقای حجت که مطالب را مرتب دسته‌بندی گلچین می‌کرد و تحویل می‌داد. ایشان تامدتی در نجف و قم ساکن بودند. وقتی که به اهواز آمدند و ساکن شدند، در منزلی ساکن شدند در خیابان فردوسی که در حال حاضر حوزة علمیه ایشان است. این منزل معروف بود به نام منزل دالانی به این دلیل که یک دالان درازی داشت و باید آن را طی می‌کردیم تا به حیاط برسیم. ظاهرآدر اول امر اجاره کرده بودند و سال‌ها در آن منزل درس گفتند. بعد خریداری کرده و تبدیل به حوزة علمیه شد.

هم‌اکنون نیز فرزند ایشان آقای حجت‌الاسلام شیخ ناصر در آنجا تدریس می‌کند. مرحوم آقای کرمی، آن مکان را محل درس قرار داد. در ماه رمضان و دهه محرم و جمعه شب‌ها منبر می‌رفتند و برای عامه مردم موعظه و نصیحت می‌کرد و تذکر می‌داد.



و دلیری در اظهار نظرهایشان، همه عناوینی است که می‌شود به این شخصیت علمی داد. آن افرادی که ایشان را دیدند و با ایشان مأنوس بودند، در ملاقاتها، دیدارها و رفت و شدها این مسائل را تشخیص داده بودند. افرادی که از نزدیک با ایشان مأنوس نبودند و در رفت و شد نبودند از کتابها و از مسموعاتی که درباره ایشان شنیدند می‌توانند قضاوت کنند. مرحوم آقا شیخ محمد کرمی اهل حویزه بودند. حداقل تا ده پست ایشان را ما سراغ داریم که همه شخصیت‌های برجسته علمی، نافذالکلمه،



### ایشان درس

### مرحوم حجت

### را بر درس

### مرحوم آقای

### بروجردی

### ترجیح میداد.

### شیخ محمد

### به خود من

### می‌فرمود آقای

### بروجردی

### درسش طولانی

### بود، کر و فر زیاد

### داشت. برخلاف

### آقای حجت که

### مطالب را مرتب

### دسته‌بندی

### گلچین می‌کرد

### و تحویل

### می‌داد

## طلبه، طلبه بماند

علامه کرمی ویژگی‌ها و اعتقادات خاصی داشتند که هم برای ماندن در تاریخ و هم برای تبعیت نسل جدید و دانستن آن‌ها لازم است. از ایشان استفتائی شده بود که آقا نظر شما راجع به بقعه‌های امام‌زاده‌ها چیست؟ ایشان گفتند اینها سادات معمولی هستند. و اعتقادات و اعمالی را که برای قبور ائمه عمل می‌کنیم از جمله زیارت کردن، پابوسی، نذر، برای اینها الزامی نیست. این فتوای روشنگرانهای بود. آن هم در محیط بسته‌ای که ایشان این طور فتوا داده بود. زیرا افرادی رو در روی ایشان ایستادند. بعضی‌ها که بقعه داشتند، امام‌زاده داشتند و منافعشان از این فتوا در خطر می‌افتاد، مقابل ایشان ایستادند، قهر کردند، برخورد کردند. ایشان هم محکم ایستادند.

علامه شیخ محمد کرمی وقتی از قم به اهواز آمد مسجدی ساخت در منطقه آخراصفالت اهواز به نام مسجدالنبی و آنجا نماز مغرب و عشاء می‌خواند. مردم مخصوصاً عشایر آنجا جمع می‌شدند و با ایشان نماز می‌خواندند. دو ساعت به غروب مانده می‌رفت و آنجا می‌نشست و پاسخگوی مراجعات مردمی بود.

از اختصاصات دیگر علامه کرمی اینکه شئون طلبگی را رعایت می‌کردند. ملتزم بودند کارهای طلبگی حفظ شود. طلبه، طلبه بماند. درس بخواند، مباحثه کند و خودش را به کارهای دیگر مشغول نکند. این از ویژگی‌های خاصی بود که علامه بزرگوار شیخ محمد کرمی به آن معتقد بود و به آن عمل می‌کرد.



این مساله را عرض کنم ایشان مهمانی نمی‌رفت و در مجالس ضیافت اشخاص شرکت نمی‌کرد. تمام وقتش را صرف مطالعه و تألیفات می‌کرد. اتفاقاً ما وقتی خواستیم سید محسن را زن بدهیم کارت دعوتی برای ایشان فرستادیم فردایش ایشان یکی از طلابش را فرستاد با یک بسته کتاب و یک شرحی هم نوشته بود به من که فلاتی عذرخواهی می‌کنم من شبها در مجالس شرکت نمی‌کنم چون از نماز که می‌آیم یک لیوان شیر می‌خورم و ساعت هشت می‌خوابم. سه ساعت قبل از اذان صبح بیدار می‌شوم. مشغول تألیفاتم هستم. لذا جایی نمی‌روم و از آمدن به جشن شما هم عذر می‌خواهم ولی به جای کادو این کتاب را که از تألیفات خودم هست برای شما می‌فرستم که شرحی به مکاسب شیخ انصاری و شش جلد بود.

در این مجال تأکید می‌کنم نکته‌ای که عرض خواهیم کرد را به دقت منعکس کنید. مرحوم آقای کرمی از افراد بسیاری حرف خوردند و تحمل کردند. اینکه ایشان با انقلاب خوب نیست، اینکه ایشان با آقای خمینی خوب نیست، اینکه ایشان چنین است، با سرمایه‌دارهاست و از این صحبت‌ها. اما به حضور شما عرض کنم که امام ایشان را به خبرگان قانون اساسی دعوت کرد و پس از آن مقداری از این سر و صداها فروکش کرد. خبرگان قانون اساسی سه ماه طول کشید. وقتی ایشان برگشت من به دیدن ایشان رفتم و گفتم حاج آقای خواهم سؤالی از شما بپرسم. شما رفتید و ولایت فقیه را تصویب کردید و برگشتید. آیا این حضار و اعضای خبرگان قانون اساسی همه مجتهد بودند که ولایت فقیه را قبول داشتند و رأی دادند که مطمئناً این طور نیست کت و شلواری داشتند سیاسی داشتند این که بگوییم همه مجتهد بودند که نبودند یا این که همه این‌ها مقلدین حضرت امام بودند و به تبعیت از امام ولایت فقیه را تصویب کردید این هم که نیست.

من هنوز یادم هست که داخل حیاط همان مدرسه نشسته بودیم و برای من صحبت کرد.

در ادامه فعالیت دینی علامه اینکه ایشان در آن مسجد نماز می‌خواند تا اینکه مصادف شد با شهادت مرحوم شهید مطهری و ایشان یک مجلس سوگواری برای شهید مطهری برگزار کردند که منبر آن را من انجام دادم. شهید مطهری و مرحوم علامه شیخ محمد کرمی در قم با یکدیگر آشنایی داشتند. تا اینکه دور مبارزه پیش از انقلاب اسلامی آغاز شد و جلسات در منزل علما و جامعه روحانیت اهواز برگزار می‌شد. علامه نیز در جلساتی که برای مبارزه و تصمیم‌گیری مرتبط با مسائل انقلاب و ایشان برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد.

در باره ارتباط علامه کرمی و حضرت امام اینکه امام دو نامه به ایشان نوشته بودند. آقای کرمی



### شهید مطهری

### و مرحوم علامه

### شیخ محمد

### کرمی در قم

### بایکدیگر

### آشنایی

### داشتند. تا

### اینکه دور

### مبارزه پیش

### از انقلاب

### اسلامی آغاز

### شد و جلساتی

### در منزل

### علما و جامعه

### روحانیت اهواز

### برگزار می‌شد.

### علامه نیز در

### جلساتی که

### برای مبارزه و

### تصمیم‌گیری

### مرتبط با

### مسائل انقلاب

### و ایشان برگزار

### می‌شد، شرکت

### می‌کرد

## رفتار و کردار قرآنی

نکته قابل توجه و ارزشمند در زندگی علامه بزرگوار شیخ محمد کرمی اینکه رفتار و سکنات ایشان منطبق بر آیات کریمه قرآن و سیره نبوی رسول اکرم (ص) بوده و خط مشی ایشان در زندگی پربرکتشان و نوع تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف متعالی شان بر اساس آیات، روایات و احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) بود.

علامه محمد کرمی در اوقات تعطیل دروس حوزه در دهه اول محرم و ماه مبارک رمضان و امثال آن به دفعات به شهرهای کوچک و روستاهای دور افتاده می‌رفتند و در آنجا تبلیغ می‌کردند.

گاهی پیش می‌آمد برای مدتی در آن روستا مستقر می‌شدند تا روستاهای اطراف هم بتوانند از وجود ایشان استفاده لازم را ببرند و به شخصه خودشان کار تبلیغ را انجام می‌دادند. علامه کرمی جلسه‌های را هم برای ملاقات با عموم مردم اختصاص داده بودند که صبح‌های جمعه و از اول صبح تا حدود ساعت ۱۰ بر گزار می‌شد.

ایشان کاملاً در اختیار مسائل، مشکلات و پرسش‌های مردم بودند و تا جایی که ممکن بود پاسخگوی آنها می‌شدند و در این جلسات نکات آموزنده و درس‌های مهمی در قالب گفت‌وگو صورت می‌گرفت که طلاب از حضورشان استفاده می‌کردند و در اغلب اوقات در آخر جلسه روضه خوانی امام حسین (ع) در این مجلس توسط یکی از ذاکران قدیمی و بنام شهر برپا می‌شد.

رهبری برای هماهنگی و آماده کردن برنامه‌ها می‌آمدند. از جمله دعوت آیت‌الله مروج و آیت‌الله کرمی به دیدن رهبری. مسئول دعوت آیت‌الله مروج به دیدن رهبری جناب آقای آیت‌الله موسوی جزایری بود. مسئول دعوت آیت‌الله کرمی به دیدن رهبری من بود. هیأت‌هایی که از طرف بیت رهبری آمدند ۹ بار با بنده جلسه داشتند. راجع به مسائل مختلف یکی از آن‌ها دیدن آیت‌الله کرمی از رهبری بود که من بروم و ایشان را دعوت کنم و بیايد به دیدن آقا.

من یک شب بعد از نماز رفته منزل ایشان در خیابان فردوسی بود. گفتم آقا قضیه از این قرار است ما آمده‌ایم که از شما دعوت کنیم برای دیدن رهبری. ایشان گفتند من شب‌ها اصلاً از خانه بیرون نمی‌آیم! گفتم آقا رهبر است. از نظر آخوندی و علمایی، روحانی هستیم باید دید و باز دیدی بکنیم از همدیگر. فرمود من شب‌ها از خانه بیرون نمی‌آیم. گفتم حاج آقا قول می‌دهم بازرسی بدنی و سؤال و جوابی انجام نشود. از دم اتاق شما را سوار کنیم تا دم اتاق رهبری شما را ببریم، کسی هم داخل نمی‌آید، خودتان باشید حرف‌هایتان را بزنید، از مسائل استان هر چه می‌خواهید منعکس کنید به آقا و همانطور هم شما را دم اتاقتان برمی‌گردانیم. فرمود من شب از خانه جایی نمی‌روم. آقا هم مسائل استان را می‌داند. بعد گفت خیال نکنید من با آقا مخالفتی دارم.

من سالی چهار یا سه بار نامه به ایشان می‌نویسم و عیدها را به ایشان تبریک می‌گویم. ارتباط مکاتباتی بین ما هست و ایشان هم مسائل استان را مستحضر است. ضرورتی ندارد من بروم. گفت که چیز دیگری هم بگویم من پیش از اینکه شما بیایی به اینجا نامه‌ای به آقا نوشتم و از رفتن پیش ایشان عذر خواهی کردم. پیشاپیش به آقا نوشتم که نمی‌آیم بیرون. من آن نامه‌ای را که ایشان می‌گفت به آقا نوشته‌اند را اطلاع داشتم ولی نمی‌خواستم به ایشان بگویم که من از نامه شما مطلع هستم.

خلاصه هر کاری کردیم ایشان اجابت کنند فرمود همان نامه را که به آقا نوشتم

اسم یکی از آقایان خبرگان قانون اساسی را آورد که نمی‌خواهم اسم ببرم. ادامه داد که آن شخص آمد پیش ما در جلسه فلان آقا و گفت ولایت فقیه اثبات نمی‌شود می‌خواهید چه کنید؟ گفت ما به او گفتیم آقای فلانی یادت هست رضا شاه با آیت‌الله حائری چه کرد و چه بلاهایی بر سر شیخ آورد. گفت بله یادم هست گفتم خوب یادت هست تا چند روز پیش شاه به سر آقایان مراجع چه آورد، با آقای خمینی چه کرد، با آقای گلیپگانی چه کرد. شرارت‌هایی که شاه کرد این‌ها را یادت هست؟ گفت بله یادم است. گفتم که باز هم عقب‌نشینی کنیم و کار را بگذاریم دست یک سلطانی که بعد بیايد و همه را درب و داغان کند. آقای فلانی دین مردم حفظ نمی‌شود الا این که روحانیت در متن قانون باشد.

تا روحانیت رسمیت نداشته باشد تا روحانیت در متن قانون اساسی نباشد، ما نمی‌توانیم دین مردم را حفظ کنیم و این حرف بزرگی است. این حرف خیلی زیربنایی است. باید روحانیت به عنوان ولایت فقیه رسمیت داشته باشد. ما ولایت فقیه را لازم داریم آقای فلان. بعد از آن آقای کرمی فرمودند که او هم ساکت و قانع شد و به همین دلیل ما ولایت فقیه را تصویب کردیم.

من به ایشان گفتم که حاج آقا الان شما به این قانون اساسی که ولایت فقیه در آن است ایرادی ندارید گفت اصلاً. گفتم آن را قبول دارید؟ گفت هیچ اشکالی در آن نیست و کلام آن را قبول دارم. این داستانی بود که فقط بین من و آیت‌الله کرمی بوده است.

حال ما چطور بیاییم تهمت بزنیم که ایشان ولایت فقیه را قبول نداشته یا مخالف بوده است. من خودم به این دو گوشم از رادیو شنیدم که ایشان سخنرانی می‌کرد و از امام خمینی (ره) تعریف و توصیف می‌کرد و از ایشان تعبیر به هذا السيد العلامة آورد. می‌گفت من از سی سال پیش این بزرگوار را می‌شناسم و چنین است و چنان است. عالم بزرگیست و اوصافی برای امام می‌گفت و عشایر را نصیحت می‌کرد که تمکین کنید، تبعیت کنید، عجله نکنید در کارها.

در ادامه مسائل دیگری هست که آنها را بیان خواهم کرد. مقام معظم رهبری سال ۱۳۷۵ به خوزستان آمدند. هیأت‌هایی از طرف





چاپ کنید و تکثیر کنید تا مردم بفهمند من با آقا مسئله‌ای ندارم. گفتیم بسیار خوب حرف آخرتان همین است؟ گفت بله حرف آخر و اول من همین است. ما بلند شدیم خداحافظی کردیم و ایشان هم تا درب منزل ما را بدرقه کردند.

فردا صبح آقا وارد اهواز شد. در فرودگاه که بودیم من به آن هیأت گفتم ما رفتیم و پیغام را رساندیم که ایشان گفت من نذر دارم که شب‌ها از خانه بیرون نیایم. گفتند خیلی خوب بعد وقتی که آقا آمدند اهواز آن نامه را به آقا دادند که آقای کرمی اینطور نوشته‌اند خدمت شما. آقا نامه را که مطالعه کرده بود فرموده بود من این را دیدن تلقی می‌کنم. من این نامه را به جای آمدن ایشان می‌پذیرم و هیأتی فرستادند برای بازدید از آقای کرمی. آیت‌الله مروج به دیدن آقا رفتند و در جلسه روحانیت شرکت کرد. با وجود کبر سنی که داشت چهار ساعت در محضر آقا نشست.



### درباره ساخت

### بیمارستان آیت‌الله کرمی

### به حضور

### عالی‌عرض

### کنم ایشان

### بیمارستان را

### که ساخته بود

### تقریباً بی‌مه

### کاره بود. نامه‌ای

### نوشتند خدمت

### رهبر معظم

### انقلاب که من

### این بیمارستان

### را برای

### مستضعفین

### ساختم و

### از پایان آن

### و اداره آن

### ناتوان هستم.

### می‌خواهم به

### شما بدهم،

### تحويل بگیرد

### و کارش را ادامه

### بدهد

درباره ساخت بیمارستان آیت‌الله کرمی به حضور عالی عرض کنم ایشان بیمارستان را که ساخته بود تقریباً نیمه کاره بود. نامه‌ای نوشتند خدمت رهبر معظم انقلاب که من این بیمارستان را برای مستضعفین ساختم و از پایان آن و اداره آن ناتوان هستم. می‌خواهم به شما بدهم، تحويل بگیرید و کارش را ادامه بدهد. فقط کار سیاسی در آن نکنند و کار پزشکی باشد. این نامه را برای آقا فرستاده بود آقا هم این نامه را فرستاده بود پیش آقای آیت‌الله جزایری که ببینید واقعاً این نامه از آقای کرمی است و به این عقیده‌ای که نوشته پابرجاست. آقای آیت‌الله جزایری هم نامه را برده بود منزل آقای کرمی و با آقای کرمی صحبت کرده بود و آقای کرمی گفته بود بله نامه از من است و به عقیده‌ام باقی هستم و این مسئله را خدمت آقا منعکس کردند. آقا هم مرحوم سید رضا نیری که رئیس کمیته امداد کشور بود را فرستاد که بیمارستان را با اسناد از آقای کرمی تحويل بگیرد. آقای نیری روزی رسید اهواز که علامه فوت شده بود و ایشان به مراسم تشییع جنازه آقای کرمی رسید. در حالی که سیصد هزار نفر مرحوم کرمی را تشییع کرده بودند. خدمت شما عرض کنم که این اواخر آقای کرمی به مرور زمان ضعیف و بیمار می‌شد.

شهادت کرده بود و این طور فتوا داده بود. زیرا افرادی رو در روی ایشان ایستادند. بعضی‌ها که بقعه داشتند، امام‌زاده داشتند و منافعی از این فتوا در خطر می‌افتاد، مقابل ایشان ایستادند، قهر کردند، برخورد کردند. ایشان هم محکم ایستادند. این است که نشر برخی از فتواها در برخی محیط‌ها شجاعت و شهامت می‌خواهد.

دیگر اینکه چند سال پیش از وفاتشان از زبانشان پخش شد که مهمانی‌ها را در مساجد حرام کرده‌اند و هیچ مهمانی در مساجد نباید برگزار شود. بعضی‌ها رفتند خدمت ایشان و سؤال کردند شما چنین فتوایی داده‌اید؟ پاسخ دادند چنین فتوایی ندادم قصد از صحبتی که داشته‌ام این است که در مراسم فاتحه‌خوانی که غذا می‌دهند، احتمال اینکه باقیمانده غذا روی زمین باقی بماند هست و پا روی آن گذاشته شود. برنج نعمت پروردگار است و به آن توهین می‌شود. قصد از این حرف این بود. بهتر است حواستان را در فتوا بدهید. به صراحت می‌توان گفت اینها دلیل بر شهامت علامه کرمی است که توانست در عشاير و افراد سطح پایین

آخرین نماز مغرب و عشاء را در مسجدالنبی خواندند و برگشتند منزل و فوت شدند. مراسم تشییع عظیمی برای ایشان برگزار شد. همه مسئولان به علاوه اقشار مردمی شرکت کردند و آقا هم شخص آقای محمدی گلپایگانی را با پیامی به اهواز اعزام کردند. آقای محمدی گلپایگانی نیز پیام آقا را برای مردم تلاوت کرد.

### ● گویا علامه کرمی ویژگی‌ها و اعتقادات خاصی داشتند، درباره آنها توضیحی بفرمایید.

بله اعتقاداتی داشتند که هم برای ماندن در تاریخ و هم برای تبعیت نسل جدید و دانستن آن‌ها لازم است. عرض کنم که از ایشان استفتائی شده بود که آقا نظر شما راجع به بقعه‌های امام‌زاده‌ها چیست؟ ایشان گفتند اینها سادات معمولی هستند. و اعتقادات و اعمالی را که برای قبور ائمه عمل می‌کنیم از جمله زیارت کردن، پابوسی، نذر، برای اینها الزامی نیست. باید گفت که این فتوای روشنگرانه‌ای است.

آن هم در محیط بسته‌ای که آقای کرمی واقعاً

دیدگاه

## اهتمام به امور ایتم

روزی پسری جوان به علامه کرمی مراجعه کرد. دشداشه‌ای (نوع پوششی که در مناطق عرب خوزستان برای مردان مرسوم است) سیاه به تن داشت. گفت پدرم به رحمت خدا رفت و بعد از فوت ایشان زمینی به من و برادر و خواهرهایم به ارث رسید. انبار گندم و شلتوک و تعدادی گوسفند هم داشتیم. بزرگ طایفه برای مراسم ختم پدرم آمد و از گندم‌ها و شلتوک برای مراسم استفاده کرد و ۳۵ رأس گوسفند هم برای مراسم ختم پدرم ذبح کردند.

علامه به پسر جوان گفتند برگرد و به بزرگ طایفه‌تان بگو که بیاید من با او کار دارم. بعد از چند روز بزرگ آن روستا خدمت علامه کرمی رسید. علامه با برخوردی جدی به او گفت شما به چه حقی در اموال ایتم دخل و تصرف کردید؟ چه کسی به شما این حق را داده است؟!

آن مرد گفت پدر ایتم از بزرگان روستا بود و ما ملزم شدیم برای تهیه غذا و پذیرایی از مهمانان، از ماترک مرحوم استفاده کنیم.

علامه کرمی در پاسخ گفتند به هیچ وجه حق نداشتید این کار را بکنید. گوسفندان و مقدار مصرف گندم و برنج را از او پرسید. دستور داد به محض برگشت به روستا همه آن مقدار مصرف شده و گوسفندان ذبح شده از ماترک مرحوم را عیناً به خانواده آن مرحوم برگرداند. همچنین گفتند دیگر خبری از این نوع تصمیمات نشنوم که یا خودم به آنجا می‌آیم و یا پلیس را در جریان این جرمی که مرتکب شده‌اید قرار می‌دهم.

از طریق کتب علامه کرمی تدریس می‌شدند. این کار مهم و سنگینی است که تا حالا شخصی این کار را انجام نداده است. آن قسمت از کتب علامه که من مشاهده کرده‌ام از بهترین کتب است.

مثلاً شرح چهار جلدی که بر کفایه‌الاصول محقق خراسانی نوشته و کتاب علم کلام که چهار جلدی است از کتب مهمی هستند که به صورت مکرر به چاپ رسیده‌اند. واقعیت اینکه علامه نه برای خوزستان بلکه برای هر استان دیگری زود بود که آن را از دست بدهیم. فقدان ایشان خسارت بود.

علامه دید و بازدید نمی‌رفتند. حتی دید و بازدید اهل علم هم نمی‌رفت. وقت خود را صرف کارهای اصلی می‌کرد. اما من هر وقت عیدی بود به دیدن ایشان می‌رفتم. ایشان نیز دو یا سه هفته بعد صبح پنج‌شنبه به دیدنم می‌آمد. از عجایب اینکه نیم ساعت بیشتر نمی‌نشست و نگاه به ساعت نمی‌کرد. این مهم کاشف از این بوده که مشرف به وقت بوده است. وقتی می‌رفت نگاه به ساعت می‌کردم. دقیق نیم ساعت بود که آمده. یک دانه بیسکویت و نیم استکان چای می‌خوردند. تا جان داشت این روال را رعایت می‌کرد و ملتزم به وقت‌شناسی بود.

علامه محمد کرمی ماشین شخصی نداشتند. یک وانت سفیدی بود که با آن رفت و آمد می‌کرد. اگر به هر دلیلی یک روز آن وانت نبود، علامه کنار پیاده‌رو منتظر تاکسی می‌ماند تا به محل موردنظر برود. سید محسن ما می‌گفت یک روز با پیکان از آنجا رد می‌شدم. دیدم آقای کرمی منتظر تاکسی مانده است که به سمت مسجدالنبی برود. ساعت ۴ بعدازظهر بود. به سمت علامه رفتم و از حاج آقا در خواست کردم سوار شود. هر کاری کردم علامه قبول نکرد سوار ماشین شود. تا اینکه از ماشین پیاده شدم و به ایشان عرض کردم من فرزند فلانی هستم. هر جا می‌خواهید شما را برسانم. بعد از آن به سمت ماشین آمد، در را باز کرد و سوار شد. در راه از من پرسید چه می‌کنی؟ از آنجا که مذاق ایشان را می‌دانستم جواب دادم حاج آقا من طلبه هستم و درس می‌خوانم. قضایا درباره علامه کرمی زیاد است اما به نظرم به اندازه کفایت صحبت انجام شده است. اگر چه هنوز مطالبی برای گفتن است.



مقاومت کند. از دیگر ویژگی‌های ایشان اینکه شهری‌ای که به طلاب می‌دادند را خودشان تقسیم می‌کردند. بین ما حوزوی‌ها متداول بود شهری به صورت ماهیانه پرداخت شود اما ایشان شهری به صورت اسبوعی (هفتگی) پرداخت می‌کرد. به حوزه می‌رفت و طلاب به صف نشسته و یکی یکی شهری را از دستان ایشان می‌گرفتند. خاطر من هست شخصی در غیاب علامه کرمی سهم امام را به حوزه آورده بود و یکی از مدرسین آن را دریافت کرده بود. وقتی که علامه متوجه قضیه شد آن شیخ را تا ابدالابدین از خودش جدا کرده و از حوزه بیرون کرد. از دیگر ویژگی‌های عجیب علامه نوشتن کتب درسی برای طلاب بوده است. طلاب یک سری کتاب‌های قدیم داشتند که برای درس از آنها استفاده می‌کردند. ایشان برای تک تک کتب حوزه علمیه شرح نوشته و چاپ کردند و کتب خودشان را تدریس می‌کردند. کتب قدیم سنتی را کنار گذاشته بودند و همه دروس حوزوی را از جمله صرف، نحو، منطق، فقه، اصول، علم کلام، به صورت شصت جلد کتاب تألیف و چاپ کردند و طلاب



- ایشان برای**
- تک تک کتب**
- حوزه علمیه**
- شرح نوشته و**
- چاپ کردند و**
- کتب خودشان**
- را تدریس**
- می‌کردند. کتب**
- قدیم سنتی را**
- کنار گذاشته**
- بودند و همه**
- دروس حوزوی**
- را از جمله**
- صرف، نحو،**
- منطق، فقه،**
- اصول، علم**
- کلام، به صورت**
- شصت جلد**
- کتاب تألیف و**
- چاپ کردند و**
- طلاب از طریق**
- کتب علامه**
- کرمی تدریس**
- می‌شدند**



فعال و مطرح حوزه علمیه قم بودند که هم نویسنده و مؤلف برجستهای بودند، هم استاد جوان صاحب‌نظر حوزه علمیه قم، که در مسائل سیاسی و اجتماعی درخشش داشتند.

به یاد دارم سال ۱۳۵۸ که رهبر معظم انقلاب به اهواز تشریف آورده بودند، در مرکزی که بعدها به مرکز فرهنگی اهواز معروف شد، حضور یافتند. این مرکز با نام «مرکز الثقافی» و به منظور مقابله با جریان‌های ضد انقلابی شکل گرفته بود. ایشان آنجا اعلام کردند من آقای کرمی را از حدود بیست سال قبل به فضل و تقوای شانس.

این مطلب در کتاب «راه درست فهمیدن اسلام» منتشر شده که از جمله انتشارات حزب جمهوری اسلامی است. خودم شخصاً از آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته در مورد ایشان شنیدم که ایشان می‌فرمودند آیت‌الله کرمی جزء شخصیت‌های مطرح حوزه علمیه قم بودند و در حوزه علمیه قم به ویژه غیر از درس سنتی، درس نهج‌البلاغه را به شکل موضوعی داشتند که به چاپ هم رسید و یک جلد آن مربوط به حقوق بشر از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) در اسلام اختصاص یافته است.

علامه شیخ محمد کرمی، ادبیات عرب را در کنار صرف و نحو و تجزیه و ترکیب و این قبیل موارد که در حوزه‌های علمیه مرسوم است، فراگرفته بودند. ادبیات جاحظ و منفلوطی درس می‌دادند و آن موقع شرحی بر کتاب مختصر المعانی تفتازانی نوشته‌اند؛ به نام «الوشاح» که آن هم شده بود کتاب درسی ارزشمندی. در واقع وزن علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی



آیت‌الله عباس کعبی تصریح کرد

## مبارزه علامه کرمی با صداهای شوم تفرقه

«مرحوم علامه شیخ محمد کرمی از شاگردان مطرح آیت‌الله بروجردی در قم و اساتید مطرح حوزه علمیه نجف بودند. ایشان هم حوزه نجف و هم حوزه قم را در سطح بالادیده و درک کرده بودند. در آن زمان که ایشان در قم تشریف داشتند به عنوان یک شخصیت روشنفکر و نویسنده و بانفوذ مطرح بودند. این را از زبان آیت‌الله امینی شنیده‌ام که ما آقای کرمی را به عنوان یک روشنفکر حوزوی می‌شناختیم.»

اینها بخشی از مصاحبه تحریریه رایحه با آیت‌الله عباس کعبی است که با محوریت شخصیت و جایگاه علمی آیت‌الله کرمی و جایگاه رفیع علمی این عالم جلیل‌القدر انجام شده است. آیت‌الله کعبی همچنین تأکید کردند که علامه بزرگوار شیخ محمد کرمی با صداهای شوم تفرقه در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه کردند و در این زمینه هیچ تعارفی با کسی نداشتند.

خودم شخصاً  
از آیت‌الله  
خامنه‌ای دامت  
برکاته در مورد  
ایشان شنیدم  
که ایشان  
می‌فرمودند  
آیت‌الله  
کرمی جزء  
شخصیت‌های  
مطرح حوزه  
علمیه قم  
بودند

مرجع تقلید را تبعید می‌کنند و شما ساکتید. این اتفاقات زمانی رخ داد که کسی جرأت این اقدام را نداشت.

مرحوم علامه کرمی برایم نقل کرده‌اند که ۱۲ نامه از مرحوم امام خمینی (ره) دارند و گفتند که من به این دوازده نامه افتخار می‌کنم. «میان تیتراژ» این دو مطلب را به این منظور نقل کردم که مشخص شود آیت‌الله کرمی در دوران آیت‌الله بروجردی و بعد از آن در دوران نهضت امام خمینی (ره) از جمله شخصیت‌های

● اشاره‌ای به جایگاه علمی و مذهبی علامه کرمی بفرمایید.

در ابتدا اشاره‌ای به خاطره آیت‌الله جعفر سبحانی که برای بنده نقل کردند، داشته باشم که ایشان گفتند در زمانی که نهضت امام خمینی (ره) شروع شده بود و بحث تبعید ایشان مطرح شد، آیت‌الله کرمی حوزه علمیه قم را به سمت نهضت امام خمینی (ره) بسیج می‌کردند. ایشان نامه‌هایی به مراجع شناخته شده نجف نوشتند مبنی بر اینکه چرا نشست‌اید و یک



## اخلاق در نهج البلاغه از نگاه علامه کرمی

رویکردی که علامه محمد کرمی در کتاب شرح نهج البلاغه داشتند، در تفسیر المنیر ایشان نیز دیده می‌شود و هم در بعضی دیگر از آثارشان. ایشان این نظر را داشتند که شرح قرآن و نهج البلاغه و متون دینی باید دستورالعملی برای مسلمانان در زندگی امروزشان شود و نظرشان این بود تفسیر علمی مطلق و کاربردی نبودن تفسیر و شرح فایده‌ای ندارد. توجه ایشان به اخلاق و سیاست از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع)، مسائل تربیتی و اجتماعی با این رویکرد است و معلوم می‌شود هدف از شرح و صحبت در مورد تاریخ امیرالمؤمنین و زندگی و شخصیت ایشان این است که این بیانات و الگوها وارد زندگی ما شوند و این ارزش کارهای علمی ایشان را نشان می‌دهد. هدفشان این بوده که علم در کنار عمل ارائه شود و مسلمانان به صورت کاربردی از این معارف ارزشمند استفاده کنند. شرح شش جلدی علامه بسیار پربار و پرمطلب بوده و محوریت آن با مباحث اخلاقی و اجتماعی است و دارای مباحثی است که واقعاً سازنده جامعه اسلامی می‌باشد. به طور مثال در نهج البلاغه بعضی از نامه‌ها و مطالب امیرالمؤمنین مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. مانند نامه ۳۱ که از امیرالمؤمنین به امام حسن(ع) می‌باشد. یک دستورالعمل مفصل اخلاقی، اجتماعی و کاربردی برای همه انسان‌ها است. علامه کرمی به این نامه توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند و این‌ها بیانگر رویکرد اخلاقی و اجتماعی مرحوم کرمی به کتاب نهج البلاغه است.



این منبرها در موضوعات مختلفی از جمله اجتماعی، قرآنی، اخلاقی، سیاسی و... بود. یکی از محورهای اصلی در صحبت‌های علامه کرمی، بحث ساخت اجتماعی مردم بر پایه ایمان، عمل صالح و تقوا بود.

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان‌هایی می‌خواستند به نام قومیت ایجاد شکاف کنند که در خوزستان آیت‌الله کرمی به خوبی درخشیدند و در حسینیه اعظم حاضر شدند و عشایر و قبایل را جمع کردند و آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم!

بی‌تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد و زن (آدم و حوا) آفریدیم و شما را قبیل‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید مسلماً گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.»؛ سوره حجرات، آیه ۱۳ را خواندند. علامه بزرگوار و جلیل‌القدر با صداهای شوم تفرقه مبارزه کردند و در این زمینه هیچ تعارفی با کسی نداشتند. ایشان همچنین در رادیو خوزستان هم حاضر شده و سخنرانی بلیغی ایراد کردند.

زمانی بود که امام‌راحل در تدوین قانون اساسی، نامه‌ای خطاب به ایشان نوشتند و بنده آن نامه را دیدم و از جمله آن دوازده نامه‌ای بود که ایشان بدان‌ها افتخار می‌کردند. بعد از رفراوندوم و همه‌پرسی و اینکه مردم به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند، گفتند اکنون لازم است، اسلام‌شناسان قانون اساسی جمهوری اسلامی

آیت‌الله شیخ محمد کرمی بسیار ارزشمند بوده است.

ایشان بعد از آن بر اساس احساس نیاز منطقه بعد از ارتحال پدر علامه‌شان شیخ محمدطه کرمی که از مراجع تقلید بودند، در اوایل دهه ۵۰ شمسی در اهواز مستقر شدند. باید بگویم خانواده آیت‌الله شیخ محمد کرمی هفده نسل تا زمان خود ایشان مرجع تقلید بودند و متعلق به همین منطقه خوزستان و حویزه هستند. ایشان وقتی که در اهواز مستقر شدند حوزه علمیه‌ای ساختند و نقش فوق‌العاده‌ای در ساخت مساجد و حسینیه‌ها در اهواز داشتند.

● **با توجه به فعالیت علامه کرمی در زمینه توسعه مراکز مذهبی و اجتماعی، اشاره‌ای به ساخت حوزه علمیه از سوی ایشان داشته باشید.**

درباره هدف تأسیس حوزه، در جای دیگری توضیح خواهم داد. اما در این میان باید گفت طلاب ارزشمندی در آن حوزه تحصیل کردند و بنده هم توفیق داشتم در دوران نوجوانی که حدود دوازده یا سیزده سال داشتم به خدمت ایشان برسم. البته رفت و آمدی هم از قبل به واسطه والد مرحوم به آنجا داشتم و از همان سال‌ها طلبگی را در آن حوزه شروع کردم. ایشان شب‌های جمعه و شب‌های شنبه منبر داشتند.

● **برگزاری این قبیل منبرها که متعدد بوده اند چه تاثیری در ایجاد انسجام و وحدت داشتند؟**



### علامه بزرگوار

#### وجلیل‌القدر

#### با صداهای

#### شوم تفرقه

#### مبارزه کردند

#### و در این زمینه

#### هیچ تعارفی با

#### کسی نداشتند.

#### ایشان

#### همچنین

#### در رادیو

#### خوزستان هم

#### حاضر شده

#### و سخنرانی

#### بلیغی ایراد

#### کردند

## کلام، معانی و بیان در کلام علامه کرمی

در ارتباط با معانی و بیان، علامه کرمی کتابی سه جلدی دارند. این کتاب شهرت بسیاری دارد که حتی در مصر هم از آن استفاده می‌کنند و در آنجا تدریس می‌شود با نام «الوشاح فی شرح مختصر المفتاح» که شرح وسیعی دارد و کتاب ادبی بسیار گران‌سنگی است.

«قصص الانبیاء» را هم در باب زندگی انبیاء به رشته تحریر درآوردند که شامل دو جلد است و هدف اصلی آن بیان زندگی‌شان بر اساس آیات قرآن کریم و روایات است.

کتاب «لیالی فی شهر رمضان»، کتابی است که از آیات قرآن در آن بسیار استفاده شده و مربوط به مباحث چندین ساله علامه کرمی در ماه رمضان است که این نشست‌ها بعد از افطار انجام می‌شدند و تأکید زیادی برای حضور و زمان مناسب آن داشتند که فاصله‌ای را بعد از اذان قائل می‌شدند تا روزه‌داران افطار کرده و بعد از آن برای نماز جماعت و این مجلس به مسجد بیایند که این مباحث به صورت خطابه بوده و با توجه به آیات قرآن مکتوب شدند. «بحوث ایام شهر رمضان» کتابی است بر اساس بیانات علامه کرمی مابین نمازهای ظهر و عصر در ارتباط با مسائل فقهی قرآن و اخلاق و اجتماع صوت می‌گرفت. این سلسله جلسات نیز مکتوب شده‌اند. کتاب «بحوث ایام الجمعة» که با توجه به سلسله جلسات بحث و گفت‌وگو، روزهای جمعه تنظیم و مکتوب می‌شد.

را بنویسند. ایشان کلمه اسلام‌شناسان را به کار بردند.

امام خمینی (ره) بعدها در آن نامه فرمودند که با توجه به مراتب فضل و تقوایی که از شما - علامه کرمی - سراغ دارم لازم است شما از استان خوزستان کاندیدای مجلس خبرگان قانون اساسی شوید و من طی نامه‌ای مشابه از آقایان دستغیب، صدوقی، اشرفی اصفهانی و ... خواستم که کاندیدای خبرگان قانون اساسی شوند. اینگونه شد که آیت‌الله کرمی خود را در معرض رأی مردم قرار دادند و مردم خوزستان به ایشان به عنوان عضو شورای خبرگان قانون اساسی رأی دادند. در آنجا هم آیت‌الله کرمی نقش فعالی در تدوین قانون اساسی به ویژه بُعد فقهی قانون اساسی و بُعد وحدت و همبستگی و استیفای حقوق آحاد مردم داشتند.

### ● به نظر شما علامه شیخ کرمی چه نگاهی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی داشته‌اند؟

من از زبان ایشان شنیدم که قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون بسیار متریقی است. علامه شیخ کرمی می‌گفتند اگر به این قانون اساسی که ما پایش را امضا کردیم، به طور کامل عمل شود، صد در صد و بدون تنازل از هیچ اصل می‌تواند پیشرفت و آبادانی را در کنار حقوق همه اقوام تأمین کند.

ذکر این نکته مهم است که در قانون اساسی اصل ولایت فقیه وجود داشت. اصل ۱۹ به بعد درباره حقوق ملت بوده و فصل قابل توجهی است. اگر بعضی افراد تلاش می‌کنند شخصیت علامه شیخ محمد کرمی را شخصیت جدای از انقلاب و جدای از نظام و مطالبات مردم ترسیم، تحریف شخصیت صورت گرفته است.

اینکه بعضی‌ها تلاش می‌کنند شخصیت آیت‌الله کرمی را شخصی جدا از انقلاب و جدای از نظام و جدای از مطالبات مردم ترسیم کنند دور از تعریف شخصیت آیت‌الله کرمی است. آیت‌الله کرمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جزء شخصیت‌های مطرح حوزه قم بودند و در اهواز نیز نقش بزرگی را در شکل‌دهی حوزه علمیه اهواز در کنار علمای بزرگی مثل حضرات آیات آل طیب، انصاری و آیت‌الله سید علی بهبهانی و دیگر علمای بزرگ خوزستان ایفا



نقش کردند. در واقع از جمله برجستگان حوزه علمیه استان خوزستان بودند و با همه این علما مراودت و ارتباطات صمیمی داشتند. با حضرات آیات شفیعی و جزایری ارتباط داشتند. در شکل‌گیری انقلاب اسلامی که آن سال منجر به پیروزی شد ایشان نگرانی‌هایی داشتند و آن نگرانی‌ها تفسیر شد به اینکه ایشان خودشان را از صف مبارزات مردم جدا کرده‌اند. در صورتی که این طور نبود و من در همان زمان در آن مدرسه بودم.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایشان موضع خیلی شفافی علیه دکترا شریعتی داشتند و جریان دکترا شریعتی را یک جریان در واقع انحرافی می‌دانستند و از لحاظ اصول سیاسی، نهضت امام خمینی (ره) را تأیید می‌کردند و نگران نفوذ جریان‌های چپ مارکسیستی یا جریان‌های غربی غیردینی و وابسته به غرب در دل نهضت اسلامی بودند.

من این جمله را از ایشان شنیدم که آن موقع در جمع طلاب اعلام کردند که در ارتباط با پیروزی موضع خود را اعلام کرده بودند. ایشان می‌گفتند دنیا آبدستن حوادث است و این



### من از زبان ایشان شنیدم

### که قانون اساسی

### جمهوری اسلامی، قانون

### بسیار متریقی است. علامه

### شیخ کرمی می‌گفتند اگر

### به این قانون اساسی که ما

### پایش را امضا کردیم، به طور

### کامل عمل شود، صد در

### صد و بدون تنازل از هیچ

### اصل می‌تواند پیشرفت و

### آبادانی را در کنار حقوق

### همه اقوام تأمین کند

این جزوه در ۶۰ صفحه به صورت سوال و جواب منتشر شده است که با مقدمه‌ای درباره مسائل روز اجتماعی آغاز شده و درباره اسلام و تفکرات اسلامی ادامه می‌باید. در صفحات میانی این جزوه پرسشهای حضار آغاز می‌شود. در صفحه ۴۲ سوالی از معظم له از سوی یکی از حضار پرسیده می‌شود.

● علت فقر فرهنگی و ضعف انقلاب در منطقه خوزستان، عدم وجود روحانیون مبارز و آگاه است، در نتیجه قلب انقلاب که ضعیف باشد کارهای انقلابی در منطقه به خوبی انجام نمی‌گیرد، در رابطه با این مسئله چه پیشنهادی و راه‌حلی می‌توان ارائه داد؟

جواب: باید بگویم بنده به مسائل روحانیت اینجا به طور روشن و کامل وارد نیستم و از روحانیون فقط آقای کرمی و آقای موسوی را می‌شناسم. جناب آقای موسوی را از پیش شنیده بودم که در مسائل انقلابی و مبارزه فعالیت دارند و ایشان را تا امروز صبح که در فرودگاه با هم آشنا شدیم زیارت نکرده بودم. فقط ذکر خیرشان را شنیده بودم.

جناب آقای شیخ محمد کرمی را از سال‌ها پیش می‌شناسم. شاید بیست سال یا اقلاً هفده یا هجده سال است که ایشان را می‌شناسم. جزو افاضل معروف قم بودند و تألیفات خوبی هم دارند، البته یکی دو سال پیش شنیده بودم که در مسائل انقلابی همکاری نمی‌کنند. این همه آشنایی من با وضع روحانیت اهواز است.



پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر شد و در متن حاضر شدند. تا حدی که در مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت کردند. در اواخر حیات همان‌طور که مستحضرد بیمارستانی را تأسیس کردند که طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب تحت عنوان «رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» این بیمارستان را به ایشان تقدیم کردند که آقا هم تصمیم گرفتند آن را به کمیته امداد خمینی (ره) واگذار نمایند.

پانوش: جزوه «درست فهمیدن اسلام» بیانات گهربار مقام معظم رهبری، در شب ۱۶ خرداد ۱۳۵۸ است که در کانون فرهنگی اسلامی اهواز ایراد شده است.

این جزوه در قالب نشریه شماره ۸، که از سوی حزب جمهوری اسلامی به چاپ دوم رسیده بود که فروردین‌ماه ۱۳۶۰ از سوی دفتر مرکز پخش دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی پخش شده است.

حوادثی که در ایران در حال رخ دادن است از جمله حوادث انقلاب جدای از حوادث جهانی و رویدادهای جهانی نیست. منشا این آستان بودن معلوم نیست که کمونیست شوروی باشد یا آمریکای غربی و یا انگلیس خبیث. ما باید هوشمند باشیم و اگر انقلاب پیروز شود و در رأس انقلاب نیز آیت‌الله خمینی (ره) باشد، یاران و سربازان او همه ما خواهیم شد. مانگران این هستیم انقلاب به سمت شرق یا غرب منحرف شود.

علامه کرمی، حساسیت‌های خاصی نسبت به گروه‌های التقاطی آن زمان مانند منافقین خلق، فدائیان خلق و این‌گونه جریان‌ها داشتند. منجمله نسبت به جریان شریعتی موضع منفی شفافی داشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با اوج مبارزات که معلوم شد نهضت انقلابی ملت ایران برگرفته از عمق عاشورا و ارزش‌های اسلامی بوده و مردم اجرای اسلام را مطالبه می‌کنند، در صفوف مبارزات پیوستند و در راهپیمایی‌ها نیز شرکت داشتند.

فعالیت علامه جلیل‌القدر، محمد کرمی بعد از



حجت الاسلام عبدالرضا سواعدی:

## شیخی که در وصف نگنجد

حجت الاسلام و المسلمین عبدالرضا سواعدی از قدیمی ترین شاگردان علامه محمد کرمی است که از تباط نزدیک با علامه داشته است. در گفت و گویی که با تحریریه رایحه داشت، از روزهایی گفت که همدم و همسخن علامه می شد. از روزهایی که در ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پایه پای سربازان و رزمندگان اسلام در اهواز ماندند و به یاری مردم شتافتند.

## التزام به مکتب عاشورا

علامه محمد کرمی از مراجعی بود که در بحث ترویج مکتب عاشورایی اصرار و التزام داشتند. یکی از خصوصیات این زاهد پیر مسائل رفتاری ایشان بود که اسوه و نمونه کاملی برای مسائل اخلاقی و اعتقادی بودند که خود ایشان آنها را ترویج می‌دادند. مجالس امام حسین (ع) را مجالسی مقدس و مؤثر می‌دانستند و بسیار بر اخلاق و برگزاری درست آنها تأکید می‌کردند. با ذکر این مطلب که کلید ورود طلاب به حوزه علمیه این علامه بزرگوار منبر امام حسین (ع) بود، به شاگردانشان شرط میکردند که تبلیغ سیره اهل بیت یکی از اهداف اصلی این حوزه‌ی علمیه است.

علامه کرمی همیشه به شاگردان خود حواشی پرهیز کنند و حق مطلب را آن جور که باید ادا کنند. حزن این جریان را با توجه به مفاهیم دینی، عرفانی و انقلابی آن بیان کنند.

شاگردان علامه محمد کرمی نقل می‌کنند اولین منبر بعد از بنای مسجدشان در منطقه آخراسفالت برگزار شد و علامه درخواست ویژه‌ای داشت که برای اولین منبر در مسجد النبی فقط مرثیه امام حسین (ع) را بخواند و به روضه حسینی اکتفا کنند. این نماد علقه‌ای بود که علامه کرمی با این سلاله پاک و مطهر داشت.

شاگردان ایشان نقل می‌کنند در روضه امام حسین (ع) علامه محمد کرمی به قدری بلند بلند گریه می‌کردند که صدای ایشان همه فضای مجلس را پر می‌کرد و همه را به گریه می‌انداختند. این نوع دل‌شکستگی و تضرع در مجلس حسینی نماد عالی بود برای شاگردانش که او را الگوی خود قرار داده بودند.

که علامه شیخ محمد کرمی در باب منبرهای حسینی تأکید می‌کردند، موبه مواجرا و خود نیز به شاگردانش توصیه می‌کند.

### ● در ابتدا توضیحاتی درباره زندگی آیت الله شیخ محمد کرمی داشته باشید؟

بسم الله الرحمن الرحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین. باید بگویم بنده مطالبی را از بدو تولد و ایام تحصیل ایشان در نجف اشرف جمع‌آوری کرده‌ام که ایشان در مقاله «عقود من حیاتی» به رشته تحریر درآورده بودند. بعد هادر اواخر جلد هشتم تفسیر قرآن خودشان، آورده‌اند که در آن تاریخ، محل تولد و اوائل دوران تحصیل را ذکر نموده و حتی سبب مهاجرت از نجف اشرف را به وضوح بیان کرده‌اند. مطالبی ذکر شده و چیزی که من راجع به زندگی ایشان می‌دانم و مهاجرتی که انجام دادند در تطبیق آیه ۱۲۲ سوره توبه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» آمده است که در واقع کار طلبه علم همین است؛ درس بخواند، فقاقت پیدا کند و به محل زندگی ثابت خود و یا قومی و شهری که در آن بزرگ شده بازگردد که خود علامه این امر را با توجه به این آیه شریفه تطبیق دادند.

علامه کرمی متولد نجف اشرف بودند. در سال ۱۳۴۰ هجری قمری. اوائل ایام جوانی را در آنجا سپری کردند. در همان دوران کودکی تغییر روش داده و مدرسه ابتدایی را در ده سالگی ترک می‌کنند و به حوزه می‌روند تا ادامه تحصیلشان در این زمینه باشد که در این سال‌ها، مقدمات و سطوح حوزه را همزمان مورد مطالعه قرار داده و به پایان رساندند و در حدود بیست سالگی آنجا را به مقصد قم ترک کردند. اینگونه متذکر می‌شوند که به دلایل مختلفی مجبور به هجرت شدند. دلیل اول اینکه شهر نجف، شهری بزرگ و دارای اجتماعی بزرگ بود و مردم آن دارای روابط اجتماعی زیادی بودند و ما خانواده سرشناسی در نجف بودیم که متعاقباً رفت و آمد بیشتری هم داشتیم و این رفت و آمدها وقت مطالعه، تحقیق و تحصیل مرا می‌گرفت. به همین دلیل به شهر قم سفر کردم که در آن زمان به این وسعت و بزرگی نبود و دلیل دوم مسئله امرار معاش ایشان بود که قبول نمی‌کردند از مسائل شرعی حقوقی را برای

علامه جلیل‌القدر شیخ محمد کرمی در سالیانی که به تدریس در حوزه علمیه قم و اهواز پرداخته بودند، شاگردان متعددی را پرورش داده بود. شاگردانی که پس از سالیان سال که از دوران تلمذشان در حضور علامه کرمی فاصله گرفته‌اند، با یادآوری خاطراتی به نیکی از آن روزها یاد می‌کنند. روزهایی که در سنین نوجوانی در محضر استاد حاضر شدند و به فراگیری علوم دینی و حوزوی می‌پرداختند. آنها نه تنها پای درس استاد می‌نشستند بلکه جزء به جزء آموزه‌های زندگی را نیز از محضر استاد تلمذ می‌کردند و فرا می‌گرفتند. در روزهایی که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین جنگ تحمیلی بوده است، در کنار استاد ماندند و تاریخی را برای آیندگان به جا گذاشتند. یکی از این شاگردان حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالرضا سواعدی از قدیمی‌ترین شاگردان علامه محمد کرمی می‌باشد که ارتباط نزدیکی با علامه داشته است.

شیخ عبدالرضا سواعدی همدم و هم‌سخن علامه می‌شد و در محضر استاد آموختنی‌ها را فرا می‌گرفت. روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، پا به پای سربازان و رزمندگان اسلام در اهواز ماند و به همراه علامه محمد کرمی و دیگر شاگردان حوزه علمیه علامه به یاری مردم شتافتند. مردمی که زیر آماج حملات دشمن مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند اما علامه کرمی به همراه شاگردانش در اهواز ماندند و به همراه آنها از حوزه علمیه خود خارج نشدند. شیخ عبدالرضا سواعدی در سنین جوانی و برای فراگیری علوم حوزوی راهی شهر قم شد و در آنجا از محضر بزرگانی در آن شهر کسب فیض کرد و به ادامه تحصیل پرداخت. در آن شهر ماندگار شد و به گفته خودش همانند استاد خود، علامه محمد کرمی برای یادگیری علوم دینی ترک خانه و کاشانه کرد.

شیخ عبدالرضا سواعدی از جمله شاگردان علامه است که تسلط به دو زبان فارسی و عربی در تدریس و تألیف دارد و از جمله شاگردانی است که در مقطع کنونی تألیفات علامه را مانند «بحوث و آراء» در حوزه علمیه تدریس می‌کند که کتابی در باب تفسیر موضوعی نهج البلاغه است.

وی در منبرهای حسینی نیز، علامه محمد کرمی را الگوی خود قرار داده و همه نکات و ظرائفی را



### شیخ عبدالرضا

#### سواعدی از

#### جمله شاگردان

#### علامه است که

#### تسلط به دو

#### زبان فارسی

#### و عربی در

#### تدریس و تألیف

#### دارد و از جمله

#### شاگردانی است

#### که در مقطع

#### کنونی تألیفات

#### علامه را مانند

#### «بحوث و

#### آراء» در حوزه

#### علمیه تدریس

#### می‌کند

## شرح و تفسیر نهج البلاغه

علامه کرمی شرح شش جلدی بر نهج البلاغه داشته است که حاصل تدریس در حوزه علمیه قم می باشد و نهج البلاغه را در هشت محور مورد بحث و بررسی قرار می دهد. شیوه نگارش شرح موضوعی است و نام آن گویای محتوای کتاب می باشد که به توضیح و شرح معنایی اکتفا نکرده و موضوعات مختلف مطرح شده به بحث و گفت و گو و رأی و نظر گذاشته شده اند. یکی از شاگردان ایشان نقل می کنند قرار شد در مدرسه حجتیه کلاس شرح نهج البلاغه ای با طلاب خارجی داشته باشند. بنده نمونه های مختلفی از شرح های مختلف نهج البلاغه را استفاده می کردم، از جمله کتاب بحث و آراء علامه کرمی که تفاوت آن به خوبی دیده می شد و محسوس بود و طلاب اعتراف می کردند با این تفسیر بهتر و دقیق تر موضوعات را دریافت می کنند. بنده نیز در حوزه علمیه قم دو سال است کرسی تدریسی در باب نهج البلاغه دارم که تمرکز و محوریت کار با کتاب بحث و آراء علامه شیخ محمد کرمی است و مهم ترین شاخصه این کتاب شرح و تطبیق دادن مطالب نهج البلاغه، گفته های امیر المؤمنین و مسائل روز و دانسته های حال حاضر است. این نوع نگارش آن را تفسیری به روز کرده است. هشت موضوع اصلی در تفسیر نهج البلاغه علامه کرمی؛

■ توحید و تحلیل العقاید

در ارتباط با توحید

■ نهج البلاغه و تعریف الاسلام

■ نهج البلاغه و المواعظ

■ نهج البلاغه در علوم و فنون

■ نهج البلاغه فی نفود و الرود

■ نهج البلاغه فی السیاسه

و اداره الامور الناس

■ نهج البلاغه فی جهاد و المناجزه فی

احقاق الحق و ابطال الباطل

■ نهج البلاغه فی الحکم و الامثال



تدریس ایشان شروع شد. با اینکه علامه فقیهی مجتهد بود، تدریس را از مقدمات و پایه و ابتدا شروع کردند و کتابهای درسی مفیدی برای شروع درس طلاب به رشته تحریر در آوردند که بسیار مختصر و در عین حال پر محتوا می باشند. به طور مثال برای درس نحو طلاب کتاب مفید «تحفه المحمدیه» تألیف کردند.

ذکر یک نکته مهم اینکه طلبه برای حضور در مدرسه علمیه کرمی باید از جانب کسی معتمد معرفی می شد و شرط آن جدیت در تحصیل و تبلیغ مذهب تشیع بود. اینها شروطی بودند که علامه برای طلاب ورودی حوزه علمیه خود قائل بودند. «میان تیتیر»

بنده خود نیز در سال ۱۳۵۵ شمسی وارد مدرسه علامه کرمی شدم و تا سال ۱۳۷۴ که به قم رفتم در آنجا مشغول تحصیل بودم. در آن زمان بود که دلیل مهاجرت علامه را به خوبی لمس کردم و خود تصمیم گرفتم برای کسب علم به قم مهاجرت کنم. به علامه عرض کردم تنها چیزی که بنده را هنوز اینجا نگه داشته، وجود شماسست ولی نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتر را در خود احساس می کنم. اینجا مجالی برای من نیست و روابط اجتماعی و نوع معاشرت با اطرافیان این فرصت را از من گرفته است. اجازه ایشان را گرفتم و در سال ۱۳۷۴ ساکن قم شدم.

● **گویا حوزه علمیه علامه کرمی در تابستان نیز دائر و برقرار بود. در این باره توضیحی بفرمایید؟**

بله، مدرسه علمیه شیخ محمد کرمی و شیوه تدریس آن اینگونه بود که تعطیلی در تابستان و ایام

خود جدا کنند. ایشان و آبا و اجدادشان زمین هایی را در مناطق هویزه و اطراف آن داشتند که از آنها ارتزاق می کردند که با ورود نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم، مشکلاتی برای دادوستد آنها پیدا شد و در آخر بیان داشتند می خواستم از اجتماع دوری کنم تا بیشتر به خود بپردازم و در راستای خودشناسی قدم بردارم.

در کتاب «شعرا الغری» نیز ذکر شده که علامه برای فرار از مسائلی که وقتشان را می گرفت و کسب علم و تحقیق و تألیف ایشان را مختل می کرد، به قم مهاجرت کردند و طلب علم را به شیوه بهتری انجام داد. علامه شیخ محمد کرمی ۲۸ سال در قم سکونت داشتند و در این بیست و هشت سال جزء مدرسین، مؤلفین و شاخص های علمی شناخته شده قم بودند و همه علمای معاصر آن زمان او را به خوبی می شناختند و خیلی ها از فیض پربرکت ایشان استفاده هایی بردند.

● **چه شد که بعد از ۲۸ سال به خوزستان بازگشتند؟**

پس از درگذشت شیخ بزرگوار، عالم جلیل القدر شیخ محمدطه کرمی، پدر علامه شیخ محمد کرمی، اهالی اهواز و مناطق اطراف نمایندگانی را به سوی ایشان فرستادند و از شیخ محمد درخواست کردند جایگزین شایسته ای برای پدرشان باشند. ایشان به این نتیجه رسیدند دیگر وقت آن است علمی را که آموخته اند به دیگران بیاموزند و آن را به مرحله عمل برسانند و آیه کریمه نفر را مدنظر گرفته و عمل خود را با آن تطبیق کنند. بنابراین به اهواز آمده و مدرسه علمیه خود را در سال ۱۳۴۸ تأسیس کردند و



**پس از درگذشت شیخ بزرگوار، عالم**

**جلیل القدر شیخ محمدطه**

**کرمی، پدر علامه شیخ**

**محمد کرمی، اهالی اهواز و**

**مناطق اطراف نمایندگانی را**

**به سوی ایشان فرستادند و از**

**شیخ محمد درخواست**

**کردند جایگزین**

**شایسته ای برای پدرشان**

**باشند**

## «حل الطلاسم عن الفیه بن مالک» و چند کتاب دیگر

در زمینه نحو کتاب «الفیه بن مالک» است که نحو را به صورت منظم در هزار بیت تنظیم کرده و پسر او بدرالدین که «شرح الفیه لابن الناظم» را نوشته است و به جرأت می‌توان گفت بهترین کتاب شرح بر الفیه است که سابق بر این تدریس می‌شد و مدتی است شرح‌های ساده‌تری مانند شرح بن عقیل و ... را انتخاب می‌کنند و معمولاً در قم دیگر تدریس نمی‌شود و دلیل آن پیچیده بودن فلسفه نحو است. در این باب علامه کتابی را با نام «حل الطلاسم عن الفیه بن مالک» که جزء مهم‌ترین کتاب‌های نحو می‌باشد و بارها جزء بهترین کتاب شرح الفیه شناخته شده است را تألیف کردند و دفعات بسیاری تجدید چاپ شد و جالب است بدانید بسیاری از افراد که از آن استفاده می‌کنند نمی‌دانند صاحب این اثر چه شخصیتی است. محمد کرمی همیشه در کتاب‌هایشان اسم خود را بدون هیچ پیشوند یا پسوندی فقط محمد کرمی و یا خادم‌الشرع ذکر می‌کرد.

کتاب «المفتاح» از سکاکی و تلخیص آن از خطیب قزوینی است. شرح مختصر آن را تفتازانی نوشته است که این سه عالم بر این علم کار و پژوهش کردند و علامه محمد کرمی همه ملزومات علم بلاغت را جمع‌آوری کرده و کلیاتی از آن ارائه دادند طلاب را از دیگر کتب بی‌نیاز می‌کند. یکی از کتب اخلاق علامه کرمی «الفضائل و الرذائل» است. کتاب دوم در این زمینه کتاب «اصول الدین الاسلام» است.

سه کلاس درس بعد از نماز مغرب و عشاء و به این شکل تمام روز را مشغول تدریس بودند. در بین این کلاس‌ها و در زمان استراحتشان مشغول تألیف، نوشتن و تحقیق می‌شدند و هیچ زمانی را برای کسب علم و علم‌آموزی از دست نمی‌دادند.

اشاره‌ای به اداره امور در زمان جنگ تحمیلی عراق و حضور علامه در خوزستان داشته باشید.

در آن سال‌ها و هم‌زمان با جنگ، از طرف استانداری ماسینی در اختیار مافزار دادند که کارهای مرتبط با استاد طلب علامه کرمی در زمان جنگ تشکیل شده بود، را انجام می‌داد. بعد از اینکه علامه عزم سفر کردند با همین خودرو و ایشان به شهرستان بهبهان منتقل شدند که محل اقامتشان بعد از گذشت ۴ ماه در شهر اهواز و ایام جنگ بود. پس از آن با اصرار مکرر برخی از شخصیت‌های مورد نظر عزم سفر کردند. جالب است بدانید که رفتار ایشان در سفر بسیار متفاوت بود. با توجه به اینکه بهترین و مهم‌ترین کارها را تحقیق و پژوهش علمی می‌دانستند و آن را در اولویت بیشتری نسبت به مستحبات می‌دانستند، تعقیبات را به دلیل مسائل علمی زیاد پیگیری نمی‌کردند. اما به محض شروع سفر، آیت‌الکرمی را تلاوت کردند و در طول سفر آیات دیگری هم تلاوت کردند و دقیقاً در طول سفر تمام تلاوتشان پیاده کردن مضامین قرآنی و سیره مبارک معصومین بود و اخلاق اهل بیت (ع) را سرمشق خود قرار داده بود. در سیره ائمه آمده است که مزاح مکره است به جز در هنگام سفر و علامه کرمی لطیفه‌هایی را در طول سفر برای ما گفتند که ما هیچ‌گاه از ایشان نشنیده بودیم و انگار نه انگار که ایشان استاد و ما شاگرد هستیم و تمام مسیر را بهترین همسفر برایمان بودند و وقتی هم به مقصد مورد نظرمان رسیدیم ایشان به عنوان میزبان برایمان جای و پذیرایی آورد و غذاهای می‌کرد.

● چه شد که علامه کرمی تصمیم گرفتند اقدام به راه‌اندازی ستاد پشتیبانی و کمک‌رسانی طلاب مدرسه کنند؟

بنده و عده‌ای از طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله کرمی پیشنهاد تشکیل چنین ستادی را به خود علامه کرمی دادیم و ایشان ما را به سمت حجت‌الاسلام طاهری امام جمعه وقت در اهواز هدایت کردند و گفتند ایشان مقام رسمی در استان هستند و می‌توانند شما را راهنمایی کنند

استراحت نداشت و با جدیت تمام کار می‌کردند و برنامه کلی تدریس به این شکل بود که فقط در دهه اول محرم طلاب به دلیل منبر حسینی و ماه مبارک رمضان به دلیل تبلیغ تعطیل می‌شدند و در اولین روز پس از این تعطیلی کلاس‌ها دایر بود. حتی وفات، شهادت و ولادت ائمه اطهار هم کلاس‌ها را تعطیل نمی‌کردند و پاسخ ایشان این بود که اگر تعطیل کردن کلاس برای خشنودی ائمه اطهار و معصومین بوده من یقین دارم اگر ما مشغول تحصیل باشیم معصومین خشنودترند. بنابراین من در تعطیلات تابستان که حوزه‌های علمیه قم تعطیل بودند، خدمت ایشان می‌رسیدم و در درس مفید آن شرکت می‌کردم.

بعد از فوت ایشان من تا چهل روز اهواز ماندم و سخنرانی روز چهلم علامه هم با بنده بود و آن زمان بود که تصمیم گرفتم در ارتباط با علامه شیخ کرمی و زندگی ایشان کوشش و تلاش و زهد و پارسایی‌شان و همه جهات زندگی علمی ایشان مطالبی را بنویسم و از تجربیات شخصی بنده با ایشان مطالبی را ذکر کنم. همین طور که می‌بینید بر اساس آیه کریمه نمونه بارز طالب علم خود آیت‌الله محمد کرمی و امثال ایشان است.

● با توجه به علم علامه و اینکه ایشان بر علوم بسیاری احاطه داشتند، جایگاه اساتید علامه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از اساتید علامه شیخ محمد کرمی در قم می‌توان آقای صدرالدین صدر و آیت‌الله خوانساری را نام برد. به نقل از خودشان بیشترین استفاده فقها و اصولاً از آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای صاحب مدرسه حجتیه در قم است که بعد از مدتی که به دنبال استاد شایسته‌ای که مدنظرشان بود می‌گشتند، ایشان را یافتند و تقریباً پنج سال هم از محضر آیت‌الله برخوردار بودیم. بدون شک ظهور چنین علامه بر جسته‌ای بدون تأثیر از بستر ارزشمند این اساتید فاضل نبوده است.

● اشاره‌ای به سلوک رفتاری علامه محمد کرمی بفرمایید و اینکه چه مشخصه بارزی در رفتار ایشان بوده است؟

در مقطعی که من به خاطر دارم در همین حوزه علمیه علامه کرمی خود ایشان از صبح تا شب تعداد ۹ کلاس تدریس می‌کردند. سه کلاس درس در صبح، سه کلاس درس در بعد از ظهر و



### از اساتید علامه

#### شیخ محمد

#### کرمی در قم

#### می‌توان آقای

#### صدرالدین

#### صدر و آیت‌الله

#### خوانساری را

#### نام برد. به نقل

#### از خودشان

#### بیشترین

#### استفاده فقها

#### و اصولاً از

#### آیت‌الله سید

#### محمد حجت

#### کوه‌کمره‌ای

#### صاحب مدرسه

#### حجتیه در قم

#### است که بعد

#### از مدتی که به

#### دنبال استاد

#### شایسته‌ای که

#### مدنظرشان بود

#### می‌گشتند

#### ایشان را

#### یافتند و تقریباً

#### پنج سال هم از

#### محضر آیت‌الله

#### بروجردی

#### فیض بردند

## ممتا در وجوهات شرعی

علامه محمد کرمی در برخورد با وجوهات و مصرف آنها بسیار دقیق و محتاط بودند و از این وجوهات برای خود و خانواده خود سهمی را خرج نمی‌کردند.

مصارف شخصی و درآمد خانواده از کشت و زرع بود که از زمینهای به ارث رسیده به ایشان بدست می‌آمد و تا این اندازه نسبت به وجوهات محتاط بودند که حتی چاپ و نشر کتاب‌های حوزوی و علمی‌شان را با هزینه شخصی و کیفیت چاپ و صحافی بسیار معمولی انجام می‌دادند. پس از اینکه از ایشان در مورد کتاب‌ها و نوع چاپ سوال شد، ایشان دلیل آن را این‌گونه ذکر کردند که هدف من از چاپ تعداد کم و محدود و با کیفیت معمولی این است که این کتاب‌ها فقط حفظ شوند و از بین نروند و اگر کتاب ارزشمند باشد بعد از چاپی که من انجام می‌دهم قطعاً تجدید چاپ خواهد شد. این ارزش و کیفیت محتوای کتاب است که آن را ماندگار می‌کند و شرطی را هم برای تجدید چاپ بر حسب نیاز از کتاب‌های خود قائل بودند که بدون کم و کاست و اضافه کردن مطلب کتاب را عیناً با همین محتوا تجدید چاپ کنند.

اجازه دخل و تصرف در محتوای کتب تألیفشان را پس از خود به کسی نداده‌اند که این امر خود بر این موضوع گواهی می‌دهد که ایشان چقدر بر انتقال مفاهیم حساس بوده و این امر را در نظر دارد که مخاطب را درگیر چند نگاه از چند مولف بر یک موضوع نکنند و مطلب به صورت جامع و کامل از نظر خود علامه به صورت مدون منتقل شود.



نداشتند و ما این مبالغ را پس از شناسایی بین تعداد افراد نیازمند تقسیم کردیم که با توجه به تقسیم‌بندی فردی این پول خانواده‌هایی که تعدادشان زیاد بود مبلغ قابل توجهی را دریافت می‌کردند. کمک‌های خوراکی و اغذیه را هم از استان‌های دیگر دریافت می‌کردیم که در ساماندهی این جنگ‌زده‌ها به ما کمک بسیار می‌کرد و برای مثال یکی از موارد کمک‌های مردم اراک بود که خود من به همراه راننده ستاد طلاب حوزه علمیه شیخ کرمی به اراک رفتیم و کمک‌های مردمی را تحویل گرفتم که شامل آرد، برنج، حبوبات و ... بود. علامه کرمی نیز تأکید داشتند در این نوع مسائل خودمان شخصاً وارد عمل شویم و کمک‌رسانی را انجام داده و کمک‌های مردمی را تحویل بگیریم.

پس از اینکه کامیون‌های بار به اهواز رسیدند، با علامه مشورت کردیم تا مکانی را برای ذخیره و انبار تعیین شود. ایشان با اینکه بسیار بر نظافت و پاکیزگی مدرسه علمیه تأکید داشتند و هر روز نظافت آن را شخصاً بررسی می‌کردند با این حال به ما گفتند که بار را در مدرسه علمیه تخلیه کنیم و این کمک‌رسانی را از همه چیز واجب‌تر می‌دانستند. علت دوم بحث امانت‌داری و تعهد

و خود علامه هم در این مدت در اهواز بودند و نامه‌ای را از ایشان با مهر و امضا گرفتیم و خدمت امام جمعه وقت، حجت‌الاسلام طاهری رفتیم و ایشان هم نامه را با مهر و امضاء با عنوان امام جمعه اهواز و نماینده ولایت فقیه در استان تأیید کردند و این ستاد تشکیل شد. در آن زمان همه مدارس علمیه اهواز تعطیل بودند به جز مدرسه علمیه آیت‌الله بهبهانی که مسئولیت اعزام طلاب به جبهه‌های مقدم جنگ را داشت و از آنجا اعزام و منتقل می‌شدند و این ستاد که دایر بود و فعالیت می‌کرد غیر از اینکه بحث تأمین و پشتیبانی و حضور در جبهه‌ها را داشت با مسائلی در ارتباط با جنگ‌زدگان هم درگیر بود که خود حجت‌الاسلام طاهری ما را مسئول آن قرار داده بود که بررسی کنیم و وضعیت را با توجه به امکانات موجود در حد توان سامان دهیم. علامه کرمی نیز مقداری پول در اختیار ما قرار دادند. جمعیت آنجا و تعداد جنگ‌زدگان بسیار زیاد بود. به همین دلیل ما شروع به شناسایی کردیم که کدام خانواده نیاز بیشتری دارد که آنها را در اولویت قرار دهیم. این خانواده‌ها گاهی چندین خانوار در فضای کوچک و محدودی در کنار هم زندگی می‌کردند و حتی خانواده‌هایی بودند که قدرت تهیه نان خالی را



### علامه کرمی

#### در زمان

#### مراجعه‌شان

#### به قم بنده

#### را مکلف

#### می کردند

#### که مسئول

#### حوزه علمیه

#### ایشان باشم

#### ومی گفتند

#### حساب‌های

#### مالی باید بسیار

#### دقیق و واضح

#### مکتوب شود



## مقائیت انقلاب و جبهه حق علیه باطل

همزمان با جنگ تحمیلی، طلاب مدرسه کرمی ستادی را با مشورت معظم‌له در حوزه علمیه تشکیل دادند. طلاب با راهنمایی علامه با امام جمعه وقت و نماینده امام خمینی (ره) در خوزستان، حجت‌الاسلام سید صالح طاهری همکاری داشتند که مشارالیه از طلاب خواست با حضور در جبهه‌های حق علیه باطل و در پشتیبانی جبهه‌ها بتوانند تأثیر مناسب در روحیه رزمندگان داشته باشند و از آنها خواستند به مسائل جنگ زده‌ها رسیدگی کنند.

این دو شخص؛ علامه کرمی و حجت‌الاسلام طاهری مبالغی را در اختیارشان قرار دادند. مبالغی نیز جهت کمک به مهاجران مستمندی که از عراق بسوی جمهوری اسلامی مهاجرت کردند در اختیار طلاب قرار داده و بین آنها توزیع شد. فرقی بین هیچ یک از نیازمند نبود. فقط می‌خواستند وجوهات به مستحق برسد. علامه کرمی در زمان انقلاب هم بر طلاب تأکید می‌کردند بر منبرها حقانیت انقلاب و جبهه حق علیه باطل را اعلام کنید و مردم را از وقایع و اتفاقات آن زمان آگاه کنند. مثال دیگر آن محرماتی بود که در جامعه به وفور دیده می‌شد، که بعد از انقلاب در بسیاری بسته شد اما مواردی هنوز مورد سؤال و ابهام بود که حتی افرادی با استفاده از آیات و روایات مسائل را توجیه می‌کردند. ایشان گفتند شما بر اساس آیات، روایات و احادیث تحقیق کنید و روشن‌گری کنید که حرام خدا را توجیه نکنند و شیوه مبارزه ایشان با ناهنجاری‌های اجتماعی گفتمان و دلیل و برهان بود.

شده نیز قید شود، چه مبلغ آن زیاد باشد و چه ناچیز. و گاهی پول‌هایی در اختیار من قرار می‌دادند برای امور مختلفی که در نظر گرفته شده بود و از من رسیده‌هایی را با توضیح دریافت می‌کردند.

### ● ارتباط علامه شیخ محمد کرمی با طلاب چگونه بود؟

ایشان رابطه نزدیکی با طلاب داشتند و همیشه بر این تأکید می‌کردند غیر از بحث طلبگی و منبری بودن، طلاب این حوزه علمیه باید به دنبال حرفه دیگری در کنار این امر طلبگی باشند. هر چند علامه کرمی طلبه‌ها را همیشه به منبر حسینی بسیار ترغیب می‌کردند، لیکن اولین شرط ایشان این بود که تعیین اجرت نکنند و هدیه را هر چه هست دریافت کنند و خود علامه کرمی نیز طلبه‌هایشان را به مجالس مختلف معرفی می‌کردند و به مناطق مختلف اعزام می‌کردند. بنده یک بار به نقل از علامه کرمی مطلبی شنیدم که گفته است منبری حسینی اجر و پاداشی در آخرت دریافت نخواهد کرد. من از این مسئله بسیار تعجب کردم و با آموزه‌هایی که از علامه کرمی در ذهن داشتم، مغایرت داشت. به محضر ایشان رفتم و از ایشان توضیح این مسئله را خواستم. پاسخ ایشان این بود که منبری که تعیین اجرت کند، اجرت خود را تعیین و گرفته است و اجرت دیگری دریافت نخواهد کرد. چه در دنیا و چه در آخرت و این حرف در ارتباط با کسانی است که برای پول منبری شده‌اند. و برای پول منبر می‌روند اما نهایه که برای اجر و ثواب در روایات آمده است منبر می‌روند اجر و ثواب آنها ساقط است. به ایشان گفتم ما به همین نیت منبر می‌رویم ولی مردم پولی تقدیم می‌کنند که ماقبول می‌کنیم. فرمودند اگر بدون شرط باشد اشکالی ندارد.

این خصلت در علامه بود که اگر می‌دید کسی واقعاً به دنبال پاسخ مطلبی است و تحقیق می‌کند بسیار باسعه صدر و بردباری پاسخگوی او می‌شد و تمام و کمال و با همه وجود او را در راه کسب آنچه به دنبالش است، کمک می‌کرد و وقت خود را در اختیارش قرار می‌داد. بر خورد ایشان در جلسات داوری و قضاوت بین مراجعه‌کننده‌ها کمی با جدیت بیشتری بود که در این موارد رأی خود را صادر می‌کردند و اطاله کلام و جر و بحث را ادامه نمی‌دادند و از مراجعه‌کننده‌ها می‌خواستند که به این رأی بدون چون و چرا عمل شود.



ایشان بود که حاضر نشدند از انبارهای دیگری استفاده کنند و دستور دادند که فرش‌ها را جمع کنیم و از خود سالن و حتی مسجد حوزه علمیه آیت‌الله کرمی به عنوان انبار استفاده کنیم و این کار از اوج و اجابت است. کار توزیع اقلام و مواد خیلی منظم و منسجم شد و از جاهای زیادی از کل کشور کمک‌رسانی می‌شد و تا سال ۶۳ حدود سه سال و نیم این امر ادامه داشت و این ستاد فعالیت خود و خدمت‌رسانی به جنگ زدگان را با کمک‌رسانی مردمی و وجوهات شرعی ادامه می‌داد. در مورد پاکیزگی فضای داخلی حوزه علمیه بگویم که هر روز از طلبه‌ها می‌خواستند حجره‌های خود را جارو کرده و مرتب کنند و گاهی به طبقه بالا می‌رفتند و حجرات طلاب را بررسی می‌کردند که مرتب باشد و حتی ظروف غذای آنها را چک می‌کردند.

علامه کرمی در زمان مراجعه‌شان به قم بنده را مکلف می‌کردند که مسئول حوزه علمیه ایشان باشم و می‌گفتند حساب‌های مالی باید بسیار دقیق و واضح مکتوب شود. شخصی که پرداختی دارد را باید قبض بدهید و مبلغ داده شده و موضوع آن به تفکیک و توضیح بنویسید که خمس است، زکات و یا... و یا به صورت امانی دریافت کنید که به دست آیت‌الله کرمی برسد و این در قبض صادر



**این خصلت در علامه بود که اگر می‌دید کسی واقعاً به دنبال پاسخ مطلبی است و تحقیق می‌کند بسیار باسعه صدر و بردباری پاسخگوی او می‌شد و تمام و کمال و با همه وجود او را در راه کسب آنچه به دنبالش است، کمک می‌کرد و وقت خود را در اختیارش قرار می‌داد. بر خورد ایشان در جلسات داوری و قضاوت بین مراجعه‌کننده‌ها کمی با جدیت بیشتری بود که در این موارد رأی خود را صادر می‌کردند و اطاله کلام و جر و بحث را ادامه نمی‌دادند و از مراجعه‌کننده‌ها می‌خواستند که به این رأی بدون چون و چرا عمل شود.**

● از دوران همنشینی و مصاحبتی که با علامه شیخ محمد کرمی داشته‌اید، بفرمایید؟

اولین دیدار بنده با علامه شیخ محمد کرمی در سال ۴۷ شمسی، در زمان وفات والد ایشان شیخ محمدطه کرمی بود. تا قبل از آن، ایشان را ندیده بودم و فقط اسمشان را جزء شخصیت‌ها و علمای برجسته و انسانی وارسته شنیده بودم. مراسم ختم پدرشان در ماه محرم بود. به همراه پدر و جمع زیادی از آشنایان که حدود ۵۰۰ نفر می‌شدند خدمت علامه رسیدیم که به ایشان عرض تسلیت بگوییم. علامه شیخ محمد کرمی دم در نشسته بودند. ایشان صاحب عزا بودند و مرحوم آیت‌الله بهبهانی و مرحوم آقای نبوی بعد از ایشان و شیوخ بنی‌انصار و علمای دیگر و نمایندگان مراجع تقلید از اقصی نقاط کشور برای عرض تسلیت در مجلس حضور داشتند و بعد از ایشان نشسته بودند. بنده خدمت ایشان رسیدم و عرض ادب کردم. علامه کرمی در نسب‌شناسی و حافظه تصویری بسیار توانمند بودند و به محض اینکه بنده را دیدند گفتند که شما پسر سید هادی هستید. پدر بنده، سید هادی از بزرگان و علمای منطقه لشکرآباد اهواز بود که مردم منطقه ارادت خاصی به ایشان داشتند.

در خصوص اولین دیدارم با محمدطه کرمی نیز ذکر خاطره‌ای خالی از لطف نیست. سال‌های ۴۳ و ۴۴ شمسی بود که حدود ۳۰ نفر از اهالی علم مدرسه علمیه آیت‌الله انصاری درخواست کرده بودند شیخ محمدطه، پدر شیخ کرمی را ملاقات کنند. پدر من سیدهادی شرایط این ملاقات را فراهم کرده و با دعوت از شیخ محمدطه به منزلشان، این دیدار صورت گرفت. پدر بنده سید هادی ارادت خاصی به علما داشتند و همیشه خدمتگزاری برای علم بودند.

● اولین اقدام علامه شیخ محمد کرمی در اهواز چه بود و چه چیزی را در اولویت امور خودمی‌دانستند؟

مرحوم علامه شیخ محمد کرمی در سال ۴۷ که به اهواز تشریف آوردند، اولین صحبتشان این بود که من تاجر یا کاسب بازاری نیستم. خیاط و یا کشاور نیستم و اگر اصراری برای ماندن بنده در اهواز هست و می‌خواهید که

حجت‌الاسلام سید ناصر موسوی اذعان کرد

## همنشینی از جنس مردم

حجت‌الاسلام سید ناصر موسوی، از جمله همراهان و شاگردان علامه محمد کرمی بوده است. در گفت‌وگویی که با تحریریه رایجه داشت، در خصوص روزهای آغازین حضور علامه و فعالیت ایشان در اهواز سخن گفت. از روزهایی که علامه در هشت سال دفاع مقدس، پا به پای مردم استان خوزستان در مناطق جنگی و خط مقدم جبهه حضور یافته بود. از روزهایی که تصمیم گرفت مسجد و حوزه علمیه‌ای ساخته شود.

تلف نمی‌کردند. فقط در حد ادای واجب در آن مراسم حضور پیدا می‌کردند. یا اینکه در حد قرائت فاتحه‌ای بود یا صحبت کوتاهی و ادای حق مطلب و زمان را به بطالت نمی‌گذراندند. اصرار بسیاری داشتند برای صرف غذا جایی نمانند و به طور اخص در مراسم ختم به هیچ وجه برای ناهار یا شام جایی نمی‌ماندند و به عرض تسلیت و قرائت فاتحه اکتفا می‌کردند. تفاوتی هم نداشت مراسمی که به آن دعوت می‌شوند مربوط به چه شخصیتی باشد. در ارتباط با شیوخ منطقه و بزرگان تأثیرگذار در طوایف نیز علامه کرمی همیشه آنها را به تقوا و خوش‌برخوردی با مردم دعوت می‌کرد و دستگیری فقرا را همیشه به آنها سفارش می‌کرد و بحث اخلاق را همیشه برای شیوخ و بزرگان در اولویت می‌دانستند و خود علامه شیخ کرمی نیز همیشه بدون واسطه و بسیار صمیمی با مردم و شیوخ و بزرگان طوایف ارتباط داشتند. به همین خاطر ارتباطشان هیچ وقت دچار حاشیه نمی‌شد و در چشم علامه کرمی، شیخ و بزرگ و کوچک یکی بودند. روزی چند نفر از شیوخ منطقه خدمت علامه کرمی رسیدند و گفتند تصمیم داریم برای راحتی ایاب و ذهابتان وسیله نقلیه‌ای برای شما تهیه کنیم. علامه کرمی با این تصمیم آنها مخالفت کرده و گفتند به وسیله نقلیه نیاز ندارم. وسیله همیشه برای رفت و آمد هست و اگر هم نیاز شد تا کسی می‌گیرم و به مسجد می‌روم. این پول‌ها را خرج فقرای نزدیک و فقرای طایفه و خانواده‌های خود کنید. این کار روا تر است.

● نوع رابطه علامه شیخ محمد کرمی و برخورد ایشان با روستاییان و مردم حاشیه‌نشین چگونه بود؟  
در حدود سال ۵۴، ۵۵ شمسی بود که حاج محمد چنانه، از بزرگان منطقه خوزستان علامه شیخ محمد کرمی را به روستایی در نزدیکی شوش دانایل دعوت کردند و راهنما و راننده‌ای را خدمت علامه شیخ محمد کرمی فرستادند. من همراه ایشان بودم. زمانی که آنجا رسیدیم در فاصله قابل توجهی از ورودی روستا جمعیتی را دیدیم که با سلام و صلوات به استقبال علامه آمده بودند.  
علامه شیخ محمد کرمی پرسید این جمعیت

ابتدایی بودم. عرض ادب و سلام کردم. ایشان قامت راست کردند، ایستادند و مرا بوسیدند و گفتند که پسر سید هادی هستی! این دیدار را از پدر علامه محمد کرمی به خاطر دارم.

### ● علامه شیخ محمد کرمی اهتمام زیادی به بحث تبلیغ و تدریس داشتند، شیوه عملکرد ایشان در این زمینه چگونه بود؟

علامه شیخ محمد کرمی در تعطیلات و زمان‌هایی که دروس حوزه تعطیل می‌شد حتی در شرایط سخت آب و هوایی و گرمای خوزستان و زمان‌هایی که هنوز روستاها برق و آب مناسبی نداشتند به این مکان‌های نامناسب سفر می‌کردند و ادای واجب و امر تبلیغ را با جدیت حتی در نوار مرزی و دشت آزادگان، هویزه و مکان‌های جنوبی و جنوب غرب کشور پیگیری می‌کردند.

علامه شیخ محمد کرمی در هویزه نیز منزلی داشتند که پر رفت و آمد بود و مردم آن مناطق به ایشان مراجعه می‌کردند و حتی در زمان غیاب علامه کرمی ایشان افرادی را به نمایندگی از خود قرار داده بودند برای برطرف کردن مسائل مربوط به مردم آن مناطق. مردم هم در مقابل به این افراد اعتماد داشتند و احترام بسیاری را برای نمایندگان علامه شیخ محمد کرمی قائل بودند. میان تیترت (قابل ذکر است که ریاست دادگستری وقت گفته بودند زمانی که آیت‌الله محمد کرمی در منطقه حضور دارند و به این مناطق می‌آیند، ما خیالمان از بابت خیلی مسائل راحت و آسوده است و حتی در زمان سرکشی علامه به این مناطق درگیری هم به وجود نمی‌آمد و مشکلات بسیار کم می‌شد. این به دلیل اعتماد و اعتقاد بسیار مردم به آیت‌الله کرمی است و همیشه حرف‌های ایشان پر از نکات و دروس اخلاقی زیادی بود که تأثیر بسزایی بر مردم داشت.

### ● علامه شیخ محمد کرمی در برخورد با نسل جوان و تعامل‌های اجتماعی چگونه الگوسازی مناسبی داشتند؟

در برخورد علامه شیخ کرمی با مردم و در ملاقات مردم و مراجعه به آنها برای مراسم یا دعوت خاص شاهد این مساله بودیم که بسیار اهل مدیریت زمان بودند و بیهوده وقت خود را

اینجا بمانم، باید بگویم کار من در حوزه مسائل علمی است. اینگونه بود که پس از حضورشان در اهواز و ماندگار شدنشان تصمیم به تأسیس این حوزه علمی گرفتند. این مکان سابق بر این ساختمان قدیمی بود که در ورودی اتاقی داشت و خود علامه شیخ محمد کرمی در آن مستقر بودند. همیشه در زاویه‌ای می‌نشستند که تسلط کافی بر تردد و محیط حوزه داشته باشد. روی ایشان همیشه به سمت حیاط بود و به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند طلاب متفرق شوند یا بی‌دلیل از حوزه علمی خارج شوند و به سختی اجازه خروج به طلاب می‌دادند. همیشه آنها را به بحث و گفت‌وگو در درس تشویق می‌کردند و احترام بسیار ویژه‌ای برای طلاب اهل درس قائل بودند و طلابی که تلاش و جدیت بیشتری در امور درسی نشان می‌دادند را با احترام و توجه ویژه‌ای مدنظر قرار می‌دادند. علامه شیخ محمد کرمی در بحث کلاس‌های تدریسشان بسیار دقیق و جدی بودند و تأکید می‌کردند حین تدریس، شخصی وارد کلاس ایشان نشود.

### ● در خصوص مرادات و ارتباطی که علامه شیخ کرمی با اطرافیان داشتند، اشاره‌ای کنید؟

مرحوم حاج کاظم عیبات و مرحوم حاج سعد جادری از باران دیرینه پدر بنده بودند و از ایام کودکی با هم نشست و برخاست داشتند. روزی به همراه آنان خدمت والد مرحوم علامه محمد کرمی رسیدیم. در خانه ایشان یک قسمت اندرونی و یک قسمت بیرونی بود. اتاق پذیرایی داشتند و اتاقی کنار آن که ما وارد حیاط شدیم و به واسطه مرید ایشان مرحوم ملا محمد حاج سلمان اجازه گرفتیم که ملاقاتی با شیخ محمد طه کرمی داشته باشیم. هوا سرد بود و بخاری علاءالدین کوچکی در وسط اتاق و ظرف پر از آب جوشی همراه با برگ‌های اکالیپتوسی روی آن بود. منقل کوچکی هم جلوی ایشان روشن بود که روی آن دله قهوه‌ای گذاشته بود و چای هم به راه بود. در حال مطالعه کتاب بودند و چراغ کوچکی بالای سر ایشان روشن بود.

وقتی خدمت ایشان رسیدیم، لباس زمستانی گرمی به تن داشتیم و هوا هم بسیار سرد بود. وسایل گرمایشی هم مثل الان نبود. کت و شلوار به تن داشتیم. کلاس دوم یا سوم



### در برخورد علامه شیخ کرمی با مردم و در ملاقات مردم و مراجعه به آنها برای مراسم یا دعوت خاص شاهد این مساله بودیم که بسیار اهل مدیریت زمان بودند و بیهوده وقت خود را تلف نمی‌کردند. فقط در حد ادای واجب در آن مراسم حضور پیدا می‌کردند



برای چه آمده؟! خدمتشان عرض کردم برای استقبال از شما. به راننده گفتند همین جا که هستیم نگه دار. اینها اینگونه به من احترام می‌گذارند و صحیح نیست من سوار ماشین به پیششان بروم و پیاده به سمت جمعیت رفتند. آنجا که رسیدیم تشکی زیر پای علامه شیخ کرمی گذاشتند ولی ایشان حاضر به نشستن روی آن نشد و همانند دیگران بر زمین نشستند. از من پرسید محل درآمد و شغل مردم این روستا چیست؟

برای علامه شیخ کرمی توضیح دادم کشاورزی - تولید گندم و جو - دارند و دامداری می‌کنند. آیت‌الله شیخ محمد کرمی گفتند بلندگویی به من بدهید و شروع کردند به توضیح مسائل شرعی در رابطه با کشت و زرع مربوط به آن روستا و بسیار دقیق و با تفصیل. آن گونه که راجع به کشت دیم یا کشت آبی صحبت می‌کردند تصور می‌شد علامه کرمی سال‌ها کشاورز بوده‌اند. از زکات دام‌ها و ... گفت و مسائل شرعی را بسیار ساده و با زبانی شیوا بیان کردند.

و مدرسین قم برای بازدید به خوزستان آمده بودند و با علمای خوزستان دید و بازدیدهایی داشتند. بنده هم به عنوان یکی از مردم استان خوزستان، ایشان را دعوت کردم. آیت‌الله موسوی تبریزی از من خواستند وقت دیداری را با علامه شیخ محمد کرمی برای ایشان هماهنگ کنم. به ایشان قول این ملاقات را دادم.

صبح فردای آن روز ساعت حوالی هفت بود که خدمت علامه رسیدم. با لحنی صمیمی به من گفتند چه خبر شده آقا سید؟ کاری با من داری؟ خدمت ایشان گفتم آقای موسوی تبریزی تمایل دارند دیداری با شما داشته باشند. واکنش علامه شیخ محمد کرمی به من این بود که سید حسن را می‌گویی؟ گفتم بله. گفتند مبدا تو از آنها خواسته باشی که بیایند و مرا ملاقات کنند؟ تو که چیزی نگفته‌ای؟ پاسخ دادم خیر. ایشان خودشان تمایل داشتند با شما ملاقات کنند. علامه کرمی گفتند برای ساعت ۹ با ایشان هماهنگ کنید که تشریف بیاورند.

علامه همیشه در وقت و زمان و تعیین وقت

**خاصی نسبت به رعایت اخلاق داشتند، در این باره مطلبی هست که به آن اشاره کنید.**

بله. علامه در بحث اخلاق بسیار سرآمد بودند و تأکید خاصی بر مسائل اخلاقی داشتند. عرف جامعه و اجتماع را بسیار خوب و دقیق می‌شناختند و با آن تعامل مناسبی داشتند. آیت‌الله کرمی در اواخر عمر پربهرکشان مشکل شنوایی پیدا کردند و برای اینکه بتواند بهتر بشنود همیشه هنگام گوش دادن زیر گوششان و سمعکشان را فشار می‌دادند که شنوایی‌شان بهتر شود. نسبت به جوانان و مراجعینی که جوان بودند بسیار اخلاق پسندیده و متفاوتی داشتند. همیشه رفتار علامه شیخ محمد کرمی برای جوانان ایجاد جاذبه می‌کرد و آنها شیفته علامه فرهیخته می‌شدند.

علامه شیخ محمد کرمی می‌گفتند اگر جوانان جذب شوند باعث می‌شوند اطرافیان خود را که جوان و همسن و دوست آنها هستند را به راه درست هدایت کنند و این امر باعث جذب جوانان بیشتر و همراه شدن آنها به سمت راه راست و درست می‌شود.

یادم هست آیت‌الله موسوی تبریزی از علما

**● اگر خاطره‌ای از ایشان دارید، بفرمایید؟**

نکته جالبی را در رابطه با خیاطی ایشان بگویم که علامه شیخ محمد کرمی برای دوخت قبا پیش او می‌رفتند. خیاط می‌گفت علامه هر هفت سال یا هشت سال علامه شیخ محمد کرمی پیش من می‌آمدند و اصلاً اهل تجملات نبودند که مرتب قباهای نو بدوزند و به همان قبای مرتب و آراسته خود بسندند می‌کردند.

علامه شیخ کرمی به هیچ وجه از اموال شرعی و جوهرات شرعی برای خود استفاده نمی‌کردند و از همان زراعتی که داشتند امرار معاش می‌کردند. با اینکه از مراجع بزرگی مانند آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خوئی اجازه این کار را دریافت کرده بودند و پس از آن هم خودشان به مرحله مرجعیت رسیده بودند. اما دخل و تصرف در وجوهرات را جایز نمی‌دانستند و فقط به عنوان یک امانت‌دار امین و متعهد با این نوع اموالی که به ایشان می‌رسید برخورد می‌کردند و همیشه سعی داشتند در صحیح‌ترین راه مصرف شوند.

**● گویا علامه شیخ محمد کرمی، اهتمام**

دارد و کمربند ابوالفضل عباس(س) را به کمر بسته! به شما اجازه توهین به اعلی حضرت همایونی شاهنشاه رانمی دهیم.

علامه محمد کرمی در پاسخ به تیمسار جعفریان گفتند ما بزید و معاویه‌ای بیش نمی بینیم و این برخورد نتیجه نوع عملکرد شماست و این بازو بند و کمربندی که از آن صحبت کردی ساختگی است و هیچ اعتباری ندارد.

- تیمسار جعفریان به تهدید گفت من جلسه‌ای در هفت تپه دارم. می‌روم و در بازگشت اگر اینجا بودید و دست از تحصن برداشتید عباسیه را به خاک و خون می‌کشم.

- علامه کرمی گفتند اگر توانستی برگردی، برگرد. ما از اینجا خارج نمی‌شویم و مردم با شنیدن تجمع ما قطعاً به این سمت روانه می‌شوند.

- تیمسار جعفریان گفت این مسئله را به تهران تلگراف می‌کنم، که علامه کرمی از قبول حرف ما سرباز می‌زند.

- علامه کرمی هم پاسخ دادند، نه تو نه حرف بزرگ‌تر از تو را قبول نمی‌کنم.

آیت‌الله مروج نیز راجع به این اقدام علامه کرمی با سران حکومتی و لشکری گفتند «حرف شیراز دل شیر بود.»



### سال ۱۳۵۷ بود

#### که تظاهرات

#### مردمی ضد

#### شاهنشاهی

#### زیاد شده بود،

#### علامه محمد

#### کرمی همیشه

#### کنار مردم

#### بودند

**توضیحی بفرمایید؟**  
سال ۱۳۵۷ بود که تظاهرات مردمی ضد شاهنشاهی زیاد شده بود، علامه محمد کرمی همیشه کنار مردم بودند. در اهواز و در زمان استانداری سپهبد جعفریان، حادثه وحشتناکی در محاصره علماء و رجال دینی متحصن و محاصره شده در عباسیه اهواز رخ داد. در آخرین روزهای محرم و صفر، رژیم شاهنشاهی و دستگاه‌های آن نظام فاسد، در آستانه دهه عاشورا اعلام کرده بودند هر کس در مجلس و محفلی بخواهد اقامه سوگوازی کند باید به شهربانی مراجعه کند و از آن مقام مجوز بگیرد و گرنه اجازه روضه‌خوانی به او داده نخواهد شد.

باید مشخصات صاحب عزاداری، ساعت برگزاری و مخصوصاً این که خطیب چه کسی باشد و چه بگوید و چه نکوید و امثال این مسائل اعلام می‌شد. لهذا حضرت امام اطلاعیه دادند هیچ کس از ملت ایران حق ندارد برای برپایی عزاداری امام حسین(ع) از رژیم شاه اجازه بگیرد. در نتیجه مجالس روضه‌خوانی تعطیل و درهای مجالس عزاداری بسته شد.

برای مقابله با این رویداد، جامعه روحانیت اهواز تصمیم گرفت با شرکت دسته‌جمعی در یکی از مجالس عمومی اهواز، درهای روضه‌خوانی را به روی مردم باز کنند و حریم دستگاه شاهنشاهی را بشکنند

سال ۱۳۵۷ بود که تظاهرات مردمی ضد شاهنشاهی زیاد شده بود، علامه محمد کرمی همیشه کنار مردم بودند. این جوش مردمی را همراهی علامه محمد کرمی قوام می‌داد و تظاهرکنندگان علیه رژیم ستم‌شاهی را قوت قلب بود.

در یکی از روزهای اواخر دوره پهلوی که تجمع روحانیون اهواز در عباسیه بود، استاندار وقت تیمسار بقراط جعفریان، با هیبت لشکری آمد که اعلام حضور کند. با این عنوان که من استاندار این منطقه هستم، پالتوز مستانی پراز مدالی داشت و با چکمه سوار و تازیانه به دست آمده بود. بدون سلام وارد شد، با پر خاش گفت آقایان برای چه اینجا نشستند؟

تحصن شما چه دلیلی دارد؟ می‌دانید

با که در مبارزه هستید؟ با چه کسی

دست و پنجه نرم می‌کنید؟

کسی که بازو بند امام رضاع) را



ملاقات‌ها دقیق و منظم بودند و تأکید ویژه‌ای داشتند که همه کارها منظم و سر وقتشان انجام شود. اگر کسی سر ساعت مقرر با ایشان حاضر نمی‌شد بعد از آن او را نمی‌پذیرفتند. قبل از ساعت ۹ بود که رسیدیم. علامه شیخ محمد کرمی مشغول تدریس به طلاب و دانشجویان بودند و ما قدری در مسجد نشستیم که منتظر ایشان باشیم. آیت‌الله موسوی تبریزی از من پرسیدند که آقا توانایی تدریس را در این سن دارند؟ گفتم بله و خدمت علامه رسیدیم. آیت‌الله تبریزی بعد از احوالپرسی گفتند الحمدلله می‌بینم که وضع سلامت شما مساعد است و مشغول تدریس هستید. علامه کرمی در جواب گفتند آقا سید مگر کار من غیر از تدریس است؟ نه کاسبم و نه مغازه‌دار. این طلاب برای طلب علم به دنبال دستگیری هستند و من هم دستگیر درس این طلاب شدم.

● علامه شیخ محمد کرمی همیشه کنار مردم بوده‌اند، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز کنار آنها بوده‌اند، در این باره

کاملہ بوعدار تصریح کرد

## ابوالاحرار؛ کتابی بامخاطب اعتقادی-فرہنگی

علامہ جلیل القدر محمد کرمی، در کتاب «ابوالاحرار؛ حسین بن علی (ع)» با تاکید بر اینکه این کتاب برای گروه خاصی نوشته نشده و مخاطب آن همه انسان‌ها با هر اعتقاد و فرهنگی هستند، تلاش کرده از امام حسین (ع) نه به عنوان فرزند نبوت و امامت بلکه به مثابه انسانی که خود را در پرتو اخلاق فاضله شناخته و پرورش داده است سخن بگوید. کاملہ بوعدار، دانش آموخته علوم قرآن و حدیث در گفت و گو با تحریریه نشریہ رایجہ با تاکید بر اینکه این کتاب از مهمترین کتب علامہ کرمی است، به تفصیل درباره این کتاب پرداخته است.

را در جامعه اسلامی آن روز در بحث سقیفه، شورای شش نفره، جنگ جمل، صفین و نهروان بیان و تحلیل می‌کند.

این بخش به گفته علامه خلاصه‌ای از کتاب‌های ایشان به نام‌های «نتایج الفکر»، «الحیاه الروحیه» و «بحوث و آراء» است. می‌گوید آنچه در این کتب در بحث خلافت و سقیفه نوشته است، در دیگر کتب نیست و براساس روش خاص خود علامه و مبتنی بر تحقیق کامل در این زمینه است. در این بخش تصریح می‌کند اصل حرکت سقیفه برخاسته از غرض‌های شخصی و رقابتی دنیایی بود و پس از آن با بررسی گفت و گوی شیخین و انصار در سقیفه، تحلیل خود را درباره استدلال‌های دو طرف برای تصدی مقام خلافت شرعی بیان و آنها را رد می‌کند. می‌نویسد از نخستین روزهای سقیفه، دین حقیقت و ماهیت خود را از دست داد و عنوانی تهی از محتوا شد.

● دلیل مطرح شدن مسائلی همچون سقیفه و ماجراهای مشابه دیگر و آن هم به تفصیل چیست؟

دلیل اینکه علامه شیخ محمد کرمی در کتابی که موضوع آن امام حسین (ع) است به تفصیل از سقیفه و شوری و ماجراهای پس از آن سخن می‌گوید این است که ایشان معتقد است، شکل‌گیری سقیفه بایی برای بدعت‌ها گشود و فرصت‌طلبی‌های آن به تدریج زمینه را برای افراد فرصت‌طلب و بروز رفتارهایی چون دروغ و تزویر و نیرنگ و... در جامعه آن روز فراهم کرد و بررسی حادثه عاشورا بدون دیدن این پیش زمینه کامل نیست.

ابوالاحرار سرشار از تحلیل‌ها و بررسی عمیق و دقیق در اطراف رویدادهای سقیفه و بعد از آن است. در این کتاب حادثه عاشورا حلقه‌ای از حلقه‌های رویارویی حق و باطل است با این تفاوت که قساوت‌ها و جنایاتی که در حق حضرت سیدالشهدا (ع) انجام شد در تاریخ بشری بی‌مانند است.

● فصل اول این کتاب مقدمه‌ای مفصل دارد، پس از آن چه چیزی پررنگ بوده و خودنمایی می‌کند و با آن رو خواهیم شد. فصل اول کتاب «ظاهرة الحیاه فیمن طلع

مباحث کتاب خود را در مقدمه طرح می‌کند و توضیح می‌دهد اگر فضای تفکر برای انسان فراهم باشد و او را به خود واگذار کنیم، آزادی را بر بردگی، سلامتی را بر بیماری، آسایش را بر رنج، امانت را بر خیانت، احسان را بر بدی، تواضع را بر تکبر و... ترجیح می‌دهد.

به عبارتی عقل بشری هر چیزی را که بنیان زندگی او را می‌سازد بر موانع و عوامل مزاحم آن ترجیح می‌دهد و به این شکل به سمت اعتدال و سطوح بالای سلامتی و خیر حرکت می‌کند. علامه کرمی تحقق این امر را بر اساس تعقل ممکن می‌داند. به صراحت می‌گوید: «میان تیتیر» عدم تعدی یک انسان به انسان دیگر نیازی به تفکر ندارد، آنچه احتیاج به تفکر دارد چرایی تعدی است و این مفهوم ساده از بشریت و این شعور نزد همگان وجود دارد؛ اما متأسفانه در مرحله عمل این شعور به ندرت یافت می‌شود.

● شیوه تحلیل و تحقیق مسایل از دید علامه کرمی چگونه است؟

علامه کرمی در ادامه دلایل این مسأله را که چرا اثر عقل را در طول تاریخ نمی‌بینیم بررسی می‌کند و میان تیتیر «از مزاحمت هوای نفس و به زمین زدن عقل توسط انسان به دلیل پیروی از هوای نفس سخن به میان می‌آورد و بیان می‌کند چگونه اصرار بر جهل، پیروی از خیال، توهم جاه و مقام و طمع انسان را در روی عقل قرار می‌دهد و عناد با حق شکل می‌گیرد.

در ادامه جایگاه عقل را - که آن راهسته مفهوم بشریت و اساس ساختن جامعه بشری می‌داند - در مقابله بین هابیل و قابیل، نوح و قومش، هود، صالح، ابراهیم، شعیب، لوط، موسی، عیسی و قومشان بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه انبیا در دعوت به خالق جهان، روشنگری درباره مبدأ و معاد، عدالت و دیگر آموزه‌ها به مقتضای عقل و شعور انسانی عمل کردند اما انگیزه قوم آنها در مخالفت چیزی به جز حسد، جهل، تقلید کورکورانه، خودخواهی، تعصب و خودبرتربینی نبوده است.

علامه کرمی در ادامه این بحث آنچه بر حضرت محمد (ص) در مقابله با ابوجهل و امثال او گذشت توضیح می‌دهد و پس از آن با تفصیل بیشتری دشواری‌های دوران حضرت علی (ع)

● ابتدا شناسنامه‌ای از کتاب «ابوالاحرار؛ حسین بن علی (ع)» و مقدمه‌ای از هدف علامه شیخ محمد کرمی در تألیف آن را بیان کنید؟

کتاب «ابوالاحرار؛ حسین بن علی (ع)» کتابی استوار و ارزنده در باب عاشورا و زمینه‌های آن، از آثار علامه شیخ محمد کرمی همچون دیگر کتب علامه به زبان عربی نوشته شده است. این کتاب بعد از مقدمه فرزند علامه (شیخ ناصر کرمی) و زندگی‌نامه مختصر مؤلف، مشتمل بر یک مقدمه ۷۵ صفحه‌ای و ۱۰ فصل است؛ علامه کرمی در مقدمه خود بر این کتاب درباره هدفش از نگاشتن کتاب می‌نویسد: «میان تیتیر کتاب «ابوالاحرار» برای گروه و مذهب خاصی نیست؛ بلکه جایگاه چنین بحثی را فراتر از این و طرح آن را در راستای تشکیل جامعه بشری مبتنی بر شرافت و تعقل لازم می‌داند.

علامه کرمی در توضیح اینکه چرا کتاب خود را به «امام حسین (ع)» اختصاص می‌دهد، توضیح می‌دهد که ما ایشان را نشانه آزادی‌های واقعی قرار دادیم؛ چرا که نهضت امام به جهت شهامت‌های خارق‌العاده از یک سو و مصیبت‌های فراوان از سوی دیگر در نوع خود نهضتی بی‌مانند است.

● در مقدمه‌ای که علامه کرمی بیان می‌کنند محور اصلی و پایه‌ریزی شده برای مباحث کتاب چیست؟

گام‌ها و مراحل که علامه کرمی برای تحقیق و تبیین این موضوع طی می‌کند، ساختار کتاب را شکل می‌دهد. ایشان در یک نگاه کلی مفهوم بشریت را تعریف می‌کند؛ از نظر علامه مفهوم بشریت عبارت از درک نیکی‌ها و به کارگیری آن‌ها در زندگی و طرد بدی‌ها از ساحت انسان است و عقول بشری در این معیار با یکدیگر اختلاف ندارند.

علامه کرمی در ادامه موانع تحقق آرمان بشریت را بررسی می‌کند که مهم‌ترین آن به عقیده او زیر پا گذاشتن تعقل است. در مقدمه برای ورود به بحث، مقابله بین حق و باطل را در طول تاریخ بر اساس قصص قرآن کریم و تاریخ اسلام بررسی می‌کند و جایگاه عقل را در این مقابله تبیین می‌کند.

در حقیقت علامه کرمی پایه‌ریزی اصلی



### دلیل اینکه علامه شیخ

### محمد کرمی

### در کتابی که

### موضوع آن امام

### حسین (ع)

### است به تفصیل

### از سقیفه

### و شوری و

### ماجرای پس

### از آن سخن

### می‌گوید این

### است که ایشان

### معتقد است،

### شکل‌گیری

### سقیفه بایی

### برای بدعت‌ها

### گشود و فرصت

### طلبی‌های آن

### به تدریج زمینه

### را برای افراد

### فرصت‌طلب و

### بروز رفتارهایی

### چون دروغ و

### تزویر و نیرنگ

### و... در جامعه

### آن روز فراهم

### کرد



بظاهرة البشرية» نام دارد. در این فصل علامه کرمی درباره نقش اقلیت آگاه و بیدار و همچنین نقش اکثریت در ترسیم جامعه بشری می‌نویسد و به عنوان نمونه به روشنگری‌های اصلاح‌گراانه پیامبر اسلام (ص) و همچنین امام علی (ع) در جامعه آن روز می‌پردازد.

آیت‌الله کرمی در این فصل سخن خود را در باب امام حسین (ع) آغاز می‌کند. در این فصل شرایطی را که امام با آن مواجه بود ترسیم می‌کند؛ روزگاری که خالی از حمزه و جعفر و علی و عمار و ابودر و امثال آنهاست و افرادی در رأس امور مردم قرار گرفته‌اند که تاریخ جنایات آنها را ثبت کرده است؛ افرادی چون معاویه و ولید بن عقبه و یزید و...

نویسنده در ادامه مباحث جالبی را در باب هدف مقررات دین و اینکه چه کسی شایسته عنوان مسلمانی است، طرح می‌کند و می‌نویسد اطلاق عنوان مسلمانی بر یزید و عبیدالله زیاد و... همان چیزی است که اسلام را از بین برد و راه را برای اهل بدعت و افرادی که ذیل عنوان مسلمانی، مقاصد پنهانی خود را دنبال می‌کنند باز کرد.

در این فصل علامه نظر خود را درباره هدف حرکت امام حسین (ع) بیان می‌کند. نظر گروهی که معتقدند امام حسین (ع) در پی دعوت کوفیان و برای خلافت حرکت خود را آغاز کرد نقد می‌کند.

استدلال علامه این است که امام قضایای اهل کوفه در ارتباط با پدر و برادرش را تجربه کرده است و به اشارات مستقیم و غیر مستقیم امام به شهادتش در طول مسیر استناد می‌کند و می‌نویسد امام برای احقاق حقی که در معرض نابودی قرار گرفته است، خروج کرد. در صفحه ۱۱۶ کتاب اظهار می‌کند سیره امام سند محکمی است که نشان می‌دهد او به جد به این نکته آگاه است که با نهضت خود کار یزید تمام نمی‌شود، اما با شهادتش برای یزید و دیگران خطوط آشکار فضیلت و برتری خود را ترسیم کرد و ثابت کرد آنها دشمنان اسلام و انسانیت و همراهانشان پشتیبان باطل هستند.

علامه کرمی با تاکید مجدد بر اینکه این کتاب برای گروه خاصی نوشته نشده و مخاطب آن همه انسان‌ها با هر اعتقاد و فرهنگی هستند، تلاش کرده است از امام حسین (ع) نه به عنوان

فرزند نبوت و امامت بلکه به مثابه انسانی که خود را در پرتو اخلاق فاضله شناخته و پرورش داده است سخن بگوید.

#### ● در فصول ابتدایی پس از تعریف مسلمان و تبیین خیر و شر روند تحلیلی کتاب به کدام سو کشیده می‌شود؟

فصل دوم کتاب انگیزه‌های نهضت نام دارد که علامه کرمی در آن تفاوت تربیت اسلامی را با بیان نمونه‌هایی از سیره پیامبر (ص)، امام علی (ع) و امام حسین (ع) با روش دشمنان آنها بیان می‌کند. فصل سوم نشانه‌های آغاز نهضت حسینی است. از این فصل گزارش تاریخی کتاب در ارتباط با وقایع پیش از عاشورا همچون مرگ معاویه و بیعت گرفتن برای یزید شروع می‌شود. فصل چهارم خلافت و حکومت نام دارد. در این فصل علامه سه پرسش طرح می‌کند؛ خلافت چیست و نیازمند چه صلاحیت‌هایی است؟ یزید بن معاویه کیست؟ و در آخر حسین (ع) کیست؟ او در این فصل توضیح می‌دهد اطلاق کلمه خلیفه تنها با ملاحظه دین و شریعت

صحیح است و در پاسخ به دو سؤال دیگر نیز بحث‌های تحلیلی ارائه می‌کند. در فصل پنجم به موضوع عاشورا و انگیزه‌های قیام حضرت اباعبدالله (ع) می‌پردازد.

#### ● روشی که علامه محمد کرمی در گزارش تاریخی و تحلیل آن دارند چگونه است؟

روش علامه کرمی در کتاب ابوالاحرار به این صورت است که یک گزارش تاریخی از وقایع آن دوره ارائه می‌دهد و پس از آن به تحلیل دقیق حوادث و عملکرد شخصیت‌ها می‌پردازد. علامه در خلال این تحلیل‌ها با نکته‌سنجی و دقت خاص خود در مسائل، نکات بدیعی را در ارتباط با حوادث اطراف عاشورا فراروی خواننده قرار می‌دهد.

در رفتار حضرت اباعبدالله (ع) در طول مسیر حرکتش به سمت عراق دقیق می‌شود، روشنگری‌های امام را درباره پایان این حرکت به همراهانش، نشان می‌دهد و آن را رفتاری صادقانه و شجاعانه از سوی یک رهبر توصیف می‌کند و می‌نویسد: امام می‌خواست کسانی



بزرگ داشتند؛ یکی ضمیر (به عنوان منبعی برای شناخت) و دیگری هدف که فاقد آن بودند. سپس توضیح می‌دهد اگر آن‌ها ضمیر داشتند به اهل بیت (ع) تعدی نمی‌کردند و مرتکب این جنایت نمی‌شدند و اگر هدف داشتند متوجه می‌شدند این جنایات فراتر از هدفی است که آنها دنبال می‌کنند و آنچه آن‌ها در پی آن بودند بدون این فجایع هم به دست آمده بود. اگر هدفشان این بود که یزید بر سریر قدرت بنشیند و مردم امام را یاری نکنند این اتفاق افتاده بود، دیگر چه نیازی به قتل امام و یاران او بود؟ آتش زدن خیمه‌ها، غارت اموال آن‌ها، منعیان از آب و به اسارت بردن زنان و کودکان و گرداندن آن‌ها در کوچه‌ها برای چه بود؟ این‌ها همه از بیهودگی و بی‌هدفی آشکار این مردم نشئت می‌گیرد.

### ● نقاط ثقل تألیف کتاب ابوالحرار و وجهی که آن را نسبت به آثار مشابه متمایز می‌کند چیست؟

این کتاب ارزشمند آیت‌الله کرمی را باید در زمره آثار تحلیلی در حوزه تاریخ اسلام و عاشورا برشمرد؛ اثری که متأسفانه تاکنون ترجمه نشده و در بین محققان این عرصه شناخته شده نیست.

آنچه بر اهمیت این اثر می‌افزاید، تلاش آیت‌الله کرمی برای نشان دادن مطابقت حرکت حضرت سیدالشهدا (ع) با عقل است. با توجه به اینکه مبانی عقلی از مبانی مشترک در بین انسان‌ها هستند، با این روش می‌توانیم بیش از گذشته از فرهنگ عاشورا در هر مکتب و فرهنگی در جهان سخن بگوییم.

این زبانی است که امروز شیعه برای جهانی کردن معارف اسلام و تشیع سخت به آن نیازمند است؛ زبانی مشترک میان معتقدان همه ادیان و مذاهب و بلکه همه انسان‌ها.

کوشش علامه کرمی در این اثر می‌تواند الگوی موفقیتی برای این گونه سخن گفتن از امام حسین (ع) و عاشورا در سطح بین‌المللی باشد. البته شاید این مسیری باشد که کتاب «ابوالحرار» قدم‌های مؤثری را در آن برداشته باشد و باز هم می‌توان بیش از این، به زبان مشترک همه ادیان و فرهنگ‌ها در شناخت امام حسین (ع) و عاشورا نزدیک شد.

### ● تفاوت در نگاه و زاویه‌ای تحلیل وقایع چقدر در این کتاب مشهود است و چه نتایجی به دنبال دارد؟

این اثر دقیقاً به دلیل نگاه عقلی خود به حادثه عاشورا، حاوی نکات ارزشمند و مهمی برای امروز ما است که متأسفانه به دلیل ترجمه نشدن، در میان بسیاری از محققان و مبلغان شناخته شده نیست.

از جمله دیدگاه‌های جدید در کتاب ابوالحرار این است که به اعتقاد علامه کرمی هدف اصلی دشمنان امام حسین (ع) در جنایتی که مرتکب شدند، فراتر از به شهادت رساندن امام و یارانشان بود آنها به دنبال اشاعه رعب و ترساندن مردم اعم از موافقان و مخالفان حکومت یزید بودند.

علامه همچنین در بخش دیگری، مهلتی که حضرت اباعبدالله (ع) در شب عاشورا از دشمن می‌گیرد را به منظور تبیین موقعیت برای همراهانش می‌داند، بنا بر تحلیل علامه، امام حسین (ع) در این باره احساس مسئولیت می‌کرد و به صراحت از آن‌ها می‌خواهد از فرصت شب برای خارج شدن از کربلا استفاده کنند.

آیت‌الله کرمی در خطبه‌های یاران حسین (ع) نیز دقیق می‌شود و بر این اساس، ویژگی‌های آنان را تبیین می‌کند. در ادامه به تحلیل رفتار سپاهیان دشمن و توافق و اتحاد عجیبشان در تحقق خواسته یزید و ابن زیاد نیز می‌پردازد که جالب توجه است. در این تحلیل می‌گوید تجاهل در مورد حقیقت (خود را به نادانی زدن) چیزی است که این مردم را بازیچه عبدالله زیاد و امثال او کرد و آن‌ها را به نابودی کشاند و همه این برای آن است که عقل نزد آنها در جایگاه ضعیفی قرار گرفته و دچار بی‌فکری و افراطی‌گری شده بودند.

### ● علامه محمد کرمی چه چیزی را مسبب رفتارهایی همچون به آتش کشیدن خیمه‌ها و غارت اموال می‌داند.

علامه کرمی این تحلیل‌ها را پس از گزارش واقعه کربلا و نبردهای یاران امام و سپاهیان یزید ادامه می‌دهد و در بررسی رفتار سپاهیان یزید نکته زیبایی را در شناخت آنها به ما می‌گوید. می‌نویسد عمر سعد و سپاه او دو نقص



با ایشان همراه شوند که نسبت به آنچه پیش روی آن‌هاست علم داشته باشند و می‌افزاید اگر کسی غیر از امام بود، سعی می‌کرد برای حفظ جان خود با خدعه و نیرنگ مردم را در اطراف خود نگه دارد.

آیت‌الله کرمی در کتاب «ابوالحرار» با توقف در هر حادثه و گفت و گویی که در طول مسیر امام حسین (ع) اتفاق می‌افتد، زوایا و نکته‌های جدیدی درباره آن و در تحلیل رفتارها برای ما می‌گشاید.

از منظر عقل که آن را هسته اصلی در تعریف بشریت می‌داند، به این حادثه می‌نگرد و از کنار مسائل به سادگی عبور نمی‌کند. تحلیل‌های ایشان درباره رفتار امام حسین (ع) با کاروان حر ریاحی، سیراب کردن اسب‌هایی که بعدها در روز عاشورا بر بدن مبارک ایشان تاختند، دقت نظر در رفتار تحقیرآمیز عبیدالله بن زیاد در نامه‌نگاری‌اش با امام حسین (ع)، تأملاتش در خطبه‌های یاران، دلایل برخی رفتارهای امام در شب عاشورا و موارد دیگر در این کتاب بسیار خواندنی است.



### آیت‌الله کرمی در خطبه‌های

#### یاران

### حسین (ع) نیز

### دقیق می‌شود

### و بر این اساس،

### ویژگی‌های

### آنان را تبیین

### می‌کند. در

### ادامه به تحلیل

### رفتار سپاهیان

### دشمن و

### توافق و اتحاد

### عجیبشان در

### تحقق خواسته

### یزید و ابن زیاد

### نیز می‌پردازد

شیوه نگارش علامه

## تألیفاتی که تدریس و نقد شدند

به گفته بسیاری از هم‌نشینان و شاگردان علامه جلیل‌القدر، محمد کرمی شیوه نگارش کتب و تدریس این بزرگوار از خصوصیات بارز و قابل تاملی برخوردار بوده است. به گونه‌ای که در اغلب فصول و روزهای سال کلاسهای تدریس در حوزه علمیه برقرار بوده است.

علامه شیخ محمد کرمی علاوه بر تدریس و علم‌آموزی به دیگران، شیوه نقد و بررسی کتب را نیز در پیش گرفته بودند به گونه‌ای که چندین کتاب نقد و بررسی داشته‌اند. علامه در این زمینه ۲ شیوه را برگزیده بودند: روشی برای تدریس و تألیف انتخاب کردند و نقدی که بر تألیفات دیگران داشته‌اند. درباره برنامه و روش علامه کرمی برای تدریس و تألیف اینکه از کودکی همه کوشش و تلاش ایشان در راه کسب علم بوده و به همین منظور به دیار غربت مهاجرت می‌کنند تا با کیفیت بهتری بتوانند به تحصیل علم بپردازند تا اینکه در آن مقطع فردی شناخته شده شوند و ایشان را

جزء افراد بنام در این زمینه به شمار می‌آوردند. سپس عمل به این علم را شروع کردند که اساس علم، عمل به آن است و به تدریس و خطابه پرداختند و تألیفات خود را با جدیت تمام و براساس برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده‌ای که تدوین کرده بودند، انجام می‌دادند و پیش می‌رفتند و تمایل داشتند دیگران نیز این نوع راه را الگوی خود قرار داده و به آن عمل کنند. به همین علت مقاله‌ای با موضوع روش تحقیق و تألیف شخصی‌شان نوشتند و در آن توضیح دادند بنده از ابتدای این راه متوجه شدم که راه و روش صنف روحانیت برای رسیدن به هدف اصلی، کارآمد نیست و باید شیوه جدیدی را

برای تحقیق و تألیف و تحصیل علم یافت که وقت کمتری از عمر را بگیرد و دشواری‌های کمتری داشته باشد.

به عنوان مثال افرادی که به دنبال علم نحو می‌روند، لاجرم به دنبال کتبی هستند که بسیار پیچیده و دشوارند که خود نویسنده یا نمی‌داند و اطلاع شامل و کاملی از موضوع ندارد و یا اینکه عمداً مطالب را دشوار و معماگونه نوشته است. به همین دلیل رسیدن به هدف را ناممکن می‌سازد و در وسط راه ایراداتی را پیش روی می‌آورد که مثال آن روایتی از رسول اکرم (ص) است که در ابتدای راه مسافر مرکبش را با بار زیاد به زحمت می‌اندازد که نه مرکب سالم می‌ماند و نه به مقصد می‌رسد.

دیگر اینکه درباره نقد شیخ علامه بر برخی نویسندگان و مدرسین و شیوه کاری آنها که مسائلی را بیان می‌کردند و پیچیده و وقت‌گیر بودند. علامه محمد کرمی، نویسندگان را به دو گروه تقسیم می‌کنند؛ قسمت اول مطالبی را از جاهای مختلف جمع‌آوری کرده و در یک مجموعه گردآوری می‌کنند. بدون اینکه نقد و نظری در راستای آن داشته باشند و این نوع نویسندگان گردآورنده‌ای بیش نیستند.

و اما گروه دوم؛ تحقیق و نظر را در پیش می‌گیرند ولی در یک فن از فنون علم مختصر می‌شوند. برای مثال فقط جریان نحو را بررسی می‌کنند، یا فقه و ادبیات را به صورت مجزا شرح می‌دهند. این گروه بر گروه پیشین برتری دارند، لکن کوتاهی کردند هم در حق خود و هم در حق مخاطبان که نتوانسته‌اند چیز مفید و کاملی را در اختیار مخاطب قرار دهند. سپس

### دیدگاه

## از مسینی میلانی تا محبت کوه کمره‌ای

برخی از علما و آیات عظام درباره علامه جلیل‌القدر و عالی‌مقام محمد کرمی نوشته‌هایی درباره جایگاه علمی، فقهی و مقام شامخ ایشان نگاشته‌اند. از جمله آیت‌الله سید محمد هادی حسینی میلانی، آیت‌الله سید محمدحجت کوه کمره‌ای، آیت‌الله سید محسن حکیم طباطبایی، آیت‌الله شیخ محمدرضا آل یاسین، آیت‌الله سید محمدحسین بروجردی، آیت‌الله سید عبدالهادی حسینی شیرازی، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی. بسیاری از این بزرگان نیز اجازاتی حسبیه و روانیه به ایشان تقدیم داشته‌اند.

در رابطه با علامه شیخ محمد کرمی و شخصیت و جایگاه علمی ایشان، اینکه اجازه مکتوب ایشان از جانب آیت‌الله سید محمدحجت کوه کمره‌ای صادر شده است. آیت‌الله ابوالقاسم خوئی، آیت‌الله شیخ محمدرضا آل یاسین، آیت‌الله سید محمدحسین بروجردی، آیت‌الله سید عبدالهادی حسینی شیرازی و آیت‌الله سید محسن حکیم به ایشان واکلت در امور حسبیه داده‌اند. درباره مرجعیت علامه محمد کرمی اینکه تواضع ایشان زبانزد بوده که حتی در زمان مرجعیت مسئول دفتری یا شخصی غیر از خودشان را نداشتند که پاسخگوی مراجعه‌کنندگان باشد. خود شخصاً میزبان و پاسخگوی مراجعین بودند. علی‌رغم اینکه بارها از او خواسته بودند مسئول دفتری انتخاب کنند که مسائل معمول را پاسخگو باشد و شخصی باشد که مراجعین را میزبانی کند، اما پاسخ ایشان همیشه

دیدگاه

## عاقبت بگیری جوانان در مساجد

اواخر عمر علامه کرمی پزشکان به ایشان سفارش کرده بود نماز را به جماعت ادا نکنند، تدریس نکنند و مراجعه‌کننده نیز نداشته باشند و رفت و آمدهایشان را محدود کنند. اما علامه کرمی می‌گفتند مردم نماز جماعت را از من می‌خواهند و من رد نمی‌کنم. رفت و آمد و مراجعه مردم به من از وظایف بنده است و باید از من استفاده کنند و در آخر تدریس را هم ترک نمی‌کنم.

آرزو دارم هنگام مرگ در حال تدریس باشم. وقتی مرگ به سراغم می‌آید لب و دهانم در حال درس دادن به طلاب باشد. ایشان از حضور جوانان در مسجد استقبال می‌کردند و می‌گفتند جوانان امید ما هستند. به افراد مسن‌تر تاکید می‌کردند در برخورد با جوانان دقیق و محتاط باشند و باعث دوری آنها نشوند و آنها را جذب کنند. تاکید می‌کردند اگر جوانان از مساجد دور شوند عاقبت مناسبی نخواهند داشت.



ایشان ایجاد کرد که با کتب حوزوی مختصرتر و با بیان شیواتر و با تکلف کمتری نسبت به کتب قبل از ایشان روبرو شدند که این امر برای طلابی بود که تسلط به زبان عربی داشتند. این امر شایان ذکر است که همه تألیفات علامه شیخ محمد کرمی به زبان عربی می‌باشند که شاگردان علامه از ایشان نقل می‌کنند در ارتباط با ترجمه آثار گرانبهای ایشان وقتی با علامه صحبت کرده بودند که در نظر دارد آنها را به زبان فارسی ترجمه کند یا خیر خود شیخ محمد کرمی می‌گوید وقتی برای این امر ندارم و زمانی را که برای تألیف در نظر دارم با ترجمه هدر خواهیم داد زیرا که ترجمه به مقدار تألیف به یک زبان دیگر زمان نیاز خواهد داشت بنابراین ترجمه و تجدید چاپ این آثار بعد از بنده اگر ارزشمند باشند توسط نسلهای بعد و طلابی که جویای علم هستند صورت خواهد پذیرفت.



**نکته قابل تامل  
در تألیف کتب  
علامه شیخ  
محمد کرمی  
اینکه ایشان  
سعی در تألیف  
آثاری داشتند  
که برای طلاب  
و شاگردان  
حوزوی نه در  
باب گردآوری  
باشد و نه  
اختصار**

علامه در ادامه می‌افزاید که بنده در تألیفات خود سعی کرده‌ام نه از گروه اول باشم و نه از گروه دوم. بدین معنی که نه گردآورنده‌ام و نه فقط بر یک موضوع اختصار می‌کنم. علامه محمد کرمی در همین راستا و با این اهداف کتاب‌های بسیاری را برای طلاب حوزه به صورت مختصر، مفید و کامل در موضوعات درسی آنها تألیف کرده‌اند. نکته قابل تامل در تألیف کتب علامه شیخ محمد کرمی اینکه ایشان سعی در تألیف آثاری داشتند که برای طلاب و شاگردان حوزوی نه در باب گردآوری باشد و نه اختصار. بسیاری از تألیفات ایشان به گفته شاگردان و آنانی که بعدها کتب ایشان را تدریس کردند، تازه و بکر هستند و از نکات صریحی برخوردار می‌باشند. این نگاه و روش تألیف به نوبه خود تحولی در کتب حوزوی و مسیری روشن را در علم آموزی طلاب بعد از

مرعشی، آیت‌الله گلپایگانی و بسیاری دیگر که از آنها نام برده و گفتند اجتهاد من محرر است اما اینها پیش قدم و پیشکسوت بودند. علامه کرمی بعد از فوت آیت‌الله خوئی در سال ۱۴۱۳ قمری رساله دادند. قبول نداشتند در زمان حیات بزرگان رساله‌ای داشته باشند و می‌گفتند اینکه هر کسی به درجه اجتهاد برسد و اقدام به دادن رساله بکند، درست نیست. نباید حق بزرگان پایمال شود. رساله‌های موجود کافی هستند و قبول نمی‌کردند و می‌گفتند اگر من شرعاً احساس مسئولیت نمی‌کردم، اصلاً به سمت رساله نمی‌رفتم. اما بعد از آنها وظیفه عالم است که علمش را نشر دهد و جالب اینکه علامه محمد کرمی اجازه تبلیغ را نمی‌دادند که برای مرجعیت ایشان تبلیغ شود. می‌گفتند تا زمانی که مردم سراغی از من نگرفته‌اند حق ندارید حرفی بزنید!

این بود که بگذارید در حالت درویشی و زندگی ساده خود بمانم و درب منزل و مدرسه‌ام را خودم برای مراجعینم باز کنم و اگر سؤالی هست از خودم بپرسند. بسیاری از شاگردان آیات عظام نیز به احترام اساتیدشان، اجازه اجتهاد را پاس خواهند داشت و آن را در تاریخ و موقعیتی مناسب از منظرشان به دیگران اعلام می‌کنند. برخی مانند علامه جلیل‌القدر محمد کرمی به احترام اساتیدش، حتی از گفتن نام اولین شخصی که به وی اجازه‌نامه اجتهاد داده است، دوری می‌کرد و این مهم را نشان از ارادت به استاد می‌دانست. بنا به گفته یکی از شاگردان علامه، ایشان حدود چند دهه پیش از ارتحالشان رساله عملیه خود را نوشته بودند اما دلیل منتشر نکردنش از قول خودشان این بود که علما و فقهای بزرگی در قید حیات هستند و آنها مراجع تقلید بزرگی هستند. مانند آیت‌الله

## اساتید علامه شیخ محمد کرمی

# علم و عمل در محضر بزرگان

علامه شیخ محمد کرمی در سالیانی که در صدد کسب علم و دروس جوزوی بودند از محضر بزرگانی کسب فیض بردند. برخی شهرهای خوزستان، قم، نجف از مهمترین این شهرها بودند که علامه کرمی در آنها و در محضر بزرگان حضور یافتند. سید صدرالدین صدر، علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد حجت کوه کمری و آیت الله خوانساری از جمله این اساتیدی بودند که شیخ محمد کرمی در محضرشان کسب علم داشتند.

### سید صدرالدین موسوی صدر

از مراجع تقلید شیعه و نوه سید صدرالدین عاملی بود که در فقه، اصول، رجال، شعر و تفسیر تخصص داشت. به همراه سید محمد تقی خوانساری و سید محمد حجت، تدریس و سرپرستی حوزه علمیه قم را بر عهده داشت. دوران کودکی را در سامرا گذراند و ادبیات و ریاضیات را در آن دیار فرا گرفت. برای تکمیل تحصیلات، رهسپار نجف شد و دروس دوره سطح را از استادانی چون محمد حسین نایینی، شیخ حسن کربلایی و آقاضیاءالدین عراقی و دروس دوره خارج را از پدرش سید اسماعیل صدر، ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و میرزا فتح الله شریعت اصفهانی آموخت.

هنگامی که برای زیارت به مشهد رفته بود، مورد توجه حائری بود، علاوه بر تدریس سطوح عالی، از مشاوران وی شمرده می‌شد و در امور حوزه نیز به او کمک می‌کرد.

آیت الله حائری، صدر را وصی خود قرار داد و به پیشنهاد او سید محمد حجت نیز به وصایت وی برگزیده شد.

صدر یکی از مدرسان برجسته حوزه بود و شاگردان بسیار تربیت کرد. روزانه دو درس می‌گفت. سید صدرالدین صدر در ۱۹ ربیع الاول ۱۳۷۳ درگذشت.

آیت الله بروجردی بر پیکر وی نماز گذارد و او را در کنار قبر شیخ عبدالکریم حائری، در آرامگاه فاطمه معصومه به خاک سپردند.

### سید محمد مجت کوه کمری

فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید در سال ۱۳۱۰ در آذربایجان غربی به دنیا آمد. فقه و اصول رانز داساتید و آیات عظام همچون سید ابوالحسن اصفهانی، عبدالکریم حائری، میرزا محمد حسین نائینی، ضیاءالدین عراقی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی فرا گرفت. پس از درگذشت آیت الله حائری به اداره حوزه علمیه قم پرداخت. مدرسه حجتیه در شهر قم از آثار به جای مانده از دوران مرجعیت او می‌باشد که در آن زمان بی نظیر بوده است. تحصیلات خود را نخست نزد پدر آغاز کرد. سپس به نجف رفت. در سال ۱۳۴۹ قمی به قم مهاجرت کرد. از سوی شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم، برای اقامه نماز در حرم مأموریت یافت. رساله استصحاب در اصول، کتاب البیع در فقه، جامع الاحادیث و اصول در حدیث و رجال، حاشیه بر کفایة الاصول، لوامع الانوار الغریبه فی مرسلات الآثار النبویه، مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک، تنقیح المطالب المبهمة فی حکم عمل الصور المجسمه، کتاب الوقف، کتاب الصلوة از جمله آثار این عالم و اندیشمند دینی هستند. ایشان همچنین فعالیت‌های اجتماعی داشته است از جمله احداث مدرسه علمیه حجتیه قم، تأسیس کتابخانه مدرسه، علمیه حجتیه قم، جمع آوری کتاب‌ها و نسخه‌های خطی از نوشته‌های علماء. سرانجام روز دوشنبه سوم جمادی الاولی ۱۳۷۲ در قم درگذشت و در مقابل مسجد مدرسه حجتیه دفن شد.

### سید محمد تقی موسوی خوانساری

از فقهای قرن چهاردهم هجری بود که در اردیبهشت ۱۲۶۷ در خوانسار به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خویش خوانسار گذراند. در اوایل تحصیل مدتی با سید محمد تقی غضنفری خوانساری و شیخ موسی نجفی خوانساری هم‌مباحثه بود.

هنوز به سن هفده سالگی نرسیده بود که ادبیات عرب و مقدمات علوم اسلامی را به خوبی برگرفته بود. در سنین نوجوانی رهسپار نجف شد و در دروس آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نائینی و علی قوچانی حضور یافت. با شروع جنگ جهانی، نیز توسط نیروی انگلیس دستگیر شد و به همراه چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. در آن محیط خشن سید محمد تقی خوانساری به تلاش علمی روی آورد، علاوه بر تدریس منطق و حکمت، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک هندی بیاموزد.

پس از رهایی از چهار سال در اسارت، به شهر خوانسار بازگشت. پس از آن به اراک مهاجرت کرده و در دروس عبدالکریم حائری شرکت کرده و خود نیز جداگانه به تدریس فقه، اصول و حکمت پرداخت و توجه عبدالکریم حائری را به خود برانگیخت.

سید محمد تقی خوانساری پس از عبدالکریم حائری، به همراه سید محمد حجت و سید صدر الدین صدر، با مجاهدات و تلاش‌های خداپسندانه در حفظ و نگهداری این یادگار کوشیدند، به حدی که تا ورود سید حسین بروجردی و در کنار و همراه او نیز به انجام این امر مهم ادامه دادند و در این باره لحظه‌ای رابه غفلت و تسامح نگذرانند.

سال ۱۳۳۱ ش. علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد سید محمد تقی خوانساری باخبر بودند، از او خواستند تا بستان رادر هوای بیلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست، ایشان با همراهانش راهی آنجا شدند. در یکی از روزهایی که برای برپایی نماز به مسجد می‌رفت، در بین راه دچار حمله قلبی شد.

سرانجام نزدیکی های ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۳۱ شمسی درگذشت. در قم به خاک سپرده شد.



## سید مسین طباطبایی بروجردی

از مراجع شیعه ایرانی در سده چهاردهم است که به مدت ۱۷ سال زعیم حوزه علمیه قم بودند و پس از درگذشت سید حسین طباطبایی قمی مرجعیت عامه شیعیان را بر عهده داشت.

پس از گذراندن مقدمات علوم در سن هجده سالگی وارد دارالعلم اصفهان شد و از ابوالمعالی، سید مدرس، سید محمدباقر درچه‌ای سطوح فقه و اصول و ادبیات عرب را آموخت. همچنین چندین سال از حکیم قشقائی و حکیم کاشانی حکمت و فلسفه و کلام و منطق آموخت. پس از هشت سال اقامت در اصفهان به نجف و پس از آن بیش از ۳۰ سال در شهر خود بروجرد به تحقیق و تدریس پرداخت.

همچنین در جریان قیام قم در زمان رضاشاه علی‌رغم حساسیت نیروهای امنیتی در فرصتی مناسب از بروجرد خارج شده و برای همراه کردن مراجع نجف باقیام به طرف عتبات رفته و سپس با پیام حمایت مراجع آنجا به ایران آمد.

سال‌ها در نجف از آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، مرتضی طالقانی، آقا شریعت اصفهانی در رشته‌ی خارج فقه و اصول تحصیل کرد و در علوم عقلی و نقلی به مرتبه اجتهاد و استادی ارتقاء یافت. در سن سی سالگی در ردیف استادان حوزه نجف به تدریس علما اشتغال داشت. ایشان بعد از ده سال اقامت در عتبات در سال ۱۳۲۸ از عراق وارد بروجرد شد و چند سال در زادگاه خود به ترویج، تدریس و تألیف مشغول پرداخت. چند سفر به حوزه قم داشت که در برهه زمان در جمله مدرسین حوزه قم قرار گرفت و دیری نگذشت پس از فوت آیت‌الله حائری تدریجاً در رأس استادان بزرگ حوزه‌ی قم قرار گرفت.

از مهمترین کتب و تألیفاتی داشته است، می‌توان به «حاشیه‌ی علی کفایه‌ی الاصول»، «المهدی فی کتب اهل السنه»، «الآثار المنظومه، انیس المقلدین»، «مجمع الفروع، مناسک الحج»، «جامع احادیث الشیعه»، «مستدرک فهرست منتخب الدین»، «تجرید اسانید الامانی»، «تجرید اسانید الاستبصار» اشاره کرد.

سرانجام این عالم جلیل‌القدر و عالم وارسته در ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ شمسی در سن ۸۶ سالگی بر اثر بیماری قلبی درگذشت. پیکر ایشان در حرم فاطمه معصومه در قم دفن شده است.



افلاق و رفتار علامه

## موعظه منبری، نمونه عینی برای مخاطب

علامه شیخ محمد کرمی تأکید ویژه‌ای داشتند که موعظه منبری‌ها باید نمونه عینی برای مخاطب داشته باشد و هر چه را که بیان می‌کنند خود نمونه اخلاقی و رفتاری آن باشد. ابتدا به حرف‌هایشان عمل کنند پس از آن دیگران را نصیحت کنند؛ ایشان پرورش نفس را در اولویت کاری یک مبلغ و منبری می‌دانستند.

علامه شیخ محمد کرمی همیشه قبل از ایام محرم در جمعی، طلاب و منبری‌هایی که شاگردانش بودند را سفارش می‌کردند در ارتباط با آداب منبر و نوع عزاداری و سوگواری نکاتی را مد نظر قرار دهند. تأکیدات لازم را در ارتباط با حساسیت‌های موجود در نوع برخورد و رفتار متذکر می‌شدند. رفتار آنها به شکلی باشد که خادم حسینی بودن در چهره، رفتار و منش آنها نمایان باشد. همچنین در حین منبرهای حسینی حداقل چند موضوع را در ارتباط با اخلاق اجتماعی و مسائل شرعی روزمره که مردم درگیر آن هستند، بیان کنند. علامه شیخ محمد کرمی در ارتباط با هیئت‌ها تأکید می‌کردند تجمع و عزاداری نباید باعث مزاحمتی برای اشخاص ایجاد کند و آسایش همسایگان هیئت‌ها بسیار حائز اهمیت است.

مخصوصاً صدای بلندی که هیئت‌ها دارند جایز نیست و نباید به شکلی باشد که مزاحمت برای کسی ایجاد کند. خود علامه کرمی بعد از ساخت و تکمیل مسجد دستور دادند بلندگوهای مسجد درون حیاط مسجد تعبیه شوند که صدای بلند، همسایگان مسجد را اذیت نکند و آسایش آنها در کنار مسجد دچار اختلال نشود. علامه شیخ محمد کرمی در ارتباط با مسجد و آداب و حفظ حرمت و کرامت و جایگاه مسجد فتواهای بسیار سخت‌گیرانه و جدی دارند که خوردن، آشامیدن و خوابیدن در مسجد را حرام می‌دانستند. به مقلدین خود تأکید می‌کردند خوردن و پذیرایی در مراسمی مانند مراسم ختم در مسجد باعث بی‌حرمتی به مسجد می‌شود و حرام است. علامه بر زمانبندی وقت مردم و منبری‌ها تأکید ویژه‌ای داشتند

که مردم را معطل نکنید. منبری‌ها وقتشان را تنظیم کنند که مردم منتظر نمانند و همه چیز سر وقت آن انجام شود. همیشه خود علامه شیخ محمد کرمی سرآمد سفارشات بودند که به طلاب می‌کردند و در این قضیه ایشان فردی وقت‌شناس و دقیق بودند که همه کارهایشان بدون دقیقه‌ای تأخیر انجام می‌شد.

علامه کرمی در ورود به مجالس اولین مکانی را که خلوت و مناسب بود انتخاب کرده و می‌نشستند و خود را هم سطح مردم عادی می‌دیدند. دوست نداشتند فردی ایشان را به بالای مجلس دعوت کند یا جایگاه خاصی برای ایشان در نظر بگیرد. درس‌های اخلاقی علامه صرف آمدن روی کاغذ نبود، بلکه با عملکردشان کاملاً مطابقت داشت.

علم، بارزترین صفتی است که علامه محمد کرمی از آن برخوردار بودند و در رفتار و سکنات ایشان به وضوح قابل مشاهده بود. این علم در زهد و تواضع ایشان هم نمود داشت. برای مثال این نمونه قابل ذکر است که علامه کرمی به عنوان یک فقیه باید درس خارج می‌دادند و سطوح بالای حوزه را تدریس می‌کردند. لیکن از سطوح پایین و ابتدایی در حوزه شروع به تدریس کردند و با جدیت پیگیر این مسئله هم بودند که کتبی را از پایه تا مقاطع بالای حوزوی و درس خارج تألیف کنند که شروع این کتاب‌ها را می‌توان همان مقدمات صرف و نحو قلمداد کرد.

منش و شیوه برخورد علامه کرمی با طلاب حوزه و شاگردانشان متواضعانه و با فروتنی بود. البته این برخورد متواضعانه برای طلبه‌ای بود که با جدیت اهل علم و درس‌آموزی باشد و از نهایت وسع و توان خود مایه می‌گذاشت. برخورد ایشان با طلبه‌ای که پشتکار و جدیت لازم در کار خود و طلب علم را نداشته باشد، مطابق مقررات بود.

علامه کرمی در کنار تدریس و تألیف و مشاغل زیادی که داشتند وقتی را برای کسبه محل تعیین کرده بودند که حضور پیدا کنند و کلاس قرآن‌آموزی داشته باشند. بیشتر مربوط به قرائت صحیح و مفاهیم عمومی قرآن کریم می‌شد. یعنی اینکه آموزش در سطح مقدماتی برگزار می‌شد؛ خود ایشان بسیار پیگیر حضور کسبه محل بودند.



### منش و شیوه

#### برخورد

### علامه کرمی با

#### طلاب حوزه و

#### شاگردانشان

#### متواضعانه

#### و با فروتنی

#### بود. البته

#### این برخورد

#### متواضعانه برای

#### طلبه‌ای بود

#### که با جدیت

#### اهل علم و

#### درس‌آموزی

#### باشد و از

#### نهایت وسع و

#### توان خود مایه

#### می‌گذاشت

الچہ

ویژہ نامہ  
علامہ شیخ  
محمد کرمی

# تدوین و تالیف در یک قاب



## ● اشاره‌ای به جایگاه علمی و دینی علامه محمد کرمی داشته باشید.

در ابتدا با تشکر از زحماتی که مجموعه جهاددانشگاهی در راستای شناسایی و معرفی بزرگان و عالمان دینی استان خوزستان دارد، باید گفت ذکر کردن از علما برکت است و شما مشغول ذکر علما هستید؛ اینها از مصادیق عبادت است. استان خوزستان نیز و به ویژه اهواز ذخیره ارزشمند علمی است که باید شناسایی شود.

در خصوص ارتباطی که با علامه داشته‌ام باید بگویم از سطح مقدمات را خدمت علامه محمد کرمی بوده و شاگردی ایشان را کردم و تا بحث خارج فقه و اصول مجموعاً در حدود ۳۰ سال پیوسته خدمت ایشان بودم.

علامه محمد کرمی در زهد، وارستگی و پرهیزکاری کم‌نظیر بوده و از آنجایی که من آشنایی زیادی با ایشان داشتم می‌توانم گفت شخصیتی بسیار شبیه به علامه شیخ محمدتقی شوشتری داشتند و این دو شخصیت به هم نزدیک بودند.

چرا که من شاگردی علامه کرمی را کرده‌ام و شیخ شوشتری را هم ملاقات کرده‌ام. آیت‌الله سید علی شفیعی درباره علامه کرمی اعتقاد داشتند ایشان وقتی به اهواز آمدند فارغ‌التحصیل آمدند و این نشان از جایگاه علمی علامه کرمی دارد.

علامه محمد کرمی اعتقاد داشتند تا وقتی بزرگان و اساتید ایشان در قید حیات هستند، نسبت به ارائه رساله عملی اقدام نکنند. در همان زمان رساله‌ای داشتند که مرتبط با بحث خارج بود و بالغ بر ۱۰ جلد می‌شد و می‌توان به عنوان رساله به آن مراجعه کرد.

ایشان این رساله عملی را تا زمانی که علامه شیخ شوشتری زنده بودند، ارائه نکردند و گفتند اجازه دهید مردم از این عالم بزرگ تقلید کنند.

می‌گفتند شیخ شوشتری از اهل علم است. از نظر بنده نیز شباهت تمام عباری میان این دو عالم وجود دارد؛ هم از نظر زهد و پارسایی و هم از نظر علم و درایت.

## ● علامه محمد کرمی در اغلب حوزه‌های دینی تألیفات داشته‌اند، در این باره

مجت‌الاسلام یعقوب شریفی

# علامه بی ادعا

علامه کرمی فردی صبور بودند. تحمل، توان و طاقتشان چه برای کارهای شخصی و چه برای کارهای حوزه و از همه مهم‌تر برای مراجعه مردم قابل تحسین بود. بارها شده بود که حین تحقیق، قلم به دست می‌گرفتند. دو خطی می‌نوشتند. در حوزه علمیه زده می‌شد، مراجعه‌کننده‌ای بود که سؤالی یادرخواستی داشت. پاسخ می‌دادند. سپس باز می‌گشتند و دوباره نوشتن را از سر می‌گرفتند. بارها و بارها این مسئله تکرار می‌شد. ایشان این عمل را بدون خستگی تکرار می‌کردند. تا اینکه همه اطرافیان از او خواستیم شخصی رابه عنوان مسئول دفتر و یا به هر عنوانی که خودشان صلاح می‌دانند بگذارند اما قبول نمی‌کردند. اینها بخشی از گفت و گوی نشریه به تحریریه باحجت‌الاسلام یعقوب شریفی است که به جایگاه علمی علامه کرمی اشاره کرده است.

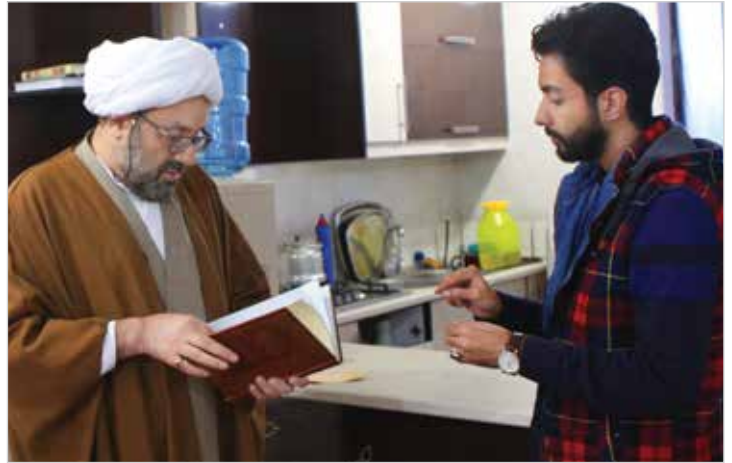


دیدگاه

«القول الجامع  
فی تحریر فروع الشرایع»

شیخ محمد کرمی در زمینه فقه سه کتاب نوشته‌اند که اولی «القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع» است که شرح شرایع اسلام است. کتاب دوم فقهی ایشان «تخلیص دروس الشرعیه فی فقه الامامیه» که تلخیص و تکمیلی بر کتاب دروس شرعیه شهید اول و شامل پنج جلد است.

بعد از قبول مرجعیت مدخل تلخیص الدروس به عنوان رساله عملی به زبان فارسی و مبسوط الاحکام الشرعیه به زبان عربی و خلاصه الاحکام به زبان عربی کتاب‌های فقهی ایشان هستند که به عنوان درس خارج تدریس می‌شود و دو جلد اول کتاب «تلخیص دروس الشرعیه فی فقه الامامیه» مقدمه است که تا به حال چاپ نشده و ایشان ذکر کردند بنده در مقدمه مسائلی را مطرح کردم که به عنوان «محاضرات مع ابناء العامه» است. به طور مثال روایت کردن حدیث‌های نبوی را مورد بررسی قرار دادم که به چه علت اهل سنت نوادگان رسول اکرم را به عنوان راویان حدیث جدشان مطرح نمی‌کنند ولی از افراد دیگر احادیث منقول دارند که حدود ۵۰۰ روایت هم بر این اساس ذکر شده که سند آن از ائمه اطهار (ع) به حضرت رسول (ص) می‌رسد. کتاب فقهی سوم ایشان «اتحاف الطالب فی حل عقد مکاسب» است که با توجه به کتاب شیخ انصاری و گره‌های موجود در آن کتاب تنظیم شده و به آنها پاسخگو بودند که شرحی بر کتاب مکاسب به همراه مقالات مختلفی در این زمینه است و در پنج جلد دارد.



توضیحی یفر مایید.

ایشان در بحث تألیف بسیار توانمند بودند. برای مثال کفایت‌الاصول شیخ آخوند خراسانی را باید یک مجتهد تمام عیار تدریس کند و به خصوص بخش‌های مربوط به خارج فقه و همه اینها را علامه شرح می‌دادند و تدریس می‌کردند. بعدها به نام طریق‌الوصول الی کفایت‌الاصول تألیف شد.

ایشان تفسیر کتاب‌الله المنیر را در هشت جلد به رشته تحریر در آوردند و در تفسیر نهج‌البلاغه تألیفی دارند به نام بحوث و آراء که در حوزه‌های علمیه قم چندین سال است تدریس می‌شود. «التقریب الی الحواشی و التهذیب» را در بحث منطق نوشته‌اند که اصل کتاب از ملا عبدالله یزدی است. در معانی و بیان کتاب «لوشاح» بر شرح تفتازانی یکی از علمای بزرگ اهل سنت را تألیف کردند که خود تفتازانی آن کتاب را شرح داده و علامه کرمی هر دو کتاب را در یک قالب قرار داده و این کتاب را به تألیف سه جلدی تبدیل می‌کند.

در زمینه فقه هم دوره ده جلدی بحث خارج را تألیف کردند. شرحی بر دروس شهید اول محمدبن مکی صاحب لمعه و شهید دوم روضه‌البهیة را شرح داد که علامه در پنج یا شش جلد آن را شرح دادند. در اخلاق هم کتبی تألیف کرده‌اند. در ارتباط با زندگی امیرالمؤمنین امام علی (ع) کتابی تألیف کردند با نام «علی فی مسیره الاجیال» که در سه جلد به چاپ رسید. علامه محمد کرمی در همه فنون زیربنایی اجتهاد تألیفاتی داشتند و هیچ کدام را ترک نکردند. در موضوع نحو کتابی با عنوان «حل

الطلاسم علی شرح الافیه لابن الناطم» دارند در باب معضلات کتاب‌های نحوی که در دانشگاه الازهر مصر تدریس می‌شد. در علم فلسفه و کلام ایشان کتابی با عنوان «اسنی المغانم فی شرح المعالم» که کتاب قبل از آن را شرح داده، لغزش‌های علمی را اصلاح کرده و تألیف کرده‌اند.

کتاب «باب حادی‌العشر» از علامه حلی است که بر اساس کتاب «تجربیدالاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی شرح داده شده است. علامه حلی وجه تسمیه کتاب باب حادی‌العشر را این گونه توضیح دادند که در این ده جلد المدعو کیست؟ کسی که از او دعا می‌کنیم و این زحماتی که می‌کشیم هدف چیست؟ پس کتاب یازدهم را تألیف کردند و نام آن را باب حادی‌العشر گذاشتند و بحث خداشناسی و الهیات است و علامه محمد کرمی پس از آن شرحی با نام احسن‌الاثرب بر آن نوشتند.

● اشاره‌ای به شاگردان علامه محمد کرمی داشته‌باشید.

علامه شیخ محمد کرمی شاگردان متعددی داشتند که از بزرگان اهل فضل و علم شدند. به نقل از خود علامه، حجت‌الاسلام دکتر مفتاح و خالصی از جمله شاگردان ایشان در قم بوده‌اند. ایشان همدوره و درس مرحوم بروجردی بودند.

● با توجه به گستردگی آثار علامه محمد کرمی، کدام یک از آثار این عالم جلیل‌القدر در صدر هستند.

در آثار و تألیفات علامه کرمی دو کتاب بسیار



در زمینه فقه  
هم دوره ده  
جلدی بحث  
خارج را تألیف  
کردند. شرحی

بر دروس  
شهید اول

محمد بن مکی

صاحب لمعه

و شهید دوم

روضه البهیة

را شرح داد که

علامه در پنج

یا شش جلد آن

را شرح دادند.

در اخلاق هم

کتبی تألیف

کرده‌اند. در

ارتباط با زندگی

امیرالمؤمنین

امام علی (ع)

کتابی تألیف

کردند با

نام «علی

فی مسیره

الاجیال» که

در سه جلد به

چاپ رسید

اهل مامقان بودند. لیکن این خاندان تحصیل کرده نجف هستند.

● اولین موردی که با شنیدن نام علامه کرمی به ذهنتان خطور می‌کند، چیست؟

اینکه علامه کرمی، زاهد و وارسته بودند. در این باره خاطره‌ای را برای شما تعریف کنم که در حوزه علمیه ایشان اتفاق افتاد. ایشان فردی متواضع بودند. مثلاً اگر می‌خواستیم اجاق گاز را برایشان روشن کنیم، قبول نمی‌کردند و می‌گفتند دستتان می‌سوزد و خودم روشن می‌کنم.

یک روز بارانی بود که به حوزه رفته بودم. دیدم که علامه کرمی مشغول شستن حیاط حوزه علمیه و تمیز کردن آن بعد از باران است. خواستم تی و جارو را از دست ایشان بگیرم که به صدلی گوشه حیاط اشاره کردند و گفتند تو آنجا بشین. شما لباس تمیز پوشیده‌ای. این در حالی بود که من برای شستن حیاط خودم را آماده کرده بودم.

همچنین به خاطر دارم یک روز به حوزه علمیه رفته بودم که دیدم ایشان مشغول شستن سرویس‌های بهداشتی هستند. گریه‌ام گرفت. زانو زدم، پاچه‌های شلوارشان را بالا زده بودند و با عرق چینی به سر مشغول شستن بودند. به سمتشان رفتم ولی ایشان مرا دور کرد و گفت برو کنار تا نجس نشوی؛ و ادامه دادند که من اینجا لباس دارم و می‌توانم حمام کنم. شما نمی‌رسید به خانه برگردید و خود را تمیز کنید. به درست برس و کارت را انجام بده. نزدیک شدم. باز ایشان را بوسیدم. با صدای بلند گفت «یعقوب روح» یعنی یعقوب برو کنار و گفت که این کار به تو مربوط نیست. بعد از شستشو و تمیز کردن سرویس‌های بهداشتی صدایم کرد و با لیخن گفت یعقوب بیا بین چطور تمیزشان کردم!

نکته دیگر اینکه علامه کرمی فردی صبور بودند. تحمل، توان و طاقتشان چه برای کارهای شخصی و چه برای کارهای حوزه و از همه مهم‌تر برای مراجعه مردم قابل تحسین بود. بارها شده بود که حین تحقیق، قلم به دست می‌گرفتند. دو خطی می‌نوشتند.

در حوزه علمیه زده می‌شد، مراجعه‌کننده‌ای بود که سؤالی یا درخواستی داشت. پاسخ



چمران خدمت علامه محمد کرمی رسیدیم و درخواست کردند علامه برای این کار شخصی را به ایشان معرفی کند. علامه محمد کرمی بدون تردید گفتند که یعقوب. من بسیار از این موضوع ترسیدم. کم تجربه بودم و نمی‌دانستم که وارد چه مسئله‌ای خواهم شد.

من همیشه در کلاس‌های علامه کرمی کتاب‌ها را حاشیه‌نویسی می‌کردم و توجهم به درس زیاد بود و این جدیت در درس خواندن از دید علامه پنهان نمانده بود. از جمله اساتیدی بودند که به همه طلاب توجه می‌کردند. وقتی که اسم بنده را آوردند پرسیدم آقا من را می‌گویید. ایشان به من اشاره کرد که سکوت کنم.

وقتی که تنها شدید به ایشان گفتم به جوانی‌ام رحم کن من بضاعت کمی در این مسئله دارم. ممکن است از پس این کار برنیایم. من کجا و تدریس کجا؟ گفتند که نه.

ادامه دادند ترجمه ارزشش بیش از تألیف است، زیرا مؤلف با زبان مادری‌اش تألیف می‌کند اما مترجم به دو زبان مبدأ و مقصد مسلط است. سخت بود اما توانستم این کار را انجام دهم و هنوز هم دست‌نویس‌ها در دست شاگردانم وجود دارد که مقدمه خوبی بر آن نوشته شد.

من از تحفه‌المحمدیه شروع کردم که پایه‌ای برای شروع در این باب بود. علامه محمد کرمی از آنچه تهیه و ترجمه کرده بودم، تقدیر کردند. چند جایی هم در حد چند کلمه برای من اصلاح کردند.

ایشان به زبان فارسی نیز تسلط کافی داشتند زیرا که مادرشان ترک و نوه شیخ محمدحسن مامقانی و دختر شیخ ابوالقاسم مامقانی بود که

ارزشمند و بی‌نظیر هست که قابل بیان هستند. موسوعه ده جلدی ارزشمند ایشان در باب خارج و فقه و همچنین کتاب طریق‌الوصول الی کفایت‌الاصول شرح کفایت‌الاصول شیخ آخوند خراسانی از مهمترین تألیفات علامه محمد کرمی است. ذکر یک نکته اینکه ایشان در ادبیات عرب و تسلط‌شان به این موضوعات علامه دهر بودند.

در باره احاطه علامه کرمی به علم باید گفت تنها محکمه‌ای که نیاز به دادگاه ندارد مسئله علم است و ادعای دانش داشتن در هر علمی بسیار روشن و مشخص است. به طور مثال اگر کسی ادعای اجتهاد کند به چند صورت قابل بررسی است؛ حالت اول با پرسش و پاسخ است. برای مثال قواعداربعه اجتهاد را توضیح دهد.

اصول عملیه چهارگانه را شرح داده و یا اینکه بر اساس تألیفاتی که انجام داده این موضوع قابل بررسی و تشخیص باشد که مورد دوم بسیار عیان است.

به خاطر دارم جوانی ۲۵ ساله بودم که دانشگاه شهید چمران اهواز از من درخواست کردند چهار رساله از علامه محمد کرمی که همان ادبیات عربی است برایشان ترجمه شود. خدمت علامه کرمی رسیدم و مطلب را خدمتشان عرض کردم. ایشان گفتند من وقت ترجمه کردن ندارم ولی انشاءالله مشکلشان را حل خواهیم کرد.

با خود فکر کردم به افرادی که می‌شناسد از جمله اساتید دانشگاه و حوزه می‌سپارند این کار انجام شود. به همراه آقای احتیاطی مسئول روابط عمومی وقت دانشگاه شهید

## «التحفة المحمدية في کلیات المسائل النحویة»

با توجه به شیوه تدریس علامه محمد کرمی در حوزه علمیه باید گفت که طلاب در ابتدای ورودشان به حوزه علمیه آیت الله کرمی، کتاب «التحفة المحمدية في کلیات المسائل النحویة» را در اختیار دارند تا آن را حفظ کنند و شامل بخش های کوتاهی می شود که بسیار کاربردی هستند و در همه مسائل صرف و نحو کارآمد می باشد.

در ابتدا حتی توضیح یا شرحی هم از طلبه خواسته نمی شود و فقط باید آن را حفظ کند. شیوه امتحان علامه در رابطه با این کتاب فصلی یا سالیانه نبود، بلکه به صورت هفتگی در روزهای چهارشنبه امتحان گرفته می شد و این روند همیشه و برای همه طلاب ثابت بود. ایشان از هر طلبه تا آن مقطعی که درس را فرا گرفته بودند، سؤال می کردند و در شرایطی که طلبه در سه هفته قادر به پاسخگویی نباشد او را اخراج می کرد و این کتاب کلید اصلی ورود به حوزه ایشان بود که در همه مراحل تحصیل مورد استفاده قرار می گرفت.

علامه محمد کرمی در ارتباط با منطق کتابی دارند با نام «النفحات المحمدية في کلیات القواعد المنطقية» و غیر از این کتاب خود علامه در قم که مشغول تدریس بودند، شرح و توضیحی در رابطه با حاشیه ملا عبدالله که در گذشته در ارتباط با منطق می خواندند، نوشته بود و کتاب معروف و سنگین و پیچیده ای است. این شرح کتابی شد با نام «التقریب الی حواشی التهذیب» و اکنون از مصادر مهم دروس حوزوی است.

تعریف کنم. با تعدادی از شاگردان علامه، خدمت آیت الله صافی گلپایگانی رسیدیم. پسر آیت الله، شیخ حسن به ایشان عرض کردند این چند نفر از شاگردان علامه محمد کرمی هستند. بنده خواستم دست ایشان را ببوسم اما نگذاشتند و بعد از شنیدن اینکه ما شاگردان علامه محمد کرمی هستیم به احترام علامه بلند شدند و دوباره نشستند.

رو به من کردند و گفتند «آیت الله محمد کرمی یک مُلاست و تماماً علم است. هوای ایشان را داشته باشید. ایشان را رها نکنید. ایشان از اهل علم و متعصب به دین اسلام است و حمایت کننده قوی ای برای مذهب اهل بیت است.»

دهه ۶۰ به بعد، هر وقت که قصد سفر به قم داشتم، می گفتند که یک عبا برایشان بخرم. ولی من دو عبا برای ایشان می خریدم و از این مساله ناراحت هم می شدند.

خدمتشان عرض می کردم که اگر اولی نیاز به شست و شو پیدا کرد بتوانید از دومی استفاده کنید. در جواب می گفتند اگر پشم ارزش داشت که خود گوسفند به این پشم می بالید. این پشم قبل از این روی پوست حیوان بود.

گوسفند با این پشم روی خاک می خوابد، ادرار می کند و فضولات دارد. پس چرا ما وقتی این پشم را به تن می کنیم خودمان را گم می کنیم. اگر این پشم ارزش داشت که خود گوسفند طاقچه بالا می آمد و به آن افتخار می کرد.

## ● اشاره ای به مراسم خاکسپاری علامه داشته باشید.

در خاکسپاری علامه همه از طریق رادیو و تلویزیون و رسانه ها مطلع شدند. مراسم خاکسپاری علامه شلوغ شد. بسیاری از مسئولان استان حضور داشتند که آیت الله موسوی جزایری در این مراسم سنگ تمام گذاشتند. مسئولان، نمایندگان مجلس، رئیس دفتر مقام معظم رهبری نیز در این مراسم حضور داشتند. مقام معظم رهبری نیز نامه ای نوشتند و اطلاعیه عامی منتشر کردند. جمعیتی که در مراسم خاکسپاری علامه کرمی حضور داشتند، حدود یک و یا یک میلیون و دویست هزار نفر بود.

می دادند. سپس بازمی گشتند و دوباره نوشتن را از سر می گرفتند. بارها و بارها این مسئله تکرار می شد. ایشان این عمل را بدون خستگی تکرار می کردند. تا اینکه همه اطرافیان از او خواستیم شخصی را به عنوان مسئول دفتر و یا به هر عنوانی که خودشان صلاح می دانند بگذارند اما قبول نمی کردند.

## ● اشاره ای به روابط علامه با مردم و مراجعه کنندگان داشتید، در این باره توضیحی بفرمایید.

علامه کرمی در کمک های مالی محتاط بودند و بدون حساب و کتاب به کسی کمک نمی کردند. کمک های علامه سه نوع بود؛ کمک عادی برای متکدیان که گذرا بودند و شامل مبلغ کمی می شد. دوم افرادی که خودش می شناخت و مبلغ بیشتری را با توجه به نیاز آنها و شناختی که داشت پرداخت می کردند. سوم هم کمک های موردی بود. بر حسب نیاز و اتفاقی که برای کسی می افتاد، صورت می گرفت. خاطر هم هست یک بار برای شخصی، بیماری پیش آمد که هزینه درمان بسیار زیاد می شد. علامه کرمی هزینه درمان را علامه تقبل کرده و پرداخت نمود. مورد دیگر هم یکی از طلاب بود که اوضاع مالی مناسبی نداشت و با قرض خانه ای کوچک و با دو اتاق ساخته بود که بر اثر حادثه ای این خانه خراب شد و علامه در ساخت دوباره آن خانه به آن طلبه کمک کرد.

به غیر از ساخت مسجد النبی، در ساخت دیگر مساجد به خصوص روستاها مساهمت هایی داشتند. مانند مسجد منطقه عین دو و مسجد امام حسین در روستای دب حردان. بعدها هم که بیمارستان را تأسیس کردند.

درباره علامه محمد کرمی باید گفت ایشان متعصب اسلامی بودند. اگر تند خوئی داشتند در بحث تعصبشان به اسلام و مذهب بود. حتی در قبال توهین دیگران به خودشان برخورد تندی نداشتند چه برسد به نقد کردن. اما در بحث اسلام و مذهب به شدت متعصب بودند و خط قرمزشان مشخص بود که شامل خدا، پیامبر، اسلام و نظام اسلامی و مسائل مرتبط می شد.

در پایان نیز خاطرهای از برخورد من و آیت الله صافی گلپایگانی در ارتباط با علامه کرمی را



### درباره علامه

#### محمد کرمی

#### باید گفت

#### ایشان متعصب

#### اسلامی بودند.

#### اگر تند خوئی

#### داشتند در

#### بحث تعصبشان

#### به اسلام و

#### مذهب بود.

#### حتی در قبال

#### توهین دیگران

#### به خودشان

#### بر خورد تندی

#### نداشتند

#### چه برسد به

#### نقد کردن. اما در

#### بحث اسلام و

#### مذهب به شدت

#### متعصب بودند

#### و خط قرمزشان

#### مشخص بود

#### که شامل خدا،

#### پیامبر، اسلام و

#### نظام اسلامی و

#### مسائل مرتبط

#### می شد

محبت الاسلام ربیع سکینی تمربیع کرد

# تدریس و تألیف؛ دورکن از شخصیت علامه کرمی

یکی از قدیمی ترین شاگردان علامه شیخ محمد کرمی، حجت الاسلام ربیع سکینی است که ۳۰ سال محضر علامه را درک کرده است. ایشان گفت و گویی با تحریریه نشریه رایحه داشت که اغلب با محوریت شخصیت مردمی و اجتماعی علامه محمد کرمی بوده است.

● در ابتدا اشاره‌ای به شخصیت علمی و جایگاهی که علامه محمد کرمی داشتند، بفرمایید.

در خصوص نحوه تدریس علامه محمد کرمی اینکه ایشان از نوابغ روزگار بودند و از شیوه‌های متعدد و قابل توجهی برای بحث تدریس استفاده می‌کردند. این عالم جلیل‌القدر از اخلاقیات اجتماعی خاصی برخوردار بودند و مشخصه‌های بارزی در منش و شیوه زندگی ایشان مشخص بود. نکته مهم اینکه ایشان وقتشان را به بطالت نمی‌گذراندند و ما شاهد بودیم در مراسم اجتماعی همچون مهمانی، خیلی کوتاه حضور پیدا می‌کردند. وقتشان را به گونه‌ای تنظیم می‌کردند که دقایق اندکی در آن محل باشند و بیشتر وقتشان را به تألیف و تحقیق اختصاص می‌دادند. ایشان تحقیق را پایه اصلی علم و علم‌آموزی می‌دانستند.

به طور مثال اینکه ایشان معتقد بودند باید در مورد همه موارد تحقیق کرد و به اعتقادات قبلی اعتنایی نداشتند. مثلاً می‌گفتند درست است که برخی می‌گویند نیت در نماز رکن است ولی به نظرم نیت در نماز شرط است. یعنی اینکه اگر به خوبی ادا شود نماز قبول می‌شود، اگر به خوبی بیان نشود نماز مورد قبول واقع نمی‌شود.

● آیا علامه محمد کرمی در بحث زبان و ادبیات عرب تألیفی داشته‌اند؟

در ابتدا باید اشاره کرد که همه تألیفات علامه محمد کرمی به زبان عربی است. ایشان محقق بودند که در زبان و ادبیات عرب همتایی نداشتند و این را می‌شود از تألیفاتشان همچون «حل الطلاسم، الوشاح، القول المسدد» مشاهده کرد. به نظر بنده اگر علامه محمد کرمی همه وقتشان را به تألیف و تحقیق اختصاص می‌دادند شاید تألیفات ایشان به ۱۲۰ مورد می‌رسید. تألیفات ایشان بالغ بر ۵۰ جلد می‌باشد.

علامه محمد کرمی سعی و اهتمام خاصی به مردم‌داری داشتند، در خصوص اخلاق اجتماعی علامه اینکه به بحث مساوات اعتقاد داشتند و هیچ فرقی بین اجتماع و فرزندانشان قائل نبودند. در خصوص بحث علمی و تحقیقی علامه اینکه من به چشم خود دیدم ایشان فقط در فقه اسلامی تحقیق نداشتند و محدود نبودند. در یکی از شب‌هایی که خانواده ایشان به دلیل بمباران از شهر اهواز به شهرستان قم رفته بودند و من در کنار ایشان بودم دیدم که ایشان در حال مطالعه انجیل یوحنا بودند. این مسأله برای من جالب بود و باعث ایجاد کنجکاوی شد اما ابهت و عظمت علامه این اجازه را به من نمی‌داد که

«  
● درباره تدریس ایشان نیز باید گفت که این مهم با شیوه تدریس دیگر علما و مراجع تفاوت بارزی داشت و شیوه تدریس متفاوتی داشتند. ایشان بهترین وقت زمانی را برای تدریس به طلاب اختصاص می‌دادند و آن ساعات اولیه صبح دنبال این بودند از وقتشان به نحو شایسته‌ای استفاده شود. معتقد بودند ذهن طلبه اول صبح خالی و شفاف و آماده فراگیری است و می‌توان بهترین شیوه تدریس را به آن ارائه کرد. می‌گفت هر چه به سمت اواسط روز برویم حواشی ذهن طلاب نیز بیشتر می‌شود. پس باید طلبه از وقت خود به نحو شایسته‌ای استفاده کند.  
در مورد مردم‌داری و روابط اجتماعی علامه اینکه برخورد ایشان به گونه‌ای بود که با عقاید و آراء شخصی هر فرد متناسب شخصیت فردی برخورد می‌کردند. علامه احترام فرد را حسب شخصیت افراد داشتند. نکته مهم اینکه علامه در

دلیل این امر را از ایشان پرسیم. ایشان هیبت پدرانه‌ای داشتند و ماطلاب به خودمان این اجازه رانمی‌دادیم وارد جزئیات زندگی و روزمره علامه بشویم و از کارهایی که انجام می‌دادند، بپرسیم.

● شیوه تدریس علامه به چه صورت بوده است.

درباره تدریس ایشان نیز باید گفت که این مهم با شیوه تدریس دیگر علما و مراجع تفاوت بارزی داشت و شیوه تدریس متفاوتی داشتند. ایشان بهترین وقت زمانی را برای تدریس به طلاب اختصاص می‌دادند و آن ساعات اولیه صبح دنبال این بودند از وقتشان به نحو شایسته‌ای استفاده شود. معتقد بودند ذهن طلبه اول صبح خالی و شفاف و آماده فراگیری است و می‌توان بهترین شیوه تدریس را به آن ارائه کرد. می‌گفت هر چه به سمت اواسط روز برویم حواشی ذهن طلاب نیز بیشتر می‌شود. پس باید طلبه از وقت خود به نحو شایسته‌ای استفاده کند.

در مورد مردم‌داری و روابط اجتماعی علامه اینکه برخورد ایشان به گونه‌ای بود که با عقاید و آراء شخصی هر فرد متناسب شخصیت فردی برخورد می‌کردند. علامه احترام فرد را حسب شخصیت افراد داشتند. نکته مهم اینکه علامه در



که در بحث اصول موارد خاصی را در برمی گیرد. یکی از پیچیده‌ترین کتب علامه نیز کتاب نتایج فکر می باشد که علامه به صورت ارائه آرا و نظرات آن را تألیف کرده است. نکته مهم اینکه علامه در موارد طبیعی نیز تألیفاتی داشته است و هر کدام از کتب ایشان مخاطب خاص خود را دارد. کتاب المنیر نیز از جایگاه و جاهت خاصی برخوردار است. این کتاب گرچه به صورت تفسیر قرآن کریم تألیف شده است اما بیشتر برای یک محقق مناسب است تا یک فرد عامی. یعنی اینکه بیشتر محققان می توانند از آن بهره مند شوند.

● علامه محمد کرمی از شخصیت‌های بارز علمی و مذهبی استان خوزستان بودند، خلابود این شخصیت چگونه است.

درباره فوت ایشان باید گفت در گذشت ایشان ضایعه‌ای بود که نه تنها متوجه مردم خوزستان و یا ایران بلکه متوجه مردم دیگر کشورهای عربی نیز بوده است. نه تنها مردم ایران علامه را بعد از فوتشان از دست دادند بکه مردم کشورهای اسلامی دیگر نیز ایشان را از دست دادند.

بعد از فوت ایشان و زمانی که خبر منتشر شد، بسیاری از ارادتمندان علامه مردم خود را به حوزه علمیه رساندند. در خصوص برگزاری مراسم خاکسپاری علامه نیز باید گفت مراسم باشکوهی برگزار شد که اغلب مسئولان کشوری و استانی در این مراسم حضور داشتند. آیت‌الله گلپایگانی، مدیر دفتر مقام معظم رهبری در مراسم خاکسپاری شیخ محمد کرمی از سوی ایشان حضور پیدا کردند و آیت‌الله سید محمدعلی موسوی جزایری، بر پیکر علامه محمد کرمی اقامه نماز کردند. مراسم عزاداری علامه به مدت چهار روز برگزار شد و البته در شهر اهواز محدود نشده بود بلکه در اغلب شهرهای خوزستان از جمله آبادان، خرمشهر، ماهشهر، هندیجان و ... مراسم عزاداری برگزار می شد. نکته مهمی که در مراسم عزاداری علامه محمد کرمی دیده می شد، اینکه از پخت و پز خبری نبود و مراسم عزاداری علامه به صورت ساده‌ترین وجه ممکن برگزار شد. این مراسم نیز در شهرهای دیگر استان خوزستان به همین نحو برگزار می شد.



فراخور حالشان با آنها ارتباط برقرار می کردند. مثلاً با یک فرد دانشگاهی متفاوت از یک فرد عامی حتی در بحث تفسیر نیز متفاوت بودند. اینکه خود شیخ به این مسئله اهتمام داشت برای اطرافیان نیز مشهود بود.

● درباره تألیفات علامه کرمی توضیحی داشته باشید.

درباره تألیفات ایشان باید گفت که هر کدام از تألیفات علامه محمد کرمی معنا و مفهوم خاص خودش را دارد که در شرایط زمانی خاصی تألیف شده است. به گونه‌ای نیست که بتوان یکی از کتب علامه را با عنوان مورد برجسته و بارز انتخاب کرد. هر کدام از کتب ایشان نکات ظریفی را در برمی گیرد. به عنوان مثال الحیات الروحیه در بردارنده مطالبی همچون طنز، شعر، تاریخ و... می باشد که بیشتر جوانب زندگی را در نظر گرفته است. کتاب القول المسدد نیز

زمانی زندگی می کردند که در محیط ایشان مجال بروز جایگاه علمی برای همه افراد فراهم نبود ولی ایشان توانستند از لحاظ علمی به درجات بالایی برسند و ایشان همه اینها را به تنهایی سپری کردند و روی پای خودشان ایستادند.

● گویا علامه محمد کرمی قائل بودند نباید همه اعتقادات و باورهای قبلی را بدون تحقیق پذیرفت. در این باره توضیحی بفرمایید.

بله. به طور مثال ایشان درباره ترویج شعائر حسینی و در عین حال مبارزه با عقاید باطله، اهتمام ویژه‌ای داشتند. باید گفت ایشان همه مراسمی که در عزاداری امام حسین (ع) انجام می شد را قبول نداشتند و می گفتند این مراسم نباید باعث آزار مردم شود. درباره دمام که نوعی عزاداری در خوزستان می باشد، معتقد بودند صدای دمام باعث مردم آزاری می شود که نباید در مکان‌های عمومی انجام شود. علامه محمد کرمی اعتقاد داشتند باید سیره امام حسین (ع) در اجتماع پیاده شود و افکار امام حسین (ع) را بر اساس آنچه که باید باشد در جامعه ترویج می دادند. علامه محمد کرمی خصوصیات بارزی داشتند و آن اینکه در قبال برخوردهای مردم به



## کمک به طلاب؛ در خفا و با عفت

علامه بزرگوار شیخ محمد کرمی در عین سادگی بسیار متین و باوقار بودند. اهل تجمل نبودند و رفتارشان با نیازمندان یکی از ویژگی‌های بارزشان بود که به هیچ وجه متوجه نمی‌شدیم کدام مراجعه‌کننده نیازمند است و قرار است از علامه پولی دریافت کند؛ این کار را در خفا و با عفت انجام می‌دادند. اینها بخشهایی از گفت‌وگوی تحریریه نشریه راجحه است که با عباس کروشاوی، یکی از همراهان و شاگردان علامه شیخ محمد کرمی انجام شده است.

● از خود و فعالیت‌های تالی اجتماعی که داشته‌اید، بفرمایید و حضور شما در جنگ تحمیلی و ارتباطی که با علامه محمد کرمی، از کجاشکل گرفت.

در ابتدا در کمیته انقلاب اسلامی خدمت می‌کردم که در منطقه مرزی به نام «سعیدیه» در مرز ایران و عراق و از نواحی بستان مشغول به فعالیت بودم. زمانی که در سپاه مشغول بودم ارتباطم با علامه محمد کرمی کم شده بود. و آن هم به دلیل وجود مشغله‌های نظامی و استقرار در مناطق مرزی بود. آن زمان نیز شیخ علی

کرمی، برادر علامه محمد کرمی از مسئولین کمیته در آن دوره بود.

● از فعالیتی که در دوره انقلاب اسلامی و تاسیس حوزه علمیه آیت‌الله کرمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اید، برایمان بگویید.

در آن بازه زمانی و برای تبلیغ مذهب تشیع، سفرهایی به کویت و عربستان داشتم که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی صورت می‌گرفت. نکته جالب اینکه دوستی در کویت

داشتم که مهر بزرگی را برای من طراحی کرده بود و هدیه داده بود که متن «الله اکبر، خمینی رهبر» داشت و برای تبلیغات شهری از آن استفاده می‌شد. در آن دوران همه ما برای رضای خدا کار می‌کردیم، برای خدمت به اسلام و مسلمین بود که همه این تلاش‌ها مشمر ثمر بود.

جریان تاسیس حوزه علمیه آیت‌الله کرمی و آمدن ایشان از قم به اهواز اینگونه بود که پس از اصرار شیوخ و بزرگان خوزستان و درخواستشان از علامه کرمی برای آمدن به اهواز و پرکردن جایگاه مرجعیت پدر بزرگوارشان محمد طه کرمی در این شهر، علامه محمد کرمی در سال ۱۳۴۷ به اهواز آمدند.

پس از آمدن به اهواز و استقرار در این شهر تصمیم بر تاسیس حوزه علمیه خود گرفتند که علاقه‌مندان و مریدان ایشان و افرادی که خانواده اهل فضل و علم علامه کرمی مانند شیخ محمدطه و شیخ نصرالله کرمی را می‌شناختند از سراسر مناطق همجوار به سمت این حوزه علمیه سرازیر شدند. این حوزه علمیه با حضور علامه محمد کرمی به صورتی خاص و شاخص مورد توجه بود.

برای مثال خود بنده در سن ۲۶ سالگی از سعیدیه که یک شهر مرزی بود به محض شنیدن خبر رسیدن ایشان به اهواز و تاسیس این حوزه علمیه خودم را به اهواز رساندم که بتوانم هر چه بیشتر از حضور پربرکت ایشان بیشترین بهره را ببرم. همین‌طور طلبه‌هایی از شهرهای بزرگ و کوچک اطراف می‌آمدند. خرمشهر، آبادان، هویزه، سوسنگرد، امیدیه و

خانه حدود سه یا چهار میلیون تومان بود.

علامه پول را قبول نکردند. آن بنده خدا با اصرار می‌گفت من این همه راه از اصفهان آمدم و می‌خواهم پول جای مطمئنی باشد و هم جای درستی مصرف شود. علامه شیخ کرمی به او گفتند مگر اصفهان فقیر ندارد که برای مردم آنجا خرج شود؟ سپس شخص مورد اطمینانی را به ایشان برای پرداخت این مبلغ معرفی کردند و خود حاضر به تحویل گرفتن آن نشدند.

علامه محمد کرمی زندگی ساده‌ای همراه با همسر و خواهر بیمارشان داشتند. روزی به خانه ایشان رفته بودم که همسرشان از من استقبال کرده و گفتند هوا بسیار سرد است. شیشه‌اتاق شیخ علامه نیز شکسته و تخت ایشان کنار پنجره است. تختی که خود علامه با چوب و الوار معمولی ساخته بودند. وارد اتاق ایشان شدم. باد سردی می‌آمد. شیخ

اعتماد مردم به علامه محمد کرمی برای پرداخت وجوهات شرعی زبازد بود. بارها افرادی را می‌دیدیم که در حوزه یا مسجد و قبل از حضور علامه ساعت‌ها منتظر بودند تا ایشان برسند و وجوهات خود را پرداخت کنند.

حدود سال ۷۴ بود که آقای به علامه کرمی مراجعه کردند. از نجف‌آباد اصفهان آمده بود. بعد از پرس‌وجو مسجد علامه کرمی را پیدا کرده و به سراغ ایشان آمد. بیست میلیون تومان به همراه داشت. به علامه گفته بود بعد از پرس‌وجوی بسیار به این نتیجه رسیده‌ام که این مبلغ را حتماً به دست شما برسانم. در آن زمان قیمت یک

دیدگاه

## از علم آموزی تا فاکسپاری در مجره

حوزه علمیه اغلب برای مخاطبان علوم دینی و مذهبی از جایگاه رفیع و استراتژیکی برخوردار بوده است به گونه‌ای که در ادوار مختلف تاریخی شاهد نقش سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی این مکان بوده‌ایم. حوزه علمیه توانسته علاوه بر کاربرد یادگیری و آموزش مبانی علوم دینی و مذهبی در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی، اقتصادی و مردمی و رهبری جامعه توسط مرجعیت و تشکیل حکومت‌های دینی تاثیر گذار باشد. حضور آیات عظام و عالمان وارسته‌ای همچون علامه محمد کرمی در صدر امور تربیتی حوزه‌های علمیه نیز موجد این مدعاست که تصمیم‌گیری‌ها و حضور این گونه فرهیختگان فرزانه تا چه حد در پیشبرد علوم دینی و مذهبی موثر می‌باشد.

علامه محمد کرمی با توجه به ارادتی که به جایگاه علم و آموزش در حوزه علمیه و از سوی طلاب داشتند، قبل از فوتشان، مسجد و حوزه علمیه را وقف کردند. بنا به وصیتشان نیز در حجره‌ای که ۳۰ سال محل تدریس به طلاب حوزه بود خاکسپاری شد.



**ایشان در عین سادگی بسیار متین و باوقار بودند. اهل تجمل نبودند و رفتارشان با نیازمندان یکی از ویژگی‌های بارزشان بود که ما به هیچ وجه متوجه نمی‌شدیم کدام مراجعه‌کننده به شیخ علامه نیازمند است و قرار است از شیخ علامه پولی دریافت کند. این کار را در خفا و بسیار با عفت انجام می‌دادند. حتی در دادن وجوهات به طلبه‌ها هم این گونه رفتار می‌کردند. همیشه اهل تواضع بود. حتی این تواضع در راه رفتنشان مشاهده می‌شد. حدود بیست از بیست سال در خدمت ایشان بودم و مرید علامه محمد کرمی بودم. کارهای حوزه علمیه را از ریز و درشت انجام می‌دادم. گاهی قبل از نماز نیاز می‌شد مسجد را جارو بزنیم یا آن را برای نماز آماده کنیم که ایشان خودشان همراهی می‌کردند و دست به کار می‌شدند. کمک می‌کردند و تواضعشان در این حد و بدون هیچ تکبری در رفتارشان مشاهده می‌شد.**



خیلی شهرهای دیگر. علامه محمد کرمی در همان سال‌های اول تاسیس این حوزه علمیه که در ابتدا خانه‌ای خریداری شده بود شروع به ساختن کردند و آن ساختمان را به محلی مناسب برای حوزه علمیه تبدیل کردند. در آن زمان بنده و هم دوره‌ای هایم اولین ورودی به این حوزه علمیه بودیم که قریب به ۱۵۰ نفر می‌شدیم.

● از اخلاق علامه محمد کرمی در برخورد و تدریسشان چه چیزی برای شما شاخص بود.

تدریس و اخلاق ایشان برای ما همیشه الگویی پدرانه بود. از مهربانی، توجه و دلسوزی که نسبت به ما داشتند گرفته تا موارد دیگر. ایشان در عین سادگی بسیار متین و باوقار بودند. اهل تجمل نبودند و رفتارشان با نیازمندان یکی

در خاطره دیگری یاد دارم کسی را برای خرید سیب به بازار فرستاده بودند. پانصد تومان به ایشان پول داده بودند. آن بنده خدا بعد از مراجعه به بازار، سیب را کیلویی هفتصد تومان خریده بودند. سیب مرغوبی انتخاب کرده بود. علامه سیب‌ها را دیدند. گفتند سیب‌های خوبی هستند، قیمتشان چقدر است؟ بعد از پیگیری، شیخ متوجه شدند کیلویی هفتصد تومان است. ایشان جواب دادند اولاً ما این سیب‌ها را نمی‌خوریم، دوماً شما با چه اجازه‌ای به پولی که من به شما دادم اضافه کردید؟! به بازار برگردید و این سیب‌ها را پس دهید و از سیب‌های معمولی که همه مصرف می‌کنند به اندازه پولی که به شما دادم خریداری کنید!

عادل ساعدی

مقوایی برای قسمت شکسته شیشه گذاشته بودند. شیخ کسالت داشت. چند روزی بود که نه به مسجد می‌رفت و نه به حوزه. با علامه صحبت کردم که اگر اجازه دهند شیشه را عوض کنم. گفتند برای چه؟ گفتم شما کسالت دارید و یاد سردی می‌آید. گفتند لازم نیست این شیشه فقط یک چهارم شکسته است، باقی آن سالم است و من مقوایی گذاشته‌ام که مشکل را برطرف کند. اصرار بنده هم بی‌نتیجه بود!

یک نکته دیگر اینکه در مقطعی از زمان، اغلب خریدهای منزل علامه را بنده انجام می‌دادم. یادم است اواخر عمرشان ماهی نمی‌خوردند. از همسرشان دلیل را جویا شدم. گفتند شیخ قبول نمی‌کند. شیخ گفته بودند ماهی گران شده و ما استطاعت خرید ماهی را نداریم، فقرا هم نمی‌توانند ماهی بخورند. پس ما چگونه بخوریم؟! این‌ها واقعیاتی است که من از نزدیک در زندگی شیخ علامه لمس کرده بودم.



ارائه مباحث زندگی فردی و اجتماعی با روش قرآن

## تفسیر راهگشای منیر

پانزدهمین دوره همایش بین‌المللی بانوان قرآن پژوه با داشتن سابقه برپایی ۱۴ دوره، آذرماه سال ۹۷ در مشهد مقدس برگزار می‌شود. همایش بین‌المللی بانوان قرآن پژوه هر ساله به ابتکار مرکز فرهنگی بانوان قرآن پژوه وابسته به مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) و با همراهی سازمان‌ها و نهادهای همکار چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جهاددانشگاهی، شبکه قرآن و معارف سیما، شهرداری تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، رادیو قرآن و امسال با همکاری معاونت‌های مختلف آستان مقدس رضوی و شهرداری مشهد با هدف تجلیل و تکریم از بانوان فعال، پژوهشگر و هنرمند در عرصه قرآنی کشور برپا می‌شود.

و فلسفی نیز توجه دارد.

مفسر در مقدمهٔ اجمالی خود بر تفسیرش، انگیزهٔ خود را ارائه مباحثی جهت بیان و تثبیت روشی در زندگی فردی و اجتماعی که برابر با روش قرآن باشد می‌داند. بدین جهت محور مطالب تفسیر را، زندگی اجتماعی انسان قرار داده است و بقیه مباحث را در حاشیهٔ آن می‌داند.

روش مفسر در مطرح کردن مباحث بدین طریق است که در سوره‌ها پس از ارائه اطلاعات

کتاب تفسیر «التفسیر لکتاب الله المنیر» از آثار علامه جلیل‌القدر محمد کرمی است که همچون دیگر آثار علامه به زبان عربی تألیف شده است. این تفسیر گرانقدر در ۸ مجلد به ترتیب سوره‌ها تفسیر شده است. یکی از تفاسیر فشرده و از نظر نثر مخصوص به خود است. روش مفسر، تحلیلی و بیانی است. بدون اینکه بخواهد بحث‌های ادبی، لغوی و قرائت را مطرح کند. نگرش مفسر به مباحث قرآن، نگرشی اجتماعی و اخلاقی است. به جنبه‌های عقلی

کلی مانند نام سوره، محل نزول، عدد آیات، بیان فضل آن سوره، آیه به آیه به پیش می‌رود، پس از ذکر آیه به موضوعی خاص مناسب با آن می‌پردازد، در صورت داشتن اسباب نزول آن را ذکر کرده، و به توضیح چارچوب کلی آیه و شرح بیانی مختصری از آن، اهتمام می‌ورزد.

ایشان بر لغات خاص آیه که دارای معانی محوری است نیز تکیه کرده در صورت اغماض به شرح لغوی آن همت می‌گمارد و محوری جهت توضیح و تبیین آن آیه می‌گردد. مؤلف بدون در نظر گرفتن نکات ادبی، بلاغی و قرائتی، به شرح پیام و دعوت آیه و نکات حیاتی آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان، می‌پردازد.

در آیات احکام، به شکل مختصر به دیدگاه شیعه دربارهٔ آن آیه و حکم مستنبط از آن و ذکر موارد خلاف بین شیعه و اهل سنت (بدون تعصب یا برخورد توهین آمیز) می‌پردازد. به عنوان نمونه، آیهٔ ۶ سورهٔ مائده و سورهٔ نساء آیهٔ دو بحث وضو و جواز متعه را بیان می‌کند. در این بخش به آیات ناسخ و منسوخ نیز اشاره می‌کند. مانند ج ۱ ص ۳۲۰ که به احکام مربوط به زوجه بعد از وفات همسر می‌پردازد.

در مسائل عقیدتی و کلامی نیز دیدگاه شیعه مورد نظر اوست. در مسائل امامت، عصمت، الامر بین الامرین در جبر و اختیار، توحید، رؤیت خداوند و موارد دیگر تبیین‌گر آن اعتقاد می‌باشد. نمونه‌ای دیگر آیه ۱۴۸ سورهٔ انعام در جلد سوم تفسیر ص ۲۴۵ مسئلهٔ جبر و اختیار را مطرح و دیدگاه شیعه را تبیین و اختیار می‌نماید.

موضع مفسر برابر اخبار اسرائیلیات، اجتناب از نقل آنهاست. ایشان مطالبی که به نوعی توهین به انبیاء و ملائکه محسوب می‌گردد را رد نموده و اخباری که با آیه سازگار نباشد را توجیه و تأویل می‌کند مانند ج ۱ صفحهٔ ۱۲۵ در قصهٔ هاروت و ماروت و آنچه به حضرت سلیمان (ع) نسبت داده شده است. گاهی نیز در پایان توضیحات، خلاصهٔ بحث را ارائه می‌دهد و تحت عنوان نکات استفاده شده از آیات به تلخیص آن می‌پردازد.

در مقدمه و لابلای تفسیر به منابع اقوال و اخبار و آثار اشاره ندارد. دیدگاه تبیینی ایشان سبب شده بحث‌های موضوعی فراوانی لابلای توضیح آیات مطرح شود که در فهرست موضوعات

- روش مفسر در
- مطرح کردن
- مباحث بدین
- طریق است
- که در سوره‌ها
- پس از ارائه
- اطلاعات کلی
- مانند نام سوره،
- محل نزول،
- عدد آیات، بیان،
- فضل آن سوره،
- آیه به آیه به
- پیش می‌رود،
- پس از ذکر آیه
- به موضوعی
- خاص مناسب با
- آن می‌پردازد



دیدگاه

## هر چه نماز خوانده‌ای را اعاده کنی

علامه محمد کرمی از صحبت‌های حاشیه‌ای و مخصوصاً غیبت کردن پرهیز می‌کردند. روزی شخصی برای دیدن علامه محمد کرمی آمده بود. خدمت ایشان عرضه داشت شب گذشته در مراسمی صحبت شما به میان آمد و نقدهایی بر رفتار و عملکرد شما داشتند. من با آنها برخورد کردم و پاسخ دادم شناخت شما به علامه کرمی اشتباه است و از مجلس با دلخوری خارج شدم.

مرحوم علامه کرمی در پاسخ به آن مرد گفتند، بیان این حرف‌ها پیش بنده بسیار کار نادرستی است و نباید این حرف‌ها را به من منتقل می‌کردید. حال چند مسئله اینجا پیش آمد.

شما چیزهایی را برای من بازگو کردید که من نه دیده‌ام و نه شنیده‌ام. این باعث فاصله و اختلاف بین من و آن جماعت شد. اگر هم شما می‌خواهید از من دفاع کنید به عنوان روحانی محل یا هر شخصیتی باید قره‌الی‌الله باشد نه قربت و نزدیکی به من که برای من تعریف می‌کنید و نیازی نیست که از من حمایت کنید. علامه کرمی از مراجعه‌کننده خواستند صحبتش را ادامه ندهد و به او گفتند بهتر است بروی استغفار کنی؛ و اگر آدم پایبند به اصولی هستی هر چه نماز خوانده‌ای را اعاده کنی.

علامه محمد کرمی تأکید ویژه‌ای به نماز جماعت داشتند و همیشه در دید و بازدید مردمی و مراجعات مردم به ایشان که همزمان با نماز ظهر بود، بر اقامه نماز جماعت تأکید می‌کردند.



ب) تکرار زیاد ذکر بهشت و نعمتهای آن و جهنم و عذابهای آن  
ج) تکرار زیاد قصص انبیاء با عبارات مشابه  
د) اشکال بر بحث جهاد، قتل کفار و مشرکین، سفک دماء و...

سپس بحثهایی درباره‌ی دین، انشعاب مسلمین، دوری مردم این عصر از دین، وظیفه‌ی انسان عاقل آزاد متدین در دنیای امروز مطرح می‌کند. در این بخش از بحثهای اجتماعی به بررسی وضعیت قرن ۲۰ از نظر فساد و فحشاء، قتل و جنگ، تمدن غربی، وظیفه‌ی فرد مسلمان، علما و فقه اسلامی، جنگ ایران و عراق و دشمنی امریکا، می‌پردازد. در نهایت در جلد هشتم این تفسیر با فصلی رو به رو می‌شویم به نام «عقود من حیاتی» که علامه محمد کرمی پس از تفسیر قرآن و پایان آن در این فصل به زندگی خود و فرزندانش می‌پردازد که از دوران کودکی علامه محمد کرمی تا فعالیت‌های علمی و سیاسی‌شان را می‌توان از زبان خود علامه محمد کرمی مطالعه کرد که خالی از لطف نیست. تدوین این تفسیر در ۵ ربیع‌الاول سال ۱۴۰۱ق پایان یافته است.

این تفسیر در سال ۱۴۰۲ق در قم توسط علامه کرمی در چاپخانه‌ی علمیه به قطع وزیری در ۸ جلد به زیور طبع آراسته شده است. فهرست تفصیلی مطالب هر جزء در انتهای آن چشم‌نواز محققین خواهد بود و در مجموع تفسیر یاد شده بر نثری جذاب و توانمند استوار است و در تبیین پیام آیات و ارتباط آیات با یکدیگر و تحلیل آنها بسیار دقیق و موفق می‌باشد.

کتاب نمایان است. مباحث عقایدی ذیل سوره‌ی توحید از آن جمله‌اند جلد ۸ ص ۲۹۸، شامل: العقیده فی القرآن: اثبات الصانع، توحید الصانع، صفات الصانع و منها العدل. النبوات العامة و خصوصیه الاسلام و علو رتبه نبیه. الوصایه و الامامة و بحث در آیه انذار، آیه تطهیر، غدیر، آیه مباحله، حدیث کساء، حدیث ثقلین، حدیث منزلت. بحث معاد شامل معاد جسمانی، حساب و عتاب و ثواب و...

مفسر عالی‌قدر علامه محمد کرمی مقدمه‌ای کوتاه در زمینه‌ی مباحث علوم قرآنی و بحثهای تمهیدی تفسیر نگاشته و درباره‌ی جایگاه رفیع قرآن، مقایسه‌ی آن با کلام عربی انسانها، کلمات، شیوه‌ی ترکیب جملات، اسلوب بیان، سبک استدلال، برهان، ارشادات و موعظه‌ها، نظم و تقریر، حکمتها، تاریخ و سیر آن، سخن گفته است. همچنین درباره‌ی نزول و ویژگی سوره‌های مکی و مدنی اشاره دارد.

ایشان در انتهای تفسیر به عنوان خاتمه (صفحه ۳۳۲ ج ۸ به بعد) بحثی درباره‌ی «مضامین قرآن مجید» و بیان مهمترین اهداف قرآن، ارائه می‌دهند و در آن ۴ هدف اساسی را مطرح می‌کنند:

اثبات صانع و تحقق روز قیامت، بیان سیره انبیاء به عنوان سیره متقن، معقول و معتدل، تربیت انسانها و رشد دادن اخلاق فاضله، بیان احکام و قوانین شرعی جهت اداره جامعه.

پس از آن به بررسی برخی اشکالات مطرح شده درباره‌ی قرآن پرداخته و در صدد پاسخگویی به آنها برمی‌آید. اشکالاتی از قبیل:

الف) مجمع بودن قرآن و مشکل شدن فهم آن



حجت الاسلام سید محمد رضا شفیعی تصریح کرد

## ضرورت تألیف موسوعه‌ای برای ماندگاری آثار علامه

علامه بزرگوار، شیخ محمد کرمی از بزرگان و علمای خوزستان بودند که صحبت درباره این شخصیت وارسته در همه ابعاد شناختی‌شان قابل تأمل و تدقیق است. حجت الاسلام سید محمد رضا شفیعی از مدرسین علوم دینی، در گفت و گویی که با نشریه رایحه داشتند بر شیخ ابعاد شناختی علامه محمد کرمی را مورد بررسی قرار دادند و مهمترین قدم در راستای ماندگاری و حفظ آثار علامه محمد کرمی را تألیف موسوعه‌ای در این راستا بیان کرد.

زبان عربی هستند، همتی صورت گیرد تا استفاده از آن عمومیت یابد.

نکته قابل توجه و کلی در مورد آثار ایشان تأکید بر عقلانیت است. مسائل دینی را به صورت مستدل و معقول و قابل عرضه به دیگران مطرح می‌کنند و این نکته مهمی است. علامه کرمی پنجاه سال نوشتند و دهها کتاب به یادگار از ایشان باقی مانده است. با توجه به سایر مشاغل دینی و اجتماعی ایشان این حجم از تألیفات سودمند بسیار ارزشمند است.

● بارزترین نکات در تألیفات علامه که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند چه بوده است.

از نکات بارز در تألیفات ایشان تنوع در علوم گوناگون، رویکرد عقلی و اخلاقی و بیان مطالب با قلم گیرا و موجز که جاذب مخاطب باشد را می‌توان نام برد. در مواردی که نیاز به اطاله کلام نیست بنا را بر اختصار در بیان مطالب می‌گذارد. مطلب دیگر ادیب بودن علامه است. علاوه بر اینکه تألیفاتی در شرح کتب ادبی، صرف و نحو و بلاغت داشتند، خود ایشان طبع شعر هم داشتند و دارای دیوان اشعار هستند و اشعاری با مضامین اخلاقی و اجتماعی دارند.

● نگاه و رویکرد شما در ارتباط با آثار علامه محمد کرمی چیست؟

قبل از اینکه توضیحاتی پیرامون آثار ایشان عرض کنم، در ابتدا ذکر یک نکته مهم است و آن اینکه علامه کرمی علاوه بر تألیفات مطبوعه آثاری دارند که هنوز به زیر چاپ نرفته است. همچنین کتب مطبوعه ایشان نیاز به بازنشر دارند و باید مصادر، منابع و فهرست‌ها مشخص شوند، تا برای اهل علم و تحقیق بیشتر ایجاد رغبت کند. البته قابل ذکر است افرادی باید وارد این عرصه شوند که خودشان اهل فضل و تحقیق باشند چه حوزوی و چه دانشگاهی تا با اصطلاحات و مطالب علمی آشنایی داشته باشند و بتوانند ذخیره گراندقدر علامه با تألیف ده‌ها جلد کتاب را احیا کنند. مرحوم آیت‌الله کرمی شخصی بودند که در علوم مختلف زحمت کشیدند و کار کردند. حیث است آثار ارزشمند ایشان در میان کتاب‌هایی که ده‌ها سال پیش چاپ شده است دست نخورده باقی بماند. ضرورت دارد تیم یا مجموعه‌ای تشکیل شده و آثار ایشان به صورت یک موسوعه چاپ شود. همتی نیاز دارد که به این هدف رسید. باید برای ترجمه کتب ایشان در بخش تألیفات اخلاقی و شرح نهج‌البلاغه و اعتقادات که به



ایشان همه عمر مشغول درس و تدریس و تألیف بودند، البته در مقاطع خاص و مهمی وارد عرصه سیاست شدند مانند حضور در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، در عین حال به مسائل اجتماعی مردم توجه بسیار داشتند و یک عالم منزوی گوشه‌گیر نبودند. ارتباطات مردمی و ساخت بیمارستان و خدمات اجتماعی دیگرشان نشان می‌دهد ایشان عالمی بودند که از مسائل مرتبط با مردم آگاه بودند و این توجه در تألیفات ایشان هم دیده می‌شود.

### ● در ارتباط با قلم علامه و نوع نگارش و تألیف ایشان اشاره‌ای داشته باشید.

یکی از خصوصیات نگارش و قلم علامه خلاصه‌گویی است یعنی به جز مواردی که نیاز به توضیح دارد اطاله کلام نمی‌کند و مستقیم وارد اصل مطلب می‌شوند. ایجاز ایشان خللی به مطلب وارد نمی‌کند و به فهم مخاطب اعتماد می‌کند. علامه محمد کرمی از جمله علمایی بودند که علاوه بر جنبه‌های اجتماعی و ارتباطی که با مردم داشتند برای ارشاد مردم و هدایت آنها در زمینه‌های دینی و مطالعه و تدریس که از شئون هر فقیهی هست، خصوصیت بارزی داشتند که قلم‌گیرا و ارزشمندشان بود و خود علامه میل زیادی به تألیف داشتند.

در مقدمه یکی از کتاب‌هایشان ذکر می‌کنند همیشه تمایل داشتیم آن چیزی را که می‌آموزم بنویسم و در اختیار دیگران قرار دهم و این رویه را در طول عمرشان داشتند. با نگاهی به سال تألیف کتاب‌هایشان خواهیم دید از سن جوانی و زیر ۲۵ سالگی تألیف را آغاز کرده‌اند و تا اواخر عمرشان که حدود ۸۰ سال بود این مهم ادامه داشت و تقریباً حدود پنجاه سال ایشان به طور مستمر در کنار همه اجتهاداتی که داشتند مشغول تألیف بودند.

تألیف و نوشتن کتاب خود مستلزم مطالعه مستمر و آماده‌سازی مطالب و انجام مقدماتی است تا به مرحله چاپ برسد و می‌توان گفت ده‌ها کتاب از ایشان به جای مانده که بالغ بر بیش از ۳۰ عنوان کتاب است و بسیاری از این عناوین شامل چندین جلد کتاب می‌شود. این امر بیانگر این است که علامه محمد کرمی به مسئله تألیف و نوشتن بسیار اهتمام داشتند.

کتاب‌های تألیف شده ایشان با پشتوانه مطالعه و علم و تدریس نوشته شده‌اند. حقیقتاً برای نشر معارف دینی مایه گذاشتند. نکته قابل اشاره اینکه متأسفانه بسیاری از تألیفات و آثار علامه محمد کرمی با وجود کیفیت بالایی که دارند حتی برای خیلی از افرادی که اهل علم و تحقیق هستند، شناخته شده نیستند و این واقعاً جای تأسف دارد. علامه محمد کرمی تألیفات ارزشمندی داشتند که از نظر علمی قابل توجه هستند اما به دلیل تبلیغ نشدن و عدم چاپ مناسب برای اهل تحقیق قابل استفاده نیستند و ناشناخته باقی مانده‌اند.

خصوصیت دیگر در تألیفات علامه محمد کرمی تنوع آنهاست. ایشان به فقه و اجتهاد معروف بوده‌اند. پس طبیعی است که در زمینه فقه و اصول تألیفاتی داشته باشند. اما در سایر علوم اسلامی از قبیل علم کلام (اعتقادات)، اخلاق، صرف و نحو، بلاغت، علم منطق و سایر فنون اسلامی نیز دست به قلم شده‌اند. به هر روی تنوع تألیفات ایشان نشانه تبحر در علوم و زمینه‌های معارف اسلامی است و از این نظر بسیار شایسته است که ما آشنایی با تألیفاتشان داشته باشیم.

### ● در شرح نهج البلاغه علامه کرمی چه نکاتی در محوریت موضوعات قرار گرفته‌اند.

مرحوم علامه کرمی فرموده‌اند من از دوره نوجوانی با کتاب نهج البلاغه مأنوس بودم، مطالعه می‌کردم و رووی آن کار می‌کردم. همین شوق به کتاب نهج البلاغه که در وجود ایشان بوده و تنوع و عمق معارف موجود در این کتاب شریف انگیزه ایشان در شرح نهج البلاغه بوده است.

همان‌طور که بسیاری از علما این کتاب را مورد توجه خود قرار داده بودند و شرح‌هایی نوشته‌اند، علامه محمد کرمی هم شرحی شش جلدی به نهج البلاغه با نام بحوث و آراء دارند. البته این‌طور نیست که به ترتیب باشد و از نهج البلاغه خطبه‌ها، سپس نامه‌ها و بعد کلمات قصار را شرح کنند بلکه در واقع یک نوع شرح موضوعی است. به طور مثال شرح را با بیان یک سری موضوعات از قبیل شخصیت والای امام علی (ع) و زندگی ایشان، سیاست‌های امیرالمؤمنین (ع)، اخلاق ایشان،

روش‌های حکومت‌داری و دیگر موضوعات و مطالب دسته‌بندی کرده و در مجلدات مختلف مورد بحث قرار می‌دهند. همچنین به علومی که در حاشیه نهج البلاغه قابل بررسی است پرداخته‌اند. مانند ادبیات در نهج البلاغه، اخلاق در نهج البلاغه، تاریخ در نهج البلاغه، اعتقاداتی که در نهج البلاغه مطرح شده و حتی حکمت‌ها و ضرب‌المثل‌ها و سایر مطالبی که در کتاب نهج البلاغه مورد استفاده بوده را بیان و عرضه کرده‌اند.

### ● زمینه‌های اصلی پرداخته شده در تفسیر المنیر چیست و چگونه بررسی شده‌اند.

در علم تفسیر مفسر باید به تعدادی از علوم اسلامی تسلط داشته باشد. از جمله فقه، اصول، تاریخ، منطق و کلام. ایشان با توجه به احاطه علمی که به علوم مختلف داشتند تفسیری را به ترتیب سوره‌های قرآن تدوین کردند که به نام تفسیر المنیر معروف شده و عنوان دقیق آن التفسیر لکتاب الله المنیر است. این کتاب در هشت جلد تدوین شده و تألیف آن سیزده سال طول کشیده است. یعنی از سن ۴۸ سالگی ایشان آغاز شده و تا سن ۶۱ سالگی ادامه یافته است. در سنین اوج احاطه علمی ایشان به مطالب این کتاب نگاشته شده و تفسیر کامل قرآن است. لازم به ذکر است رویکردی که در نهج البلاغه ذکر شد در این کتاب نیز وجود دارد. علامه در این کتاب تحلیل می‌کند اسلام دینی است که به اصلاح اخلاق جامعه و مردم اهتمام دارد و به جنبه عقلانیت دین هم بسیار تأکید می‌کنند. این گونه نیست که دین فقط یک امر تعبدی باشد که از آن چیزی نمی‌فهمیم. علامه کرمی جنبه عقلی و تربیتی و اجتماعی دین را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد مشکلات امروز مسلمین چه فردی و چه اجتماعی با عمل به آیات قرآن قابل حل هستند. البته به‌شان نزول آیات و مسائل اعتقادی و مسائل ادبی که در آیات مطرح است و جوانب مختلف دیگر نیز توجه دارند.

### ● تألیفات علامه در زمینه‌های دیگر بر چه پایه‌هایی استوار بوده است.

در زمینه‌ها و موضوعات مختلف مانند اخلاق علامه کرمی تألیفات متعدد دارند مانند کتابی با نام الفضائل و الرذائل یا کتابی با نام «العواطف الثائرة» یا «موضوعات للعلم والعمل». همچنین



در مقدمه یکی از کتاب‌هایشان ذکر می‌کنند همیشه تمایل داشتیم آن چیزی را که می‌آموزم بنویسم و در اختیار دیگران قرار دهم و این رویه را در طول عمرشان داشتند. با نگاهی به سال تألیف کتاب‌هایشان خواهیم دید از سن جوانی و زیر ۲۵ سالگی تألیف را آغاز کرده‌اند و تا اواخر عمرشان که حدود ۸۰ سال بود این مهم ادامه داشت و تقریباً حدود پنجاه سال ایشان به طور مستمر در کنار همه اجتهاداتی که داشتند مشغول تألیف بودند.

### ایشان نمود بارزی دارد؟

بیشترین اهمیتی که ایشان داشتند در همین زمینه دارند که یکی از آن‌ها کتاب ۱۰ جلدی القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع است که می‌توان گفت از مهم‌ترین کتب ایشان در علم فقه به حساب می‌آید. علت آن هم این است که کتاب شرایع الاسلام از آثار مرحوم محقق حلی که در قرن هفتم هجری تدوین شده از مهم‌ترین منابع و مصادر فقه شیعه است و یک متن بسیار معتبر محسوب می‌شود. در حوزه‌های علمیه تا کمتر از یک قرن پیش این کتاب جزء متون درسی معتبر بود و علما توجه زیادی از بابت کیفیت و ارزش بالایی که از نظر علمی دارد به این کتاب داشتند. کتاب‌های بسیار معروف و مهمی در شرح این کتاب ارزشمند تدوین شده مانند کتاب جواهر الکلام تألیف مرحوم شیخ محمدحسن نجفی که امروزه مهم‌ترین مصدر فقهی شیعه است و تعبیر معروف فقه جواهری هم به خاطر محوریت این کتاب در فقه شیعه می‌باشد.

اثر دیگر ایشان شرح کتاب دروس شهید اول است که ایشان از بزرگان فقه‌های شیعه و صاحب کتاب لمعه بوده‌اند و مرحوم آیت‌الله محمد کرمی در هشت جلد کتاب دروس را شرح کرده‌اند. کتاب بعدی شرح کتاب مکاسب شیخ انصاری است که از کتب محوری فقه شیعه بوده و در حوزه‌های علمیه یک متن درسی است. نام این کتاب اتحاف الطالب فی حل عقد المکاسب می‌باشد. این نکته را باید مدنظر داشت که ایشان صرفاً شارح کتب نیستند و جایگاه علمی علامه محمد کرمی این نیست. در واقع تحلیل بنده این است که ایشان از سویی احیای میراث گذشتگان می‌کردند تا اینکه کتاب‌های مهم محو نشوند و حضورشان احساس شود و هدف دوم ایشان علاوه بر شرح کتب فوق، نقد آنها هم بوده است.

در مواردی ایشان به عنوان صاحب نظر وارد بحث شده‌اند و انتقادات و اشکالات علمی بر مطالب دارند. به طور مثال در بحث طلب و اراده در جلد اول کتاب کفایه الاصول نظر آخوند را نقد کرده‌اند. همچنین در شرح مکاسب خود در مواردی مانند بحث اخذ اجرت بر واجبات به نقد کلام شیخ انصاری می‌پردازند و موارد دیگری که قابل مراجعه است.



از آخرین آثار علامه کرمی محسوب می‌شود. کتاب دیگری در علم اصول در شرح کتاب معالم الاصول دارند. کتاب معالم الاصول تا چند سال پیش در حوزه‌های علمیه به عنوان متن درسی مورد توجه بود که توسط علامه کرمی با نام اسنی المغانم فی شرح المعالم مورد شرح قرار گرفته است.

مهم‌ترین کتاب اصولی علامه است که شهرت بیشتری هم دارد، کتاب طریق الوصول الی تحقیق کفایه الاصول است که کتاب کفایه الاصول تألیف آخوند خراسانی را مورد شرح و بررسی قرار داده‌اند. کتاب کفایه از مهم‌ترین و در عین حال مغلق‌ترین و پیچیده‌ترین کتاب‌های اصولی است که خود مرحوم آخوند خراسانی آن را با قلم سنگین و دشواری نگاشته‌اند. مطالب را مختصر و دقیق و عمیق بیان کرده‌اند و فهم مطالب این کتاب بدون شرح و کتاب‌های کمکی در این رابطه به راحتی امکان‌پذیر نیست.

علما هم توجه زیادی به این کتاب داشتند تا ابهامات و پیچیدگی‌های آن را رفع کرده و برای استفاده فضلا تسهیل کنند. مرحوم آیت‌الله محمد کرمی هم کتاب چهار جلدی طریق الوصول را در شرح کفایه نگاشته‌اند و در این کتاب عمق علمی ایشان نمایان را می‌توان دریافت. تألیف این کتاب در سال ۱۳۸۳ هجری قمری یعنی در سن ۴۳ سالگی ایشان بوده است و از شروح مناسب و قابل توصیه برای طلاب و فضلا می‌باشد.

### ● بحث فقهی علامه کرمی در کدام اثر

علامه در بحث‌های ادبی تألیفاتی داشتند. در علم صرف و نحو و بلاغت. ایشان بعضی از کتب معروف ادیبان را مورد شرح و بررسی قرار داده‌اند. همچنین در بحث اعتقادات در علم کلام که بسیار مهم بوده و پایه‌های اعتقادی دین و مذهب است نیز اهتمام ورزیده‌اند. کتاب معروفی از علامه حلی وجود دارد با نام شرح الباب الحادی العشر که از کتاب‌های معروف اعتقادی در علم کلام است. مرحوم کرمی این کتاب را در اثر خود با نام «احسن الاثر فی شرح الباب الحادی عش» مورد شرح قرار داده است.

### ● تخصص‌های اصلی علامه در زمینه علوم اسلامی چیست و نتیجه تلاش ایشان را در چه تألیفاتی می‌توان مشاهده کرد.

تخصص‌های اصلی علامه کرمی فقه و اصول می‌باشد و در این دو علم تألیفات متعددی دارند. در علم اصول که مقدمه علم فقه است ایشان تألیفی دارند به نام القول المسدد فی اصول محمد. خصوصیت این کتاب این بوده که توسط خود علامه تدریس می‌شده و در واقع یک دوره فشرده از عناوین علم اصول است و بسیار فشرده و مختصر اما کامل و جامع است. چند اثر اصولی ایشان در واقع شرح کتاب‌های معروف علم اصول است. مانند شرح کتاب رسائل شیخ انصاری که مهم‌ترین اثر اصولی چند قرن اخیر مذهب شیعه می‌باشد که ایشان این کتاب را به نام جواب السائل عن محتوی الرسائل شرح کرده‌اند. تألیف کتاب در سال ۱۴۱۵ هجری قمری یعنی سن ۷۵ سالگی ایشان بود و یکی

- تخصص‌های اصلی علامه کرمی فقه و اصول می‌باشد
- و در این دو علم تألیفات متعددی دارند.
- در علم اصول که مقدمه علم فقه است ایشان تألیفی دارند به نام القول المسدد فی اصول محمد. خصوصیت این کتاب این بوده که توسط خود علامه تدریس می‌شده و در واقع یک دوره فشرده از عناوین علم اصول است

علامه کرمی زندگی ساده‌ای داشتند و هر چه از ایشان بگویم، کم است. مشخصه‌های بارزی داشتند و خصوصیات شخصیتی ایشان در یک محدوده خاصی نبود. جوانمردی، تقید در وقت، بسیط بودن زندگی و ... در کنار اینکه اهل تجمل نبودند، از مهم‌ترین بارزهای این شخصیت بزرگوار بودند.

علامه کرمی با توجه به جایگاه عالی که داشتند و همچنین دسترسی به وجوهات شرعی، لکن زندگی ساده‌ای داشتند.

#### ● توضیحات بیشتری درباره زندگی علامه بفرمایید.

علامه محمد کرمی اهل تألیفات متعددی بودند ولی باز هم ایشان این را به عنوان خودپسندی نمی‌دانستند و به دنبال معروف بودن نبودند. ایشان نمی‌خواستند دیگران را تکلف دهند و کاری برایشان انجام دهند. به یاد دارم یک روز که حال ایشان بد شده و نامساعد بود، همسر ایشان با من تماس گرفت و گفتند حال حاج آقا مساعد نیست، بهتر است ایشان را به بیمارستان برسانیم. ولی ایشان اصلاً راضی نبودند این ساعت از صبح و به خاطر اینکه به بیمارستان بروند و از وقت و استراحت خود بزنند. علامه همان روز صبح تصمیم می‌گیرد برای برگزاری کلاس درسشان از منزل تا حوزه را که حدود ۲۰۰ متر فاصله داشت، طی کنند. احوال ناخوشی داشتند ولی بنا به گفته اطرافیان خودشان را پدیده به حوزه رسانده بودند. طلاب با مشاهده حال نامساعد علامه تماس مجددی با من داشتند که حال علامه وخیم است و باید ایشان را به بیمارستان منتقل کنیم. حسب اوامری که از همسر ایشان گرفتم خودم را به حوزه رساندم و سعی کردم علامه را به بیمارستان منتقل کنم.

ایشان اتاقی داشتند که حدود سی سال در آنجا تدریس می‌کردند. با اینکه هوا زیاد گرم نبود ولی با توجه به بدحال بودنشان می‌گفتند که هوا گرم است. هم‌زمان هم پنکه و هم کولر روشن بوده و بادبزی نیز دستشان داشتند. اصلاً راضی نبودند به بیمارستان بروند. اصرار کردم علامه را به بیمارستان منتقل کنم ولی باز هم قبول نکردند و اظهار داشتند خلق الله از راه دوری به سمت حوزه می‌آیند امکانش نیست کلاس را



عبدالمسین مهاوی

## عمری که وقف اسلام شد

روزی که مراسم تشییع و خاکسپاری علامه شیخ محمد کرمی برگزار شد، زنجیره مردمی که در مراسم حضور پیدا کرده بودند، از سه‌راه خرمشهر که محل بیمارستان وقفی ایشان بود آغاز شد و تا محل خاکسپاری ایشان که حوزه علمیه در خیابان نادری اهواز بود، تشکیل شد. مردم حسب علاقه‌ای که داشتند زنجیر وار این دو نقطه را به هم متصل کردند. مراسم خاکسپاری و عزاداری علامه کرمی چهل روز طول کشید. اینها بخشی از گفت و گوی تحریریه را بجا یکی از نزدیکان علامه، عبدالحسین مهاوی است.

#### ● از اولین ملاقاتی که با علامه داشته‌اید، بفرمایید.

آن خراب شده بود. با این حال ایشان قبول نمی‌کردند با خودروی شخص دیگری سر ساختمان برویم.

علامه کرمی اهتمام ویژه‌ای در ساخت بیمارستان داشتند. سختی‌های بسیاری در این راه کشیدند تا اینکه کار با همه ناملایمی‌ها و عدم همکاری‌هایی که بود، به سرانجام رسید. نکته دیگر اینکه حاج آقا حضور ذهن عجیبی داشتند و داشته‌های ذهنی ایشان زبانزد بود. ایشان فرد باصلابتی بودند و در زندگی روزمره‌شان نیز جدی بودند. البته شوخ‌طبعی‌هایی به وقت خود داشتند.

گرچه علامه کرمی عمر شریفشان را وقف اسلام و دین کرده بودند، اما تاکنون اطلاع‌رسانی مناسبی در خصوص معرفی شخصیت علمی و مذهبی ایشان و همچنین بزرگداشت علمای دینی دیگر استان صورت نگرفته است و به نظر می‌رسد باید درصدد برآییم و اقدام به معرفی این افراد کنیم.

هفت سال قبل از فوت علامه محمد کرمی شخصی به نام عبدالله زرگانی به عنوان راننده در خدمت این بزرگوار بود که بعد از فوت این راننده، من این مسئولیت را قبول کردم. حدود هفت سال در خدمت علامه بودم که در ساخت بیمارستان نیز مشارکت داشتم.

در خصوص هم‌نشینی علامه کرمی خاطرات زیادی هست. روزهای خوبی با ایشان سپری شد. به خاطر دارم ظهرها و در فصل تابستان با این گرمای خوزستان در حالی که ساختمان بیمارستان با حضور کارگران در حال ساخت بود، علامه در آنجا حضور پیدا می‌کردند و در ساعات استراحتشان پیگیر روند ساخت و ساز می‌شدند. مناعت طبع علامه به گونه‌ای بود که قبول نمی‌کردند با خودروهای دیگران در سطح شهر تردد کنیم. آن زمان خودرویی که در اختیار داشتیم مشکل پیدا کرده بود و کولر



انقلاب اسلامی استاندار وقت درخواست کرده بود دیداری با علامه شیخ محمد کرمی داشته باشد. علامه بعد از اینکه چندین نفر و به صورت مکرر خدمت ایشان رسیده بودند قبول کردند یک روز ساعت ۹ صبح استاندار به دیدنش برود. روز موعود ساعت ۹:۲۰ دقیقه راننده استاندار وارد حوزه شد و گفت استاندار در راه است که علامه خطاب به وی گفت به ایشان بگویید امروز دیگر وقتی برای ملاقات ایشان ندارم، اگر تمایل دارند روز دیگری بیایند. بعدها از قول ایشان شنیده شده که هدف از اینکه به استاندار اجازه حضور نداده این بوده که خواسته به ایشان درس بدهد و بگوید تو که استاندار هستی و مسئولیت داری، باید بدانی در قبال مردم چه مسئولیت سنگینی داری و چگونه باید سر وقت حاضر شوی.

درصد نبودند تبلیغاتی در حوزه فعالیتشان داشته باشند ولی به دلیل ارتباط نزدیکی که با مردم داشتند شاهد حضور خیل انبوهی از مردم استان در مراسم خاکسپاری و عزاداری ایشان بودیم.

روز تشییع ایشان مراسم از سه راه خرمشهر که محل بیمارستان وقفی ایشان بود شروع شد و تا محل خاکسپاری ایشان که حوزه علمیه در خیابان نادری بود، ادامه یافت. شاهد حضور انبوه جمعیت بودیم. مردم حسب علاقه‌ای که داشتند زنجیروار این دو نقطه را به هم متصل کردند. برنامه‌ریزی اولیه به این گونه بود که از خیابان گمرگ اهواز تا محل حوزه علمیه مراسم برگزار شود. با توجه به شلوغی جمعیت مسیر تغییر کرد. اینها همه نشأت گرفته از محبتی بود که علامه در دل مردم داشت.

#### ● اگر صحبتی درباره علامه باقیمانده، بفرمایید.

این بخش از سخنم فقط درباره علامه کرمی نیست، معتقدم زندگی بزرگان باید در جایی ثبت شود تا آیندگان بدانند چه افراد بزرگی در استان بوده‌اند. باید ادای وظیفه و تلاش کنید چیزی از قلم نیفتد. علامه اهل تجمل نبودند. وضعیت ظاهری ساختمان حوزه علمیه و مسجد علامه کرمی را که مشاهده می‌کنید بعدها و پس از فوت ایشان توسط شیخ ناصر صورت گرفت. شیخ ناصر اقدام به بازسازی و تجهیز این دو مکان نمودند. علامه شیخ کرمی زندگی خود را وقف کرده بودند. ایشان اهل حکمت بودند. نقل شده در سال‌های قبل از پیروزی

تعطیل کنیم. بالاخره هر جوری بود جلسه تدریس آن روز حوزه برگزار شد ولی در دقایق پایانی تدریس حال ایشان رو به وخامت رفت. با این حال تدریس ادامه یافت. جلسه تدریس از ساعت هفت شروع شده بود و تا هشت و نیم ادامه یافت. بعد از اینکه جلسه به پایان رسید قبول کردند ایشان را به بیمارستان منتقل کنیم. دکتر ساکی بالای سرشان بود. بعد از معاینه متوجه شدند با توجه به وخامت اوضاع ریه و دستگاه گوارششان، دکتر ایدنی باید ایشان را معاینه کنند. بعد از معاینه، دکتر ایدنی گفتند عفونت ریه نیاز به درمان اساسی دارد و باید چند روزی در بیمارستان بستری شوید که علامه در پاسخ گفت امروز چهارشنبه است و من فقط می‌توانم تا عصر جمعه اینجا بمانم. بیشتر از آن برایم مقدور نیست. مسئولیتی دارم و باید ادای وظیفه کنم. مردم از راه دوری می‌آیند نمی‌شود نسبت به آنها بی‌اعتنا بود. خلق الله را نمی‌توان معطل کرد. بالاخره هر طوری بود اطبا قبول کردند بعد از سه روز ایشان را مرخص کنند و ادامه مراقبت‌های ویژه در منزل انجام شود.

#### ● گویا علامه زندگی ساده‌ای داشته‌اند؟

بله. علامه کرمی زندگی ساده‌ای در حد کارگری داشتند. از نزدیک از احوال ایشان خبر داشتم. در خصوص ادای فرایض دینی، اینکه علامه کرمی نماز ظهر و عصر را در مسجد حوزه خودشان اقامه می‌کردند و نماز مغرب و عشاء را در مسجد النبی اقامه می‌کردند. نهم بهمن ماه ۱۳۸۱ و بعد از اینکه نماز مغرب و عشاء به پایان رسید ایشان را به منزل رساندم که حدود ۲۰ دقیقه بعد از آن تماس گرفتند حاج آقا فوت شده است. بعد از اینکه خبر فوت ایشان را شنیدیم باورمان نمی‌شد چه اتفاقی افتاده است. حدود یک ساعت بعد از اینکه خبر به شهرهای دیگر رسید مردم به اهواز آمدند و خیابان نادری که یکی از مسیرهای منتهی به حوزه علمیه بود، با توجه به ازدحام جمعیت مسدود شد.

#### ● با توجه به اینکه شما هفت سال در کنارشان بودید، آیا خاطرات دیگری از ایشان دارید؟

باید بگویم علامه در پی معروف بودن نبودند،



#### علامه در

#### پی‌معروف

#### بودن نبودند،

#### در صد نبودند

#### تبلیغاتی

#### در حوزه

#### فعالیتشان

#### داشته باشند

#### ولی به دلیل

#### ارتباط نزدیکی

#### که با مردم

#### داشتند شاهد

#### حضور خیل

#### انبوهی از

#### مردم استان

#### در مراسم

#### خاکسپاری

#### و عزاداری

#### ایشان بودیم



علامه محمد کرمی سخنرانیهای منظم و برنامه‌ریزی شده‌ای داشتند که از جمله آنها می‌توان به جلسات تفسیر قرآن مجید اشاره کرد که بصورت هفتگی و مداوم برگزار می‌شد.

این علامه جلیل‌القدر در ماه‌های مبارک رمضان نیز و در راستای همان اهداف ارزشمندشان که ارشاد و هدایت جوانان بود و برنامه‌های منظم و دقیقی که از پیش تعیین می‌کردند هر شب و پس از اقامه نماز مغرب اقدام به برگزاری جلسات تفسیر ترتیبی قرآن کریم می‌نمودند که از سوره بقره آغاز شد و تا سوره اعراف ادامه یافت. بعد از اینکه جنگ تحمیلی آغاز شد زمان برگزاری جلسات تفسیر قرآن تغییر پیدا کرد و ظهرها و با بعد از ظهر و یا عصر برگزار می‌شد.

یکی از حسن‌های جلسات تفسیر قرآن کریم علامه محمد کرمی در مسجدالنبی(ص) در منطقه آخر آسفالت اهواز که همیشه شاهد حضور قشرهای مختلف مردم از جوانان گرفته تا سالخوردگان و طلاب و دانشجویان بود، اینکه بیان علامه در تفسیر قرآن به مقتضای حضور افراد در آن مجالس تغییر پیدا می‌کرد. به این گونه که اگر محوریت شرکت‌کنندگان افراد عامه باشند تفسیر نیز به زبان عامیانه بیان می‌شد و اگر با حضور طلاب و افراد متخصص برگزار می‌شد تفسیر نیز به صورت تخصصی بیان می‌شد.

مسجدالنبی اهواز به مساحت ۲۵۰ متر ساخته شده بود که بعد از فوت علامه محمد کرمی توسط شیخ ناصر پسر علامه تجدید بنا شد. نکته قابل توجه در ساخت مسجدالنبی(ص) اینکه علامه محمد کرمی در سال ۵۶ و قبل از اینکه اقدام به ساخت مسجد کنند استخاره گرفتند که مسجد



نگاهی به مسجدالنبی اهواز

## پایگاه وقف و تفسیر

علامه محمد کرمی، یکی از مراجع تقلید و آیات عظام استان خوزستان بودند که در اواسط عمر پر بارشان اقدام به ساخت و وقف حوزه علمیه، مسجد و از همه مهمتر بیمارستان نمودند. یکی از این موارد وقف در اهواز مسجدالنبی اهواز بوده است. مسجدالنبی(ص) شهرستان اهواز در سال ۱۳۵۶ در منطقه آخر آسفالت این شهرستان پس از اینکه علامه شیخ محمد کرمی قطعه زمینی را برای این امر در نظر گرفتند، بنا شد.

مرکز و پایگاهی برای رزمندگان اسلام و امور پشتیبانی نیروهای اعزامی به مناطق عملیاتی در هشت سال دفاع مقدس شد. بسیاری از افرادی که در این مسجد نوبا گرد هم جمع می‌شدند نیز از جمله افرادی شدند که بعدها در تصمیمات مهم استان و حتی کشوری نقش آفرینی کردند.

علامه محمد کرمی با توجه به شرایط اجتماعی حاکم در آن سال‌ها احساس نیاز کردند مسجدی با هدف هدایت و ارشاد جوانان ساخته شود که در این مسجد بسیاری از طلاب حوزه گرد هم جمع می‌شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این مسجد تازه تاسیس

### دیدگاه

و به صورت ساخت و یا بهسازی فضاهایی همچون مسجد، حسینیه، حوزه علمیه، مکتب‌خانه و غیره دیده می‌شود.

همچنین به صورت تأمین نیاز مالی فضاهای آموزشی از سوی واقفان دیده می‌شود. یکی از مواردی که در سال‌های اخیر، در خوزستان دیده شده و به عنوان وقف متفاوتی نام برده می‌شود وقف یکی از مراکز درمانی خوزستان است که از سوی آیت‌الله محمد کرمی و با هدف تأمین نیاز خدمات درمانی قشر آسیب‌پذیر و نیازمند استان خوزستان ساخته و راه‌اندازی شد.

مرکزی که با مشاوره دکتر حسن ساکی و تنی چند از خبره‌های پزشکی استان خوزستان ساخته شد و هم‌اکنون به عنوان یکی از مراجع‌ترین مراکز درمانی استان خوزستان فعالیت می‌کند و ارائه خدمات دارد. گرچه اعتبار لازم برای ساخت

### موقوفات علامه کرمی

مسئله وقف در دین مبین اسلام، همیشه به عنوان یکی از موارد مهم مشارکت و همکاری بین مردم مطرح می‌شود. مشارکتی که در اغلب موارد به عنوان همیاری و همکاری و چه بسا کمک و یا برطرف کردن برخی مشکلات و موانع موجود تعریف می‌شود. در اغلب موارد این همیاری در مسائل مذهبی و دینی نمود بیشتری دارد



دیدگاه

## اجتماع میلیونی برای خاکسپاری علامه

علامه محمد کرمی نهم بهمن‌ماه ۱۳۸۱ دعوت پروردگار را لبیک گفت. شخصیت وارسته‌ای که در کنار مردم، مردم‌داری کرده و پاسخگوی امینی برای بسیاری از مراجعاتشان بودند. بعد از فوتشان در مدرسه علمیه‌ای و بنا به وصیتشان در حجره مخصوص تدریستان به خاک سپرده شدند.

روز تشییع، مراسم از سهراب خرمشهر که محل بیمارستان وقفی ایشان بود شروع شد و تا محل خاکسپاری که حوزه علمیه در خیابان نادری بود، ادامه یافت. مردم حسب علاقه‌ای که داشتند زنجیروار این دو نقطه را به هم متصل کردند. خیابان‌های منتهی به حوزه علمیه مسدود شد. به گفته بسیاری از افرادی که در مراسم خاکسپاری علامه داشتند، بیش از یک میلیون نفر در مراسم حضور یافتند. مجالس و مراسم ختم متعددی در استان برگزار شد که عزاداری ایشان چهل روز ادامه داشت. پیکر علامه کرمی با حضور حجت‌الاسلام محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری در اهواز تشییع شد.



می نمودند و می گفتند که نمی شود مردم بدون اینکه نماز عید بخوانند به شهر خود باز گردند. نکته دیگر درباره مسجد النبی (ص) اهواز اینکه در بیشتر اوقات حلقاتی توسط علامه محمد کرمی با حضور طلاب و آموزگاران برگزار می شد که در ارتباط با تفسیر نهج البلاغه بود که بعدها در قالب کتابی با نام بحوث و آراء تدوین شد. این جلسات نیز متناسب با سطح اطلاع و اشراف مخاطبان و شرکت کنندگان به صورت عامیانه و یا تخصصی بیان می شدند. تأثیر این مسجد در منطقه آخر آسفالت به این صورت بود که بسیاری از جوانان دین‌گریز آن منطقه و حوالی در این مسجد حضور پیدا کردند و از جمله افراد متدین و متعهد جامعه بار آمدند و اینها همه به برکت مسجد النبی (ص) و شیوه عملکرد خود علامه محمد کرمی، ارتباط ایشان با جوانان و مردم و تدابیر و برنامه ریزیهای ایشان در مورد همین جلسات و نشست‌هایی بود که برگزار می شد.

در کدام یک از دو منطقه اهواز (آخر آسفالت و یا لشکر آباد) ساخته شود که استخاره آمد مسجد در منطقه آخر آسفالت ساخته شود. علامه محمد کرمی نیز تصمیم به ساخت مسجد النبی (ص) نمود. در سال ۵۶ زمین خریداری شد و ساخت آن به مدت شش ماه طول کشید. چهل سال بعد و در سال ۹۷ شیخ ناصر کرمی اقدام به تجدید بنا نمود و تجدید بنا چهار ماه ادامه یافت. در خصوص جلسات تفسیر و حضور خود علامه محمد کرمی در نمازهایی که در مناسبت‌های خاص برگزار می شد اینکه علامه محمد کرمی در نماز عید سعید فطر اقدام به اقامه نماز می نمودند. بسیاری از مردم شهرهای اطراف از جمله حمیدیه و شهرهای دیگر نیز به واسطه حضور علامه محمد کرمی در این مسجد حضور پیدا می کردند و علامه کرمی با توجه به مردم‌داری که داشتند گاهی اوقات تا سه بار نیز اقامه نماز عید



### نکته دیگر درباره مسجد النبی (ص)

#### اهواز اینکه

#### در بیشتر

#### اوقات حلقاتی

#### توسط علامه

#### محمد کرمی با

#### حضور طلاب و

#### آموزگاران برگزار

#### می شد که در

#### ارتباط با تفسیر

#### نهج البلاغه بود

#### که بعدها در قالب

#### کتابی با نام بحوث

#### و آراء تدوین شد

از آن نیز این مرکز را وقف کردند.

در خصوص مسجد النبی منطقه آخر آسفالت نیز ایشان تصمیم داشتند مسجدی را در یکی از مناطق اهواز احداث کنند ولی در خصوص ساخت آن و اینکه در کدام نقطه شهر اهواز باشد، استخاره‌ای گرفتند و بنا شد مسجد در منطقه آخر آسفالت احداث شود. بعد از آن نیز مسجد وقف شد.

همچنین ایشان در تأمین بخشی از اعتبار لازم ساخت چند مسجد در اهواز و دشت آزادگان همکاری داشتند. اقداماتی که گرچه اندک بود ولی اکنون و پس از سالیان دراز در یاد و خاطره‌ها جاودانه مانده که مسأله وقف تا چه حد از دید ایشان قابل اهمیت بوده است. همچنین وجوهات شرعی دریافت شده، برای مردم و نیازمندان هزینه شود.

این مرکز از سوی وجوهات شرعی مردم خوزستان تأمین شد، اما نکته مهم ساخت این مرکز اینکه با وجوهات شرعی بود و در ادامه، مطرح کردن بحث وقف آن قابل تأمل است.

نکته‌بینی و دقت نظر آیت‌الله محمد کرمی در اختصاص بخش عظیمی از وجوهات شرعی دریافت شده به مسأله وقف نشان از اهمیت موضوع برای این بزرگوار داشته است.

علامه کرمی نه تنها اعتبار لازم ساخت بیمارستان را از وجوهات شرعی تأمین کردند، بلکه اقدام به ساخت و وقف حوزه علمیه و مسجد النبی در اهواز نمودند. ایشان در همان سال‌های ابتدائی که به اهواز آمدند و پس از استقرار در حوزه علمیه کنونی با خرید خانه‌ای و افزودن قطعه زمینی به آن، اقدام به ساخت حوزه علمیه نمودند و پس

پای صحبت شاگرد قرآنی علامه کرمی

# علامه کرمی مشوق جلسات قرآنی در هویزه

شناخت ابعاد مختلف زندگی علامه شیخ محمد کرمی نه تنها امری پیچیده نیست، بلکه آن قدر واضح و آشکار است که وقتی پای صحبت شاگردان و بزرگان علمی و مذهبی استان می‌نشستیم، حرفی برای گفتن داشتند. میان این صحبت‌ها نیز اشتراکاتی بود که گاهی اوقات تکرار مکررات می‌شد.

عبدالامام حویزاوی، یکی از شاگردان قرآنی علامه، در گفت‌وگویی با نشریه رایحه به شرح زندگی علامه پرداخت و بارزترین مشخصه این عالم جلیل‌القدر را مردمی بودن و بنیان نهادن دوره‌های قرآنی در هویزه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دانست.

## ● علامه شیخ محمد کرمی از چه جایگاه و شخصیتی اجتماعی برخوردار بودند؟

علامه شیخ محمد کرمی حویزی از مفاخر جهان اسلام و تشیع بودند که تألیفات فراوانی را در حوزه‌های مختلف از جمله فقه، اصول، ادبیات، منطق و علم کلام از خود به یادگار گذاشتند. این عالم بزرگوار که در اغلب حوزه‌های اجتماعی فعالیت داشتند، ارتباط نزدیکی با مردم داشتند به گونه‌ای که بسیاری از مراجع‌کنندگان علامه شیخ محمد کرمی به نیکی از مراجعاتشان به ایشان یاد می‌کنند.

علامه شیخ محمد کرمی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با فعالیت در زمینه‌های اجتماعی مختلف خوش درخشیدند که از جمله آن‌ها رسیدگی به مشکلات مردم و ساخت و توسعه مکان‌های مذهبی و مردمی در اغلب شهرهایی که ساکن می‌شدند را نام برد. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه مردم در حرکت‌های انقلابی

حضور پیدا می‌کردند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در تدوین قانون اساسی مجلس خبرگان حضور یافتند.

علامه شیخ محمد کرمی در شهرستان هویزه به تربیت فرزندان قرآنی اهتمام داشتند و چندین جلسه قرآنی را پایه‌ریزی کردند که چندین سال ادامه داشتند. بسیاری از نوجوانان و کودکان شهرستان هویزه نیز در کلاس‌های قرآنی حضور پیدا می‌کردند که علامه به این کلاس‌ها سر می‌زدند و قرائت کودکان را می‌شنیدند و آن‌ها را تشویق می‌کردند. در این میان حضور علامه مشوقی برای مردم شهر هویزه بود؛ حتی آن‌هایی که فرزندانشان در کلاس قرآن حضور نداشتند. تشویق علامه شیخ محمد کرمی نه تنها به صورت زبانی بوده بلکه به صورت توسعه و بسط کلاس‌های آموزش قرآن منطقه بوده است. مردم شهرستان هویزه نیز از این امر استقبال می‌کردند و فرزندانشان را به حضور در این کلاسها تشویق

می‌کردند.

در این میان می‌توان به یکی از شاگردان قرآنی علامه در شهر هویزه اشاره کرد. شهید حامد جرفی، اولین بخشدار شهید هشت سال دفاع مقدس بود که این شهید بزرگوار مراد و مکاتباتی با علامه داشت. همچنین شهید علوانی از دیگر تربیت‌یافتگان مکتب قرآنی علامه شیخ محمد کرمی بود که این شهید والامقام نیز در دوران هشت سال دفاع مقدس به شهادت رسید.

## ● مشخصه بارز علامه چه بود؟

علامه کرمی ویژگی‌های بارز متعددی داشتند که یکی از آن‌ها مردمی بودن بود. ایشان ساعاتی را برای ملاقات مردم اختصاص می‌دادند که در حوزه علمیه و مسجد ایشان برگزار می‌شد و مردم مشکلاتشان را با ایشان در میان می‌گذاشتند. نکته قابل ذکر این است که مردم حکم شرعی ایشان را در حل اختلافاتشان قبول داشتند و شاهد بودیم که قبل از پیروزی انقلاب و حتی بعد از آن مردم برای حل مشکلات خود به ایشان مراجعه می‌کردند و ایشان از نزدیک از احوالشان مطلع می‌شدند و پاسخگوی آن‌ها بودند.

● علامه شیخ محمد کرمی همزمان با موسم حج به رحمت خدا رفتند. گویا همزمان با فوت ایشان مراسمی در بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد. در این باره توضیح دهید.

بله، روزی که علامه به رحمت خدا رفتند اواخر ماه ذی‌القعده بود و بسیاری از کاروان‌های حج در حال برگزاری جلسات آموزشی در اهواز بودند که با شنیدن خبر فوت علامه در مراسم درگذشت ایشان شرکت کردند. بعثه نیز مراسم ترحیم متعددی را از سوی کاروان‌های خوزستانی در عربستان برگزار کرد.

در خصوص اینکه چرا علامه کرمی به حج نرفتند باید بگویم که بسیاری از بزرگان و تجار خوزستانی به ایشان می‌گفتند هزینه حج ایشان را تقبل می‌کنیم، ولی ایشان قبول نمی‌کردند و می‌گفتند که من مستطیع نیستم. در واقع، از نظر ایشان استطاعت فقط از نظر مالی نبود، بلکه راه، توشه، مسیر و حال جسمی بود و با وجود اینکه فقیه بودند، رفتن به حج را منوط به استطاعت می‌دانستند.



## علامه کرمی

### ویژگی‌های

### بارز متعددی

### داشتند که

### یکی از آن‌ها

### مردمی بودن

### بود. ایشان

### ساعاتی را

### برای ملاقات

### مردم اختصاص

### می‌دادند که در

### حوزه علمیه

### ومسجد

### ایشان برگزار

### می‌شد و مردم

### مشکلاتشان

### را با ایشان

### در میان

### می‌گذاشتند

الرحمة

ویژه‌نامه  
علامه شیخ  
محمد کرمی

موقوفه‌ای  
برای سلامت



دکتر مسن ساکی

## علامه به تعداد روزهایی که زنده بود نویسندگی کرد

علامه محمد کرمی همه وقتشان را به ارشاد، راهنمایی و برطرف کردن مشکلات مردم در کنار مطالعه و تألیف اختصاص داده بودند و متقابلاً مردم برای حل مشکلات و اختلافاتی که داشتند به مرجعیت ایشان ایمان داشتند. اینها بخشهایی از گفت و گوی نشریه را بجهت یادکردن حسن ساکی از دوستان دوران نوجوانی علامه محمد کرمی است.

و ما شاهد آن هستیم. اجداد این خانواده روحانی و روحانی زاده بودند. به دلیل ارتباط تنگاتنگ علامه شیخ محمد کرمی با مردم حویزه، میان مردم این منطقه، از نظر شعور اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی داشتند و این ارتباط روزانه باعث شده بود مردم حویزه مردمی هوشیار باشند که این تأثیر آموزه‌های علامه کرمی در مردم آن منطقه بود. بنده در سالهایی که محصل مقطع دبیرستان در اهواز بودم تقریباً از اولین تحصیل کرده‌های دبیرستانی شهر حویزه بودم. همیشه در ارتباط با ایشان چه در حویزه و چه در اهواز، مشوق بوده و مرا راهنمایی می‌کردند که در این راه می‌توانم به مردم خدمت کنم. خانواده علامه شیخ محمد کرمی در حویزه زمین کشاورزی و ملک داشتند که در طی چند دوره بخشی از این زمینها در اختیار کشاورزی و کشاورزان منطقه قرار گرفت. علامه معتقد بودند کشاورزان برای تأمین زندگی خانواده خود در این زمین‌ها مشغول به کار هستند و ایشان با رضایتمندی همین زندگی ساده و امور خود را می‌گذراندند. علامه محمد کرمی شخصیت وارسته

حویزه و دشت آزادگان به این خانواده که پدرشان شیخ محمدطه کرمی بود و فرزند ایشان علامه شیخ محمد کرمی، ارادت خاصی داشتند و احترام ویژه‌ای قائل بودند. البته این ارادت تاکنون ادامه دارد

● در ابتدا از نحوه آشنایی تان با این خانواده و خود علامه شیخ محمد کرمی صحبتی داشته‌باشید.  
در ابتدا و به طور کلی باید عرض کنم همه مردم

امام خمینی (ره) است. افراد نیازمندی که در اهواز زندگی می کنند و حتی دروازه ورود افرادی است که برای معالجه به اهواز مراجعه می کنند. در واقع همه مردم محتاج درمان می توانند از خدمات بیمارستان علامه کرمی استفاده کنند که این خیریه از آثار به جامانده علامه کرمی است. در این زمینه و با توجه ویژه مقام معظم رهبری و کمیته امداد امام خمینی (ره) کمبودی در ارائه خدمات و امکانات پیش نیامده است.

### ● رویکرد علامه محمد کرمی در ارتباط گرفتن با مردم و پاسخ گویی به مشکلات آنها چگونه بود؟

ارتباط علامه محمد کرمی با مردم یک ارتباط به واقع انسانی و خدماتی بوده است. این ارتباط یک ارتباط ارشادی و تنگاتنگ بود که مردم به علامه کرمی ارادت خاصی داشتند و خانواده ایشان از جایگاه ویژه ای بین مردم برخوردار بودند. مردم برای پرداخت وجوهات شرعی خود با وجود مشغله های زیاد علامه کرمی باز هم به ایشان مراجعه می کردند و ایشان پذیرای مردم بودند.

### ● چه نکته بارزی در شخصیت علامه کرمی برای شما قابل توجه بود؟

موارد متعدد هستند. یک بار از ایشان پرسیدم چرا به سفر حج نمی روید. پاسخ دادند مگر من پولی دارم که به حج بروم! علامه محمد کرمی همه پول و وجوهات شرعی که مردم پرداخت می کردند و به دستشان می رسید را خرج فقرا و امور آنها می کردند.

### ● وقت مطالعه و کار علامه چگونه بود؟

علامه محمد کرمی حدود ساعت ۵ برای اقامه نماز صبح به حوزه علمیه خود می رفتند و بعد از آن مشغول مطالعه و تألیف می شدند. حدود ساعت ۴ عصر به مسجدالنبی منطقه آخراسفالت و برای پاسخگویی به مسائل مردم و ارتباط مستقیم با آنها می رفتند. این مسجد نیز از وقفیات خود علامه محمد کرمی می باشد. علامه محمد کرمی همه وقتشان را به ارشاد، راهنمایی و برطرف کردن مشکلات مردم در کنار مطالعه و تألیف اختصاص داده بودند و متقابلاً مردم برای حل مشکلات و اختلافاتشان به مرجعیت ایشان ایمان داشته و برای ایشان حاجتی بر همه می دانستند.

علامه محمد کرمی به من گفتند تصمیم بر آن دارند در مانگاهی خیریه احداث کنند و بنده که اطلاعات بیشتری در امور درمان داشتم، پیشنهاد دادم بیمارستانی احداث شود. بعد از آنکه علامه محمد کرمی موافقت کردند، استانداری زمینی را در مرکز شهر به ما پیشنهاد داد که حدوداً اطراف خیابان ۲۴ متری (آزادگان) اهواز بود. پس از آن و حسب تصمیماتی، مقرر شد احداث این بیمارستان در حاشیه شهر صورت گیرد. پیشنهاد شد ۹ قطعه زمین هزار متری که متعلق به فردی بود، برای این منظور پیشنهاد شد. علامه کرمی زمین را خریداری کرده و ساخت بیمارستان علامه کرمی آغاز شد. ایشان همزمان با ساخت بیمارستان کل مبلغی که بابت وجوهات شرعی مردم به ایشان داده بودند را در اختیار بنده قرار دادند. نکته جالب اینکه از مبلغ پول بی اطلاع بودند و هر آنچه مردم در اختیارشان قرار داده بودند را برای ساخت بیمارستان اختصاص دادند؛ علامه امانتدار خوبی برای وجوهات شرعی بودند.

پس از اینکه ساخت بیمارستان به پایان رسید، علامه کرمی تصمیم گرفتند نامه ای به مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه بیمارستان با شرط اینکه کاربری آن تغییر نکند هبه می شود. این تصمیم بسیار هوشمندانه و مفید بود و هم اکنون جز بیمارستان های شلوغ، مجهز و کم هزینه است. بهترین پزشکان شهر همیشه در این بیمارستان مشغول به کار بوده و هستند. همه امکانات خوب و مناسب برای درمان بیماران در این بیمارستان وجود دارد. پس از این نامه رهبر انقلاب، بیمارستان علامه کرمی را به کمیته امداد امام خمینی (ره) خوزستان واگذار کردند و این کمیته نیز برای راه اندازی و تجهیز بیشتر بیمارستان علامه کرمی متحمل هزینه هایی شد که حتی ساخت و ساز را در ساختمان این بیمارستان افزایش داد. با راه اندازی بیمارستان علامه کرمی خدمات درمانی بزرگی در این شهر برای مردم صورت گرفت. این از جمله آثاری است که علامه کرمی داشتند و در راستای آن، این خدمات به مردم ارائه شد.

### ● به نظر شما عملکرد بیمارستان علامه کرمی در تامین نیازهای درمانی مردم محروم استان خوزستان چگونه بوده است؟

در این باره باید گفت اولین گروهی که از بیمارستان علامه کرمی استفاده می کنند خانواده کمیته امداد



و آرامی داشتند و بسیار اهل مطالعه و قلم بودند. مشغول ترجمه قرآن بودند و در همان زمان حتی در نشریات خارج از کشور به زبان عربی مقالاتی از ایشان به صورت ماهیانه چاپ می شد که با استقبال خوبی هم روبرو بود. ایشان علاوه بر اینکه به تدریس رشته های دینی مشغول بودند، استاد زبان عربی در قم بودند. شخصیت شناخته شده ای در قم بودند. علامه تأکیدی بر جمع آوری مال دنیا و امور دنیوی نداشتند. فرزندان شان را نیز به تحصیل در رشته های پر درآمد هدایت نکردند.

آشنایی بنده و حضرت علامه کرمی از دوران ابتدایی و حدود ۶۵ سال پیش اتفاق افتاده است. افتخار این را داشتم که در اکثر کارهایشان همراهشان باشم. مورد قابل ذکر ساخت همین بیمارستان علامه کرمی است که ایشان به من اعتماد کرده و بنده را مسئول ساخت آن قرار دادند.

### ● علامه کرمی چگونه به فکر ساخت بیمارستان رسیدند و ایده چگونه به ذهن ایشان رسید.



#### پس از اینکه

#### ساخت

#### بیمارستان به

#### پایان رسید،

#### علامه کرمی

#### تصمیم گرفتند

#### نامه ای به مقام

#### معظم رهبری

#### مبنی بر اینکه

#### بیمارستان با

#### شرط اینکه

#### کاربری آن

#### تغییر نکند به

#### می شود. این

#### تصمیم بسیار

#### هوشمندانه

#### و مفید بود و

#### هم اکنون جز

#### بیمارستان های

#### شلوغ، مجهز و

#### کم هزینه است

## ارادت به علامه شیخ کریمی

دکتر دشت بزرگ، حدود یک دهه از عمر خود را در کنار مردمی خدمت کرد که در بخشی از منطقه محروم اهواز و حاشیه آن سکونت دارند. ارتباطی که با این مردم داشت نشئت گرفته از ارادت به علامه شیخ محمد کریمی بود و این را بارها لابلای مصاحبه‌ایی که با تحریریه نشر به راه داشت، ابراز می کرد. تاکید می کرد اگر علامه کریمی در آن دنیا دستگیر من نشود، از ایشان شاکی خواهم شد. قطرات اشک نیز مویدی بر این مدعا بودند که گاه و بیگاه بر صورتش خودنمایی می کردند.

● در ابتدا اشاره‌ای به نحوه آشنایی تان با علامه شیخ محمد کریمی داشته باشید.  
در ابتدا باید بگویم تحصیلاتم، پزشک عمومی است. زمانی که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد، روستایمان در جاده خرمشهر و نزدیک به اهواز بود که پس از رسیدن نیروهای بعثی عراق به این منطقه از آنجا نقل مکان کردیم. بعدها نیز توفیق خدمت در جبهه را داشتیم که از آنجا علاقه من به رشته پزشکی ایجاد شد. سال ۷۱ وارد دانشگاه در رشته پزشکی شدم. پادم می‌آید سال ۸۱ زمانی که سال آخر پزشکی بودم حمله قلبی به مادرم دست داد. بعد از مراجعه به بیمارستان امام خمینی اهواز

و بعد از رسیدگی‌های اولیه گفتند نیاز به بستری در سی‌سی‌یو دارد که اینجا مقدور نیست. احتمال دادند بیمارستان علامه شیخ کریمی تخت سی‌سی‌یو خالی داشته باشد. حدود ساعت یک شب وقتی که به آنجا رسیدیم با ساختمانی تاریک و بیمارستانی بدون بیمار مواجه شدم. یکی از پرستارها بیدار شد و من هم همراه او تا صبح کنار مادر در سی‌سی‌یو ماندم؛ تنها مریض آنجا هم مادرم بود.  
صبح آن روز کسی برای تسویه حساب پیش من آمد و من از مبلغی که گفت تعجب کردم. پرسیدم مگر اینجا بیمارستان خیریه نیست؟

هنوز به حد مطلوبی نرسیده بود. پس از آن بر این شدم با چند متخصص صحبت کنیم که در هر بیمارستان عمومی می‌بایست چهار تخصص داخلی، اطفال، جراحی و زنان وجود داشته باشد. باقی تخصص‌ها را بیمارستان می‌تواند به عنوان تخصص‌های حاشیه داشته باشد. با متخصصین مربوطه صحبت کردم و به توافق رسیدیم که روزانه چند ساعت در درمانگاه تخصصی بیمارستان علامه شیخ کرمی حضور داشته باشند.

### ● روحیه پزشکی که اعلام همکاری می‌کردند، چگونه بود؟

قطعاً روحیه متفاوتی داشتند که روحیه خیرخواهی آنها و فضای خود بیمارستان علامه کرمی که خیریه و وقفی بود، باعث این می‌شد که با دریافت حقوق حداقلی موضوع را بپذیرند و در آنجا خدمت کنند. تازه کار بودن بیمارستان هم نکته مهمی بود که باعث مطرح شدن آنها می‌شد. متخصص داخلی دکتر عجم انتخاب شدند که هنوز هم مشغول کار هستند و مادر آنها هر روز متخصصینی با تخصص‌های مختلف داشتیم. پس از آن پزشکان دیگری مانند دکتر جادر به بیمارستان ما منتقل شدند که این امر باعث شد مراجعه‌کنندگان به بیمارستان علامه کرمی بیشتر شوند. اتاق‌های عمل راه‌افتادند و توانستیم جراحی‌هایی در این بیمارستان انجام دهیم. اتاق عمل و آی‌سی‌یو راه‌افتاد و بعد از این موضوع دعوت ما از پزشکان بیشتر و بیشتر شد. تعداد پرستاران افزایش یافت و بخش‌ها یکی پس از دیگری افتتاح شدند. در بیمارستانی که چهار سال تعطیل و قادر به ادامه کار نبود، تخت‌ها روز به روز افزایش پیدا می‌کردند. تخت‌های آی‌سی‌یو از هفت عدد به یازده عدد رسید و سی‌سی‌یو به بیش از بیست تخت مجهز شد. ان‌آی‌سی‌یو که بخش ویژه نوزادان است، جزء اصلی‌ترین نیازهای استان بود که دارای سی و شش تخت بود و هم‌اکنون هم تأمین‌کننده اصلی نیاز استان به حساب می‌آید. همه نگاه‌ها و روند کار در بیمارستان این بود که برای مردم کار کنیم، نه کسی رئیس بود و نه کسی زیردست. همه با هم برای مردم کار می‌کردیم و به آنها خدمت می‌کردیم.

کردم که اینگونه متروک افتاده بود. من تمام سلامتی و خیریتی که در زندگی دارم را مديون علامه علامه محمد کرمی و بیمارستان ایشان می‌دانم و از خدمت به مردم و آثار دیگری که به جا گذاشته‌اند، می‌بینم. همیشه با خود می‌گویم اگر علامه کرمی در آن دنیا دستگیر من نشود، از ایشان شاکی خواهم شد.

بعد از گذشت ده سال که با این بیمارستان زندگی کردم، باور کردنی نیست هنوز بعد از شنیدن اسم بیمارستان شیخ علامه کرمی بغض گلویم را می‌گیرد.

بعد از جلسات پیاپی که هیأت مدیره برگزار کرد، آیت‌الله موسوی جزایری که جزء هیأت مدیره بودند اصرار داشتند بیمارستان مجدد راه‌اندازی شود و تحت هر شرایطی پذیرش بیمار داشته باشیم. با توکل به خدا و حضور چند پزشک عمومی از همکارانم و چند پرستار، کار آغاز شد. چند نفری در تلفنخانه و حراست هم مشغول شدند. در ابتدا کار با یک بخش اورژانس شروع شد که یک پزشک تمام‌وقت و چند پرستار مشغول به کار شدند.

۳۱ شهریور ۸۵، با حضور استاندار و مقامات دیگر و مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) بیمارستان افتتاح شد. ساعت ۲ بعد از ظهر و بعد از صرف ناهار، مسئولان بیمارستان را ترک کردند. بعد از آن همکاران با تعجب می‌گفتند دیگر کسی در بیمارستان نیست و ما هم کار را ترک کنیم ولی با تصمیمی که از قبل گرفته بودم، آنها را نگه داشته و شب اول را هم کنار آنها ماندم. حدود ساعت ۸ شب بود که به ما خبر دادند یک بیمار به بیمارستان مراجعه کرده است. ما هم خوشحال و با توکل به خدا کار را شروع کردیم.

رسیدگی برای اخذ مجوز بیمارستان برای شروع بکار رسمی بیمارستان علامه کرمی به مجلس شورای اسلامی و حتی وزارت رسید و بعد از ۱۶ ماه پروانه بیمارستان صادر شد. بعد از آن تاریخ قرارداد با بیمه‌های درمانی آغاز شد و اقدام قابل توجه بعدی راه‌اندازی اورژانس زنان بود که به منظور معاینه‌های ابتدایی و مقدماتی برای راه‌اندازی زایشگاه و فعالیت بیشتر بیمارستان علامه کرمی در این زمینه بود.

این روند حدود چهار ماه طول کشید. علی‌رغم افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان بیمارستان،

پاسخ داد بیمارستان علامه شیخ کرمی با بیمه‌ها قراردادی ندارد و باید هزینه به صورت آزاد پرداخت شود.

همان سال فارغ‌التحصیل شدم و به یکی از مناطق محروم هویزه منتقل شدم. هم‌زمان با آن در بیمارستان گلستان اهواز به عنوان پزشک تصادفات مشغول به کار شدم. اواخر سال ۸۴ بود که به من اطلاع دادند از طرف کمیته امداد امام خمینی (ره) پیشنهادی مبنی بر ریاست بیمارستان شیخ علامه کرمی دارم. متوجه شدم حدود یک سال بعد از مراجعه من و مادرم به آن بیمارستان آنجا تعطیل شده است.

با وجود همه تلاش و زحمتی که علامه محمد کرمی کشیده بودند، باز هم روند امور اداری مانع از اخذ پروانه بیمارستان شده بود که ایشان هزینه‌های بسیاری را متحمل شده بودند. به این علت که بیمارستان پروانه پزشکی شروع به کار نداشت و قادر به انعقاد قرارداد با بیمه‌های درمانی نبود. در تأمین هزینه‌ها و مدیریت بیمارستان، علامه کرمی دچار مشکل شده بودند.

اوایل سال ۸۲ بود که سند به نام کمیته امداد امام خمینی (ره) ثبت می‌شود. پس از اینکه بیمارستان هبه می‌شود، به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار می‌شود. سپس در آن سال‌ها این کمیته اقدام به تجهیز و نوسازی بیمارستان می‌کند. از آن سال مشغول ساخت و ساز بودند، تا سال ۸۴ که شروع به جست‌وجو برای پزشک و مدیر بیمارستان می‌کنند. بعد از اینکه چندین گزینه پیشنهاد شد، بنده برای این مهم پیشنهاد شدم. پیشنهاد را پذیرفتم. با توکل به خداوند گفتم هر چه خدا خواهد همان پیش می‌آید یا کار خوب پیش می‌رود یا در آخر دست خالی برمی‌گردم. اوایل سال ۸۵ بود که من رسماً شروع به کار کردم.

هم‌زمان با این بحث، باید پروانه مجوز شروع بکار بیمارستان تأیید شود تا ما بتوانیم با بیمه‌های درمانی قرارداد منعقد کرده و دیگر مشکلات قبلی پیش نیاید. ساختمان حالت متروکه پیدا کرده بود که حتی لانه کبوتر و گنجشک در راهروهای آن دیده می‌شد. هیچ بخش فعالی نبود. اورژانس بیمارستان هم تعطیل شده بود و شروع آن واقعاً معجزه نیاز داشت. بارها به حال این بیمارستان گریه



رسیدگی برای  
اخذ مجوز  
بیمارستان  
برای شروع  
بکار رسمی  
بیمارستان  
علامه کرمی به  
مجلس شورای  
اسلامی و  
حتی وزارت  
رسید و بعد از  
۱۶ ماه پروانه  
بیمارستان  
صادر شد

هوشنگ فبازفوب

## بیمارستان علامه کرمی؛ سامانی از نوع همدلی

هنگامی که علامه جلیل‌القدر شیخ محمد کرمی اقدام به تأسیس مرکزی درمانی برای مردم اهواز نمودند، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدند. مشکلاتی از جمله مدیریت و تجهیز این مرکز درمانی. بعدها با همکاری و همدلی بسیاری از بزرگان و دلسوزان استان خوزستان، شاهد ساماندهی و ارائه خدمات این مرکز به مردم استان خوزستان بودیم. هوشنگ فبازفوب یکی از آن دلسوزانی است که همکاری نزدیکی با این مجموعه درمانی داشته است. تحریریه نشر به‌رایحه در این باره گفت و گویی با وی داشته است.

● نوع فعالیت اجتماعی که داشتید چه ارتباطی با علامه شیخ محمد کرمی داشت و آغاز همکاری و آشنایی شما با علامه چگونه بود؟

در ارتباط با مرحوم آیت‌الله محمد کرمی باید گفت ایشان از شیوخی بودند که در مناطق عشایری خوزستان به ویژه عرب، فعال و دارای وجهه خوبی بودند. همچنین در دوره‌های از شورای خبرگان رهبری نماینده مردم استان خوزستان انتخاب شدند. علامه کرمی به توجه به اطلاع، اشراف کامل و توجهی که به مردم حاشیه‌نشین و فقیر و آشنایی که با منطقه و شیوخ آن داشتند، خدماتی را به مردم ارائه دادند که شاید تا

آن زمان کمتر روحانی وارد این عرصه از خدمات شده بود و آن رسیدگی به بحث بهداشت و درمان عشایر و روستاییان بود. لذا با توجه به توانی که داشتند و با استفاده از امکانات و وجوهات شرعی تحت اختیارشان ماجرا را به این سمت و سو هدایت کردند.

بعد از شناسایی یکی از مناطق محروم و با در نظر گرفتن منطقه‌ای برای ساخت یک بیمارستان و در دسترس بودن آن محل برای مناطق محروم و روستاهای اطراف تصمیم قطعی بر ساخت بیمارستان گرفتند. زمینی به مساحت ده هزار مترمربع خریداری شد و از سال ۱۳۷۲ موضوع تأسیس یک بیمارستان عمومی پیگیری شد که این زمین در منطقه مشرف به جاده اندیمشک، خرمشهر و حمیدیه بود و مناطق اطراف آن هم جزء مناطق محروم اهواز به شمار می‌آمد. بعد از مجوز گرفتن از وزارت بهداشت و درمان، طرح اولیه بیمارستان به این صورت تنظیم شد که یک طبقه زیرزمین و یک طبقه همکف ساخته شود ولی در عمل بهترین گزینه این شد که ساختمان در دو طبقه همکف و طبقه یک ساخته شود که با



هزینه‌های گزاف ساخت و تجهیز بیمارستان در سال ۱۳۷۹، پروانه بهره‌برداری به مساحت ۱۰ هزار متری اخذ شد.

● در خصوص روال ساخت و ساز و واگذاری بیمارستان اشاره‌ای داشته باشید.

اولین مشکل بعد از بهره‌برداری با توجه به اینکه بیمارستان عمومی و مجهز ساخته شده بود و چند اتاق عمل نیز داشت، هزینه‌های جاری آن بود. این مسئله از آنجا شروع شد که بیمارستان در منطقه محرومی بود. از جهت دوم منتسب به علامه محمد کرمی بود. اکثر مراجع‌کنندگان انتظار این را داشتند که خدمات دریافتی‌شان حتماً به صورت رایگان باشد و این باعث فشار مضاعفی بر مسائل بیمارستان می‌شد و مشکلات جاری دیگری هم به وجود آمد.

پس از آن علامه کرمی تشخیص دادند ادامه کار به این شکل دشوار خواهد بود. لذا ایشان اواخر سال ۱۳۸۰ بیمارستان را تعطیل و خدمات‌رسانی را قطع کردند. سال ۱۳۸۱ علامه کرمی نامه‌ای به مقام معظم رهبری



**مقام معظم**

**رهبری:**

**مادر خانه**

**باقرآن**

**آشناست،**

**بچه‌های خود**

**را به دور خود**

**جمع می‌کند**

**و برای آن‌ها**

**قرآن می‌خواند**



کمیته امداد می‌دیدند و از مشکلات بیمارستان علامه کرمی و کمیته‌ها آگاه بودند. پیشنهاد کردند اگر تمایل به اداره بیمارستان دارید، ما بیمارستانی آماده‌تر و مجهزتر در اختیار شما قرار می‌دهیم و ماهانه هم از ما کمک‌هایی دریافت خواهید کرد ولی پاسخ این بود که کمیته امداد امام خمینی (ره) بنا ندارد بیمارستانی اداره کند، فقط بنا به دستور مقام معظم رهبری و تشخیص ایشان موظف به انجام این کار در ارتباط با بیمارستان شیخ کرمی می‌باشد.

#### ● در خصوص اداره بیمارستان و احتمال بروز مشکلاتی در این زمینه اشاره‌ای بفرمایید.

تحويل گرفتن بیمارستان دچار مسائلی شده بود که کار را دشوار می‌کرد. در آن زمان بیمارستان علامه کرمی به کل تعطیل بود و فقط شش نفر نگهبان آنجا مشغول به کار بودند. وضعیت منطقه اطراف بیمارستان علامه کرمی هم نابسامان بود و فقط یک خیابان به سمت خود بیمارستان جدول‌بندی شده بود و وضعیت پرداختی و حقوق و مزایای پرسنل قبلی و نگهبانان کنونی هم دچار کمی و کاستی‌هایی بود که بحمدالله در ماه‌های اول برطرف شد و مجموع بدهی‌های بیمارستان علامه کرمی هم به سازمان‌هایی مانند تأمین اجتماعی و آب و برق و ... پرداخت شد. بعد از قطعی شدن تحويل بیمارستان علامه کرمی ستاد ساماندهی آن به صورت رسمی شروع به کار کرد و با ارتباطی که با علوم پزشکی اهواز برقرار شد و تیم‌های مختلفی از آن وضعیت بیمارستان شیخ علامه کرمی را بررسی کردند و اعلام داشتند که برای راه‌اندازی آن در این حالت نیازمندی‌هایی وجود دارد که شامل تجهیزات و موارد مربوط به بنای ساختمان می‌شود. سپس تیم معاونت درمان کمیته امداد امام خمینی (ره) وارد عمل شد که مسائل و تجهیزات موجود را از نظر قابلیت استفاده بررسی کنند که ۲۸ مورد برآورد اولیه شد. به غیر از تجهیزات پزشکی که باید کمیته امداد مرکز خریداری می‌کرد و شرایط خاص خودش را داشت این روند تا سال ۱۳۸۵ طول کشید که رئیس بیمارستان علامه کرمی انتخاب شد و مدیریت داخلی بیمارستان هم مشخص شد. در شهریور ۱۳۸۵ بیمارستان علامه کرمی افتتاح شد.



موسوی جزایری به ما ابلاغ شد که بیمارستان علامه شیخ کرمی به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار شده است. اواخر سال ۱۳۸۱ که علامه شیخ محمد کرمی فوت کردند، مریدان و ارادتمندان علامه کرمی حتی از کشورهای همسایه و حاشیه خلیج فارس نیز در مراسم حضور داشتند. نفوذ ایشان در عشایر عرب منطقه همتا نداشت. جریان به سال ۱۳۸۲ رسید که ما موظف شدیم بیمارستان علامه کرمی را تحويل بگیریم که کمیته امداد امام خمینی (ره) هم در مسئله اداره بیمارستان تجربه‌ای نداشت و برای اولین بار بود که وارد چنین مسأله‌ای می‌شد. این موضوع در بهار سال ۱۳۸۲ به مدیرکل وقت کمیته امداد امام خمینی (ره)، آقای عطایی‌نژاد ابلاغ شد. ایشان بعد از رایزنی‌ها و جلسات متعددی که در ارتباط با این موضوع داشتند از جمله این جلسات با آیت‌الله موسوی جزایری و دکتر ممینی بود که ایشان رئیس علوم پزشکی وقت بودند و با این مسئله مخالفت کردند که کمیته امداد امام خمینی (ره) اداره بیمارستان شیخ کرمی را به دست گیرد و این کار را خارج از توان و تجربه

نوشتند و در این نامه که دست‌نویس ایشان بود، اعلام کردند و از مقام معظم رهبری درخواست داشتند به عنوان مرجع شیعیان و مقام عظمای ولایت، وضعیت این بیمارستان تعیین شود. از ایشان خواستند به عنوان مرجع تعیین تکلیف بفرمایند و قید کرده بودند به وزارت بهداشتی یا هر جایی که صلاح می‌دانید واگذار شود و با توجه به مسائل شرعی آن، بحث خدمت به محرومین را مطرح کردند. بعد از رسیدن نامه به مقام معظم رهبری، صحبتی با آیت‌الله سید محمدعلی موسوی جزایری داشتند. ایشان به دلیل آشنایی و اشرافی که داشتند و آشنایی با عملکرد سازمان‌های مختلف استان و با توجه به نیت خیری که در راه‌اندازی بیمارستان علامه کرمی بود، پیشنهاد دادند محل به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار شود. جریان این نامه‌ها توسط آیت‌الله موسوی جزایری زمانی بیان شد که ما در جریان امور قرار گرفته بودیم و بیمارستان بعد از فوت علامه کرمی به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار شده بود. از دفتر مقام معظم رهبری و بیت آیت‌الله

مقام معظم رهبری:  
مادر خانه  
باقر آن  
آشناست،  
بچه‌های خود  
را به دور خود  
جمع می‌کند  
و برای آن‌ها  
قرآن می‌خواند



الهام راکي

## این ها همه به برکت نام علامه کرمی است

الهام راکي که هم‌اکنون در بیمارستان خیریه علامه کرمی شاغل است، در گفت‌وگویی که با تحریریه نشریه رایحه داشت از روزهای آغاز به کار این مرکز درمانی سخن گفت. روزهایی که چگونه با دست خالی به همراه کارکنان این بیمارستان به مردم این منطقه خدمت‌رسانی می‌کرده است. می‌گوید وقتی که در این مرکز آغاز به فعالیت کرده، این احساس را داشته که همه وسایل اینجا امانت است و آنها نیز امانتداری را به بهترین نحو احسن انجام می‌دادند.

● در ابتدا به آغاز همکاری‌تان با بیمارستان علامه کرمی اشاره‌ای کنید. قبلاً فقط اسمی از ایشان شنیده بودم و از نزدیک با وی آشنایی نداشتم تا زمانی که بیمارستان را به کمیته امداد امام خمینی (ره) اهدا کردند. قبل از این اتفاق با کمیته امداد امام خمینی (ره) در ارتباط بودم. این بیمارستان سه ماه قبل از اینکه علامه

کرمی فوت کنند، در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۱ اهدا شده بود.

در واقع، علامه کرمی چند ماه قبل از فوت، وصیت کرده بودند که این بیمارستان به دفتر مقام معظم رهبری اهدا شود و دفتر مقام معظم رهبری هم بیمارستان را به کمیته امداد امام خمینی (ره) واگذار کرد. کمیته امداد موفق شد بیمارستان را راه‌اندازی کند و پس از تجهیز آن شروع به جذب نیرو کرد. البته پیش از این، بیمارستان یک بار به دلیل هزینه‌های زیاد و همچنین به خاطر اینکه باید تخصصی‌تر کار می‌کرد تعطیل و بعد با مشارکت مردم راه‌اندازی شده بود.

سال ۸۵ به صورت رسمی به عنوان مسئول کارگزینی شروع به کار کردم. در آن زمان اطراف بیمارستان هیچ مغازه یا منزل مسکونی وجود نداشت. فقط در فاصله‌ای از بیمارستان چند خانه مسکونی دیده می‌شد.

در بیمارستان هم کارگران برای تأسیسات هنوز مشغول کار بودند. مدیر وقت بیمارستان آقای غفاری بودند.

در بیمارستان فقط یک ماشین تحریر بود که من قبلاً آن را فقط در دادگاه دیده بودم و بیشتر از وسایل شخصی خودمان استفاده می‌کردیم. هنوز ساختمان در حال رنگ‌آمیزی بود که کمیته امداد کار بیمارستان را شروع کرد و آقای خباز خوب مسئولیت راه‌اندازی مجدد بیمارستان را عهده‌دار شد.

بعد از وی این مسئولیت به دکتر دشت‌بزرگ سپرده شد. در آن زمان که با دکتر دشت‌بزرگ شروع به کار کردیم احساس می‌کردیم که همه

علامه کرمی  
چندماه قبل از  
فوت، وصیت  
کرده بودند که  
این بیمارستان  
به دفتر مقام  
معظم رهبری  
اهدا شود و  
دفتر مقام  
معظم رهبری  
هم بیمارستان  
را به کمیته  
امداد امام  
خمینی (ره)  
واگذار کرد

### دیدگاه

خیریه نمونه فعال از این نوع بیمارستان در سطح کشور است که در این سطح گسترده فعالیت می‌کند و زیر نظر کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌باشد و از سویی دیگر این بیمارستان خیریه خودگردان نیز می‌باشد.

لزوم همکاری خیرینی که در حوزه درمان و خدمات اجتماعی فعالیت دارند به شدت احساس می‌شود زیرا که بدون اهتمام خیرین به این امر این مهم محقق نمی‌شود.

فعالیت بیمارستان علامه محمد کرمی اهواز در حال حاضر در بخش خدمات پاراکلینیکی در بخش‌های اورژانس، درمانگاه تخصصی، آزمایشگاه، رادیولوژی، سی تی اسکن، اکو، دیالیز، مراجعین سرپایی زایشگاه، نوار مغز، آندوسکوپی و کولونوسکوپی، تست ورزش، تست ریه، سونوگرافی، بینایی‌سنجی، شنوایی‌سنجی، فیزیوتراپی می‌باشد.

در این میان پزشکان متعددی نیز با این مرکز درمانی همکاری دارند که ۱۸۴ پزشک

### ارائه خدمات درمانی به قشر نیازمند

بیمارستان آیت‌الله محمد کرمی به عنوان یکی از مهمترین مراکز درمانی در غرب اهواز احداث و راه‌اندازی شده است. مرکزی که با محوریت ارائه خدمات درمانی به قشر نیازمند جامعه کلنگ آن زده شد و پس از چندین سال با پیگیری‌ها و تلاش‌های مستمر علامه محمد کرمی بهره‌برداری شد. بیمارستانی که با درایت و همت آیت‌الله کرمی احداث گردید و با تلاش شبانه‌روزی پزشکانی از جمله دکتر حسن ساکی و دشت‌بزرگ و دیگر پزشکان و کارکنان این بیمارستان توانسته خدمات شایان توجهی را به مردم منطقه و شهرستان‌های استان خوزستان و حتی خارج از استان ارائه دهد زیرا که این بیمارستان

دیدگاه

## افتخار بزرگ بیمارستان علامه کرمی

توسعه بیمارستان آیت‌الله کرمی و اینکه همکاری خیرین با این بیمارستان تا چه حد بوده، نکته‌ای است که نباید از نظر دور بماند. گرچه به صورت موردی کمک‌هایی می‌شود، ولی تاکنون چیزی به عنوان کمک‌های خیرین دریافت نشده است. با توجه به اینکه بیش از یک دهه از فعالیت بیمارستان می‌گذرد و نیاز به بازسازی و نوسازی تجهیزات و افزایش تعداد تخت‌های بیمارستان به شدت احساس می‌شود، به نظر می‌رسد همکاری افراد خیر در این زمینه مؤثر باشد. این بیمارستان که با ۹۵ تخت راه‌اندازی شد و سپس به ۱۸۵ تخت فعال رسید، اکنون با ۲۴۹ تخت نیاز به امکانات و نیروی بیشتری دارد.

یکی از افتخارات بزرگ بیمارستان علامه کرمی اشتغال‌زایی است که حدود ۵۰۰ پرسنل به صورت مستقیم و غیرمستقیم، مشاغل مرتبط با بیمارستان، دارد؛ مانند فیزیوتراپی، داروخانه، ارتوپدی، مغازه‌های اطراف آن. این‌ها همه به برکت نام علامه کرمی است.

مختلفی است که همه عمل‌های جراحی را به استثنای عمل قلب و مغز انجام می‌دهد. مراجعه‌کنندگانی از روستاها و شهرستان‌های اطراف اهواز به ویژه مردم محروم منطقه که قدرت پرداخت هزینه درمان را ندارند به این مرکز مراجعه می‌کنند.

نکته جالب این است که به برکت اسم علامه کرمی خیلی از افراد اصرار دارند بچه‌هایشان در این بیمارستان به دنیا بیایند. این بیمارستان همیشه بخش زایشگاه عالی داشته است و با تمهیداتی که دکتر دشت بزرگ در این زمینه انجام داد، در سال ۹۳ بیمارستان علامه کرمی لوح بیمارستان برتر در زمینه زایمان طبیعی را از وزارت بهداشت دریافت کرد.

این بیمارستان گرچه خودگردان بود، اما زایمان طبیعی را رایگان اعلام کرد. این‌ها همه به برکت وجود اسم علامه کرمی بر این بیمارستان بود که به آن اعتبار می‌داد. برکت اسم علامه کرمی و حسی که دکتر دشت بزرگ ایجاد کردند باعث شد

که با وجود کمترین امکانات، بیمارستان بتواند استانداردهای لازم را رعایت و هر ساله درجه اول را در اعتباربخشی سالانه دریافت کند.

وسایل اینجا امانت است و این بیشتر به خاطر روحیه‌ای بود که از زمان شروع کار در اینجا داشتیم. در واقع، وارد بیمارستانی مجهز نشده بودیم و همه وسایل حتی قلم و کاغذ و یک حبه قند برای ما ارزشمند بودند، زیرا بیمارستان اسم علامه کرمی را به همراه داشت.

در ادامه اورژانس بیمارستان را در ۳۱ شهریور ۸۵ افتتاح کردیم. حدود سال ۸۶ بود که زایشگاه بیمارستان علامه کرمی راه‌اندازی شد. اولین بچه‌ای که به دنیا آمد دختر بود که ماما بچه را از ذوق به اتاق من آورد و از خوشحالی رئیس بیمارستان، مدیر و سایر کارکنان جمع شدند.

تولد این دختر مصادف با ولادت حضرت زینب(س) بود که پدر آن دختر برای تخفیف در هزینه بیمارستان به دکتر دشت بزرگ مراجعه کرد. دکتر از وی خواست که برای تبرک اسم حضرت زینب(س) را روی آن دختر بگذارند. در قبال این کار نیز هزینه‌ای از او دریافت نشد.

● به نظر شما بیمارستان علامه کرمی چقدر توانسته در تأمین نیازهای مردم به خصوص مردم این منطقه قدم بردارد؟

این بیمارستان توانسته بسیاری از نیازهای درمانی مردم منطقه را تأمین کند. چندین گروه بیمار مراجعه‌کننده دارد که فقط بخشی از آن‌ها خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد هستند. در ابتدای فعالیت بیمارستان نیز فقط بیماران طرف قرارداد بیمه دولتی و تحت پوشش کمیته امداد مراجعه می‌کردند.

در حال حاضر بیمارستان شامل بخش‌های

مردمی که از این مرکز درمانی خدمات دریافت می‌کنند از شرایط مالی مناسبی برخوردار نیستند و نیازمند دریافت تخفیف و گاهی اوقات نیازمند درمان رایگان از سوی بیمارستان هستند. که همین امر بر لزوم همکاری خیرین با این مرکز تأکید می‌کند. این نکته نیز از ذهن دور نماند که این مرکز درمانی به صورت خودگردان فعالیت می‌کند که هزینه‌های ساخت، احداث و راه‌اندازی آن نیز به کمک خیرین و از طریق وجوه شرعی بوده که در این مهم علامه محمد کرمی مصرف کرده‌اند.

گرچه واحد خیرین مرکز وقفی درمانی علامه کرمی اهواز از دو سال گذشته تاکنون فعالیت خود را آغاز کرده است، اما میزان همکاری خیرین با بیمارستان علامه کرمی آن چنان که باید و شاید به نسبت مراجعین و نیازمندی که به این بیمارستان خیریه مراجعه می‌کنند مطلوب نبوده است.

عمومی، متخصص و فوق تخصص هستند که به همراه ۴۸۰ نفر پرسنل درمان، کلینیک و پشتیبانی خدمات شبانه‌روزی خود را به مردم منطقه و جامعه هدف (افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره)) ارائه می‌دهد. میانگین افراد دریافت‌کننده خدمات درمانی این بیمارستان خیریه در ماه‌های سال متغیر بوده که در ماه‌های فروردین تا دی سال ۹۷، تعداد ۱۹۵ هزار و ۲۹۹ نفر در دو بخش مراجعین سرپایی و مراجعین بستری از خدمات درمانی این مرکز بهره‌مند شدند که اغلب در بخش مراجعین سرپایی بودند. بخش‌های بستری این بیمارستان نیز شامل داخلی، اطفال، زنان، جراحی، نورولوژی، سی سی یو، آی سی یو، آی سی یو بوده که به مراجعین ارائه خدمات داشتند.

نکته مهم در خصوص اینکه این مرکز درمانی خیریه تا چه حد نیازمند دریافت کمک خیرین بوده و خیرین تا چه میزان با این مرکز درمانی همکاری داشته‌اند می‌توان گفت

گزارشی از علامه

## علامه به روایت یک مستند

در این شماره از نشریه رایحه که با محوریت زندگی علامه جلیل‌القدر شیخ محمد کرمی، تهیه و تدوین شده است، حجت‌الاسلام و السلمین سید محسن شفیعی همکاری پدران‌های با مجموعه جهاد دانشگاهی خوزستان داشتند. پیگیری‌های ایشان در این باره به یافتن مجموعه‌ای از اسناد و یک فیلم مستند همراه شد که با محوریت زندگی علامه شیخ محمد کرمی تهیه شده بود. این مصاحبه بر اساس این فیلم و اسناد تهیه شده و مراد نظری تهیه‌کننده و کارگردان این مستند بوده که در مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما و تولید سیمای مرکز خوزستان تهیه شده است.

محوریت مصاحبه گفت و گویی است که خود علامه راوی آن بوده است و پژوهشگر چندین سؤال از وی داشته است که خروجی مصاحبه به نقل از زبان علامه تدوین شده است. علامه درباره خاندان و محل تولدش چنین گفته است: مادر من صبیبه شیخ ابوالقاسم مامقانی فرزند شیخ حسن مامقانی و شیخ محمدطه نیز پدر من بوده که زیر سایه پدرش رشد کرد. در خلال سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۵ که فوت شدند تصمیمات متعددی گرفته بودند. پدر شیخ محمدطه در سال

۱۳۴۶ مرحوم شدند و ایشان برای اینکه به امور و دیون خانواده رسیدگی کنند از نجف به دشت‌آزادگان آمدند. تا اینکه فوت شدند و در نجف خاکسپاری شدند. من در نجف ماندم و به تحصیل پرداختم. تا سن ۲۰ سالگی در آنجا بودم. در نجف در مدرسه علوی ایرانی مشغول به تحصیل بودم تا اینکه کلاس ششم را به پایان رساندم و همه مقدمات را فرا گرفتم. جنگ جهانی دوم نیز به پایان رسید و رضاشاه سقوط کرده بود. دری به سمت من باز شد و توانستم از نجف به قم بیایم.

علامه شیخ محمد کرمی درباره برنامه‌های روزانه خود چنین ادامه داد: هر روز قبل از طلوع آفتاب بیدار می‌شوم و نیم ساعت بعد از طلوع آفتاب تدریس در حوزه شروع می‌شود. کلاس‌ها همیشگی برقرار بوده و اغلب دروس اصول و فقه بوده است. درباره اینکه شاگردان خبره‌ای از ایشان به یادگار مانده است، معتقد بود متأسفانه آنهایی که می‌خواهند خبره باشند کم هستند.

این امر فقط درباره حوزه علمیه خودمان مصداق ندارد بلکه در حوزه علمیه قم و نجف نیز چنین بوده است. همچنین درباره اینکه پاسخگویی به مراجعات مردمی و راه‌اندازی دفتری مردمی برای این منظور به چه صورت



**علامه شیخ  
محمد کرمی  
درباره  
برنامه‌های  
روزانه خود  
چنین ادامه داد:**

**هر روز قبل از  
طلوع آفتاب  
بیدار می‌شوم  
و نیم ساعت  
بعد از طلوع  
آفتاب تدریس  
در حوزه شروع**

**می‌شود.  
کلاس‌ها  
همیشگی  
برقرار بوده و  
اغلب دروس  
اصول و فقه  
بوده است**



مسکن خریداری کردم و مابقی را از صاحبان اولیه آنها به قیمت ۶۰ میلیون ریال خریدم و در بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ ساختم. تجهیز شد ولی به دلیل مشکل مالی که در ادامه مسیر پیش آمد شاهد کندی در روال کار بودیم.

انگیزه من از ساخت این بیمارستان این بود که ضعفا به سهم خود برسند و از ضعف آنها کاسته شود. می‌توان گفت کمتر بیمارستانی در خوزستان از لحاظ تجهیزات به مانند این بیمارستان باشد.

علامه محمد کرمی در ادامه گفت: حدود ۷۰ کتاب را در اغلب علوم تألیف کرده‌ام که اغلب در قم و نجف بوده است و همه به چاپ رسیده‌اند.

بارها بسیاری از این کتاب‌ها به چاپ مکرر رسیده‌اند. یک نکته اینکه تعدادی از کتب تألیف شده‌ای که داشته‌ام بعد از وقوع جنگ تحمیلی از بین رفتند.

خانواده‌ام از طریق محصول زمین‌های کشاورزی خانوادگی ما بوده است که از آنها استفاده می‌کنیم. اگر ضرورتی پیش بیاید و نیاز مالی باشد از سهم امام استفاده می‌کنم.

من آخوندزاده هستم و این آخوندزاده در نجف نان و ماست و یانان و خرما می‌خورد اما از اوایل جوانی‌ام در ساخت مساجد و حسینیه‌ها در اهواز و حومه مشارکت داشتم. از جمله اینکه یک قطعه زمین در اهواز با قیمت بالایی خریداری شد که تبدیل به مسجدالنبی در یکی از محلات اهواز شد.

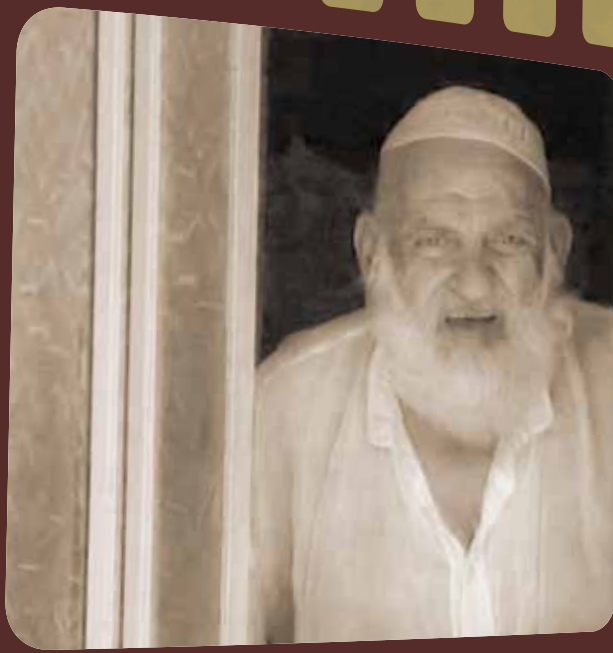
اغلب کارهای ساخت و ساز در مناطق عرب‌نشین صورت می‌گرفت، از جمله ساخت مساجد و حسینیه‌ها. همچنین من این مدرسه علمیه را ساخته و توسعه دادم. در ابتدا دو باب خانه بود که بعدها تغییر وضعیت داد و به این وضعیت تبدیل شد.

در ادامه درباره ساخت بیمارستان گفت این بیمارستان در حدود ده‌هزار مترمربع است که یک‌هزار متر آن را از شرکت توسعه و آبادانی

بوده است، گفت: این امر خیلی عادی است و خودم پاسخگو هستم. کارهای اضافی را قبول نمی‌کنم. اگر قول کاری را برای انجام دادن به کسی بدهم به اندازه وسعم خواهد بود. نمی‌خواهم دیگران را درگیر کارهای خود کنم.

در ادامه به جلسات تفسیری که تاکنون برپا می‌شد، اشاره کرد و گفت: روزهای جمعه و شب‌های رمضان منبر دارم که قبلاً این امر گسترده‌تر بوده است. روزهای جمعه بیشتر تفسیر حدیث بوده که حدود ۳۶ سال ادامه داشت و منبر می‌رفتم. همه جلسات نیز با محوریت مواردی بود که با مسائل اجتماعی مردم مرتبط بود. تا حد توانم برای آنها جلسات تفسیر برگزار کردم. کم نگذاشتم و همگی جلسات نیز ثبت و ضبط شده است. از مهم‌ترین مباحثه‌هایی که داشته‌ام می‌توان به هم‌مباحثی با آیت‌الله اشتهاردی اشاره کرد که با همدیگر در یک کلاس مشترک حضور داشتیم.

علامه کرمی درباره امرار معاشی که تاکنون داشته است، گفت: امرار معاش من و بار





در این میان و در بحث وجوهات شرعی که به علامه محمد کرمی پرداخت می‌شد و منجر به ساخت بیمارستان خیریه علامه کرمی شد، مطلب قابل ذکر این است که به علت مقبولیت بسیاری که ایشان در میان آحاد جامعه داشتند، وجوهات زیادی به دستشان می‌رسید و اختیار تام در مصرف وجوهات شرعی داشتند. پس از مرجعیت، این وجوهات شرعی کاملاً در اختیار علامه قرار گرفت که ایشان می‌توانستند به صورت کامل در آن دخل و تصرف کنند و با رأی خود از این وجوهات شرعی در موارد لازم به تشخیص خود استفاده کنند.

نتیجه این وجوهات شرعی منجر به ساخت حوزه علمیه علامه کرمی و بیمارستان خیریه علامه کرمی شد که در استان خوزستان از جمله بیمارستان‌های بزرگ و مجهز به شمار می‌آید و در کشور نیز چنین نمونه‌ای از بیمارستان و میزان خدمات آن بی‌سابقه است. درباره ساخت بیمارستان خیریه علامه

بیمارستان خیریه عمومی

## وجه شرعی که خرج درمان شد

هر مسلمانی وجوهات شرعی خود را مانند خمس، زکات، کفاره و... در برهه‌های مختلف زمانی به مجتهد یا نماینده مرجع پرداخت می‌کند. در مقطعی مردم وجوهات شرعی خود را به برخی از آیات عظام نیز پرداخت می‌کنند. در استان خوزستان و در دهه‌های شصت و هفتاد، عرب‌نشین‌های استان وجوهات شرعی را به علامه محمد کرمی پرداخت می‌کردند. از سوی دیگر هر شخص عاقل و بالغی در طول حیاتش در مورد اموالش اختیار تام دارد که هر نوع تصرفی داشته باشد؛ مثلاً وقف یا نذر کند و یا به کسی ببخشد، اما در مورد شرایط پس از مرگش اختیار تام و مطلق به همه اموال ندارد، بلکه در صورتی که وصیت بیش از مقدار ثلث بود، فقط مقدار ثلث (یک‌سوم) آن نافذ و قابل انجام است. منظور از ثلث، یک‌سوم کل دارایی‌های موصی است که محاسبه می‌شود.



که نیاز و فقر خود را بازگو و عیان نمی‌کنند و توجیه وی این بود که متکدیان فقط به سراغ من نمی‌آیند و چندین جای دیگر هم برای تأمین نیازهایشان دارند، اما خانواده‌هایی که برای دریافت کمک دست به سمت کسی دراز نمی‌کنند در اولویت هستند و باید آن‌ها را تحت حمایت قرار داد.

این اقدام علامه محمد کرمی مصداق دقیق آیه شریفه فوق‌الذکر است. این افراد و خانواده‌های غنی و نجیبشان برای کمک محتاج‌تر و مستحق‌ترند تا استفاده از وجوهات شرعی برای متکدیان که به دفعات به افراد زیادی مراجعه می‌کنند و نیازشان به سهولت برطرف می‌شود. در واقع علامه غیرمستقیم تکدی‌گری را مردود می‌دانستند و تلاش ایشان بر این بود که فرهنگ صحیحی را در امر انفاق به نیازمندان ایجاد کنند که هم راه درست انفاق را آموزش دهد و هم کار مضموم تکدی‌گری را از بین ببرند.

از این خدمات اولیه پزشکی استفاده کنند. بنابراین، این بیمارستان خیریه نه تنها نیازهای اولیه افراد نیازمند را تأمین می‌کرد، بلکه یکی از بزرگترین و مجهزترین بیمارستان‌های منطقه به شمار می‌آمد که متخصصان خبره‌ای در آن مشغول به کار شدند.

ایده اولیه علامه محمد کرمی درباره ساخت مکانی برای ارائه خدمات پزشکی به قشر نیازمند و فقیر در یک درمانگاه بود که بعدها این ایده با سیل عظیم وجوهات شرعی و پیشنهاد یکی از مشاوران وی به نام دکتر حسن ساکی، که خود در کادر درمان بودند، تبدیل به نقشه‌ای برای ساخت بیمارستان خیریه عمومی شد و تحولی را در امر درمان و امور خیریه وقفی در منطقه رقم زد.

علامه معتقد بودند که در انفاق به متکدیان دوره‌گرد نباید زیاد به آنان بها داد.

کمک اصلی و انفاق به نیازمندان باید در اختیار خانواده‌ها و افراد نیازمندی قرار گیرد



کرمی نیز باید گفت که وی همه آنچه را به نام وجوهات شرعی از مردم دریافت می‌کردند برای ساخت بیمارستان خیریه در نظر گرفته بودند که در راستای کمک به نیازمندی بود که در آیه شریفه نیز آمده است: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (این صدقات برای آن (دسته از) نیازمندی است که در راه خدا فرومانده‌اند و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی) در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع آنان را توانگر می‌پندارد. آن‌ها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی (به آنان) انفاق کنی، قطعاً خدا از آن آگاه است.» (سوره بقره، آیه ۲۷۳) علامه صلاح کار و مصرف درست وجوهات را در آن می‌دیدند تا بدین ترتیب جمعیت نیازمند بیشتری بتوانند



**ایده اولیه  
علامه محمد  
کرمی درباره  
ساخت  
مکانی برای  
ارائه خدمات  
پزشکی به  
قشر نیازمند  
وفقی در یک  
درمانگاه بود**

## عقود من حیاتی

در جلد هشتم تفسیر المنیر تألیف علامه محمد کرمی درباره زندگی این عالم جلیل‌القدر آمده که من محمد فرزند محمدطه پسر نصرالله پسر حسین هویزی کرمی هستم. در کودکی در مدرسه علوی ایرانی در نجف مشغول به تحصیل شدم. حین تحصیل کسی مشوقم برای امر تحصیل نبود تا اینکه به مدت چهار سال در این مدرسه ادامه تحصیل دادم. بعد از اینکه کلاس چهارم را به پایان رساندم تصمیم گرفتم به دیدن پدرم به سوسنگرد بیایم. یک سال را کنار پدرم سپری کردم و درس ابتدایی را در سوسنگرد ادامه دادم. بعد از مدتی فکری به سرم زد و آن اینکه درس را در مدرسه رها کنم و به حوزه علمیه روی آورم. به عنوان شاگرد مکتب استاد فرزانه شاگردی کردم. درس زبان فرانسه، حساب، هندسه را نیز فرا گرفتم. شرح الأقیه قراهه معنی اللیب و الحاشیه علی تهذیب التفتازانی، والشرائع و المعالم و المطول و المختصر، شرح اللمعه و الکفایه و منظومه سبزواری را نزد اساتید متعددی فرا گرفتم. همچنین گریزی به شعر و ادبیات زد. اینها همه در نجف اشرف رخ

داده بود و زمان آن برمی‌گردد به قبل از جنگ جهانی دوم. و این گونه شد که من تصمیم گرفتم نجف را ترک کنم و شهر قم را برای اقامت انتخاب کنم. سه دلیل اصلی بود که من تصمیم به این امر نمودم؛ اول اینکه نجف در آن سال‌ها از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردار نبود به گونه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم بسیاری از مشکلات اقتصادی در این شهر پیش آمده بود. مورد دوم اینکه شهر نجف شهری بود که در آن مناسبت‌های اجتماعی از جمله ازدواج، فوت، مشایعت مسافر و ... در آن بیشتر از شهرهای دیگر صورت می‌گرفت. همچنین افرادی بودند که از شهرهای دیگر برای زیارت نجف اقدام می‌کردند و مناسبت‌های متعددی در این شهر صورت می‌گرفت و شاهد بودیم که بسیاری از مسلمانان کشورهای دیگر از جمله ایرانیان، ترک‌ها، افغان‌ها و حتی هندی‌ها نیز به این شهر می‌آمدند. به همین دلیل تصمیم گرفتم برای تمرکز در تحصیل علم نجف را ترک کنم. مورد سوم اینکه شاهد بودیم در زمان حکومت عثمانی‌ها ضعف حکومتی در شهر نجف

مشهود بود و بسیاری از اشرار اقدام به برهم زدن امنیت و ایجاد مزاحمت برای ناموس مردم می‌شدند. به همین دلیل تصمیم گرفتم فارغ از همه این مشکلات و نبود امنیت‌ها، نجف را ترک کنم و در قم ساکن شوم. یکی از دوستانم بعد از اطلاع از هجرت‌م به ایران در مورد شهر بروجرود و وجود سید بزرگوار، آیت‌الله بروجرودی در آن شهر به من اطلاعاتی دادند. این گونه شد که تصمیم قطعی درباره مهاجرت به قم و فراگیری دروس حوزوی نمودم. این اتفاقات نیز همزمان با جنگ جهانی دوم و ورود نیروهای متفقین به عراق و ایران بود.

بعد از اینکه در قم ساکن شدم در مدرسه فیضیه ساکن شدم. مدرسه فیضیه یکی از مهم‌ترین مدارس علمیه بود که بعد از اینکه برخی از بزرگان شهر از ورود من به قم مطلع شدند به خوش آمدگویی و دیدنم آمدند. از جمله سید مرحوم سید صدرالدین صدر و مرحوم سید حجت کوه‌کمره‌ای و دیگر آیات عظام که من را از طریق نسب و سابقه علمی که در نجف داشتم، می‌شناختند.

علامه شیخ محمد کرمی در جای دیگری درباره اینکه بهترین نصیحت چه می‌تواند باشد، معتقد بود آدمی اگر واجبات و محرمات خداوندی را انجام دهد بهترین فرد در دنیای بشریت خواهد بود. اگر امر خوب را انجام دهد و به امر بد نزدیک نشود بهترین فرد می‌شود. حرام یعنی اینکه قبیح را انجام ندهد و حلال یعنی اینکه به سمت کارهای خوب برود و این فرد قوی‌ترین فرد خواهد شد.

درباره پاسخگویی به مردم درباره مسائل عشایری نیز اعتقاد داشت که فقط جنبه شرعی را پاسخ می‌دهم والا به دیگر موارد کاری ندارم. برخی آداب و رسوم عشایر را قبول ندارم و اصلاً جایز نیستند. اگر به عشایر سر می‌زدم هدفم این بود که تعلیم نماز و احکام داشته باشم. ماهی یک بار به مراکز و مناطق عشایری سر می‌زدم.

درباره هجمه‌هایی که علیه اهل بیت (ع) صورت گرفته است، این چنین پاسخ می‌داد که وهابیت با پول خود افراد فقیر را هدف قرار داده است که ما در این باره کم نگذاشته‌ایم. وهابیت گرچه کارهایی در این زمینه انجام داده است ولی باید گفت که از بین خواهند رفت.



- درباره پاسخگویی به مردم درباره مسائل عشایری نیز اعتقاد داشت که فقط جنبه شرعی را پاسخ می‌دهم والا به دیگر موارد کاری ندارم. برخی آداب و رسوم عشایر را قبول ندارم و اصلاً جایز نیستند اگر به عشایر سر می‌زدم هدفم این بود که تعلیم نماز و احکام داشته باشم**